



مرکز تحقیقات اسلامی

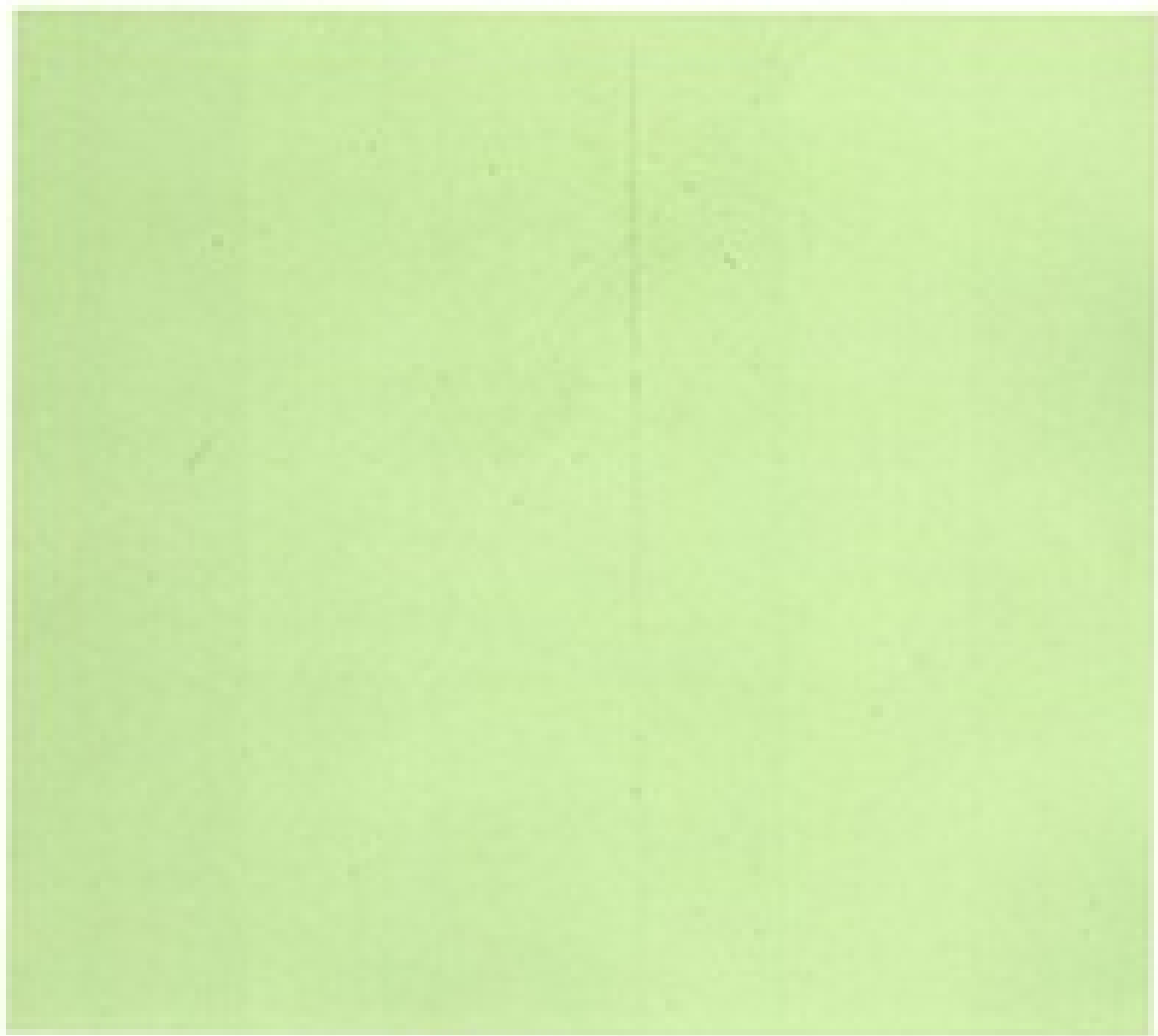
اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



کتابخانه دیجیتال آیت الله العظمی بروجردی

فرشته مهر

آیین پرستاری و میادیت از بیماریار در اسلام

تألیف: دکتر سید علی حسینی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرشته مهر: آیین پرستاری و عیادت از بیمار در اسلام

نویسنده:

شکیبا سادات جوهری

ناشر چاپی:

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	فرشته مهر: آیین پرستاری و عیادت از بیمار در اسلام
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	دیباچه
۱۸	پیش گفتار
۲۲	بخش اول: آیین پرستاری در اسلام
۲۲	اشاره
۲۳	فصل اول: پیشینه پرستاری
۲۳	اشاره
۲۴	پرستاری در دوران کهن
۲۵	پرستاری در اروپا
۲۵	پرستاری در اسلام
۲۷	اهمیت و ضرورت پرستاری
۲۷	ارزشمندترین پرستاری
۲۸	وظیفه متقابل پرستار و جامعه
۲۹	رعایت اخلاق در روابط پرستار با بیمار
۳۰	زنان پرستار در صدر اسلام
۳۳	پرستاری فاطمه علیهاالسلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۳۳	پرستاری زینب کبرا علیهاالسلام در کربلا
۳۴	پرستاری در نگاه امام خمینی رحمه الله
۳۶	فصل دوم: نسیم مهرورزی
۳۶	اشاره
۳۷	اسلام، آیین مهرورزی
۳۷	ریشه های مهرورزی در قرآن و عترت

۴۰	آثار خدمت به بندگان خدا
۴۳	غم زدایی از بیماران
۴۴	سنگ صبور بیماران
۴۶	فقه پرستاری
۴۶	هدایت بیمار
۴۶	دلداری دادن به بیمار
۴۷	تلاش در برآوردن نیاز بیمار
۴۷	عبرت آموزی
۴۸	یاری رساندن به بیمار در گزاردن اعمال عبادی
۴۸	پرهیز از عصبانی کردن بیمار
۴۸	درخواست دعا از بیمار
۴۹	نشستن کنار تخت بیمار
۵۰	فصل سوم: آیین پرستاری در قاموس قرآن و عترت
۵۰	اشاره
۵۰	ارزش والای شغل پرستاری
۵۲	پرستاری در سیره معصومین علیهم السلام
۵۵	آثار مثبت پرستاری
۵۷	مراقبت از بیمار
۵۹	نیازشناسی و تأمین نیاز بیماران
۶۰	پرستاران و مدارا با بیماران
۶۲	تأثیر هم نشینی بر سلامتی بیماران
۶۴	ارزش بیماری و تبریک بهبودی
۶۵	نبایدها در حرفه پرستاری
۶۸	فصل چهارم: بایسته های اخلاقی پرستاران
۶۸	اشاره
۶۹	معیار ارتباط پرستاران با بیماران

۷۰	یاد خدا
۷۲	پارسایی
۷۵	زمان شناسی و استفاده از ابزار مناسب در کارها
۷۷	اولویت بندی در کارها و تقسیم کار
۷۸	بهینه سازی کار
۸۰	خوش رفتاری با بیماران
۸۲	حفظ آبروی دیگران
۸۳	احترام به بیماران
۸۴	سلام و احوال پرسى با بیمار
۸۶	نیکو سخن گفتن
۸۹	گشاده رویی
۹۰	نرم خویی و سازگاری با بیماران
۹۲	فروتنی
۹۴	خدمت بی منت
۹۵	عیب پوشی
۹۷	شوخ طبعی
۱۰۰	آراستگی ظاهر
۱۰۰	بزرگداشت سالمندان
۱۰۲	مهربانی با بیماران
۱۰۴	شکیبایی
۱۰۷	فصل پنجم: مسئولیت شناسی و مسئولیت پذیری
۱۰۷	اشاره
۱۰۷	جلوه های مسئولیت پذیری پرستار
۱۰۸	آثار مسئولیت پذیری
۱۰۸	اشاره
۱۰۸	۱. تقویت حس کفایت و لیاقت در زندگی

- ۱۱۱ ۲. ایجاد و افزایش حس قدرشناسی در زندگی
- ۱۱۱ ۳. آمادگی برای ایفای مسئولیت های بزرگ
- ۱۱۲ عوامل نپذیرفتن مسئولیت
- ۱۱۲ اشاره
- ۱۱۲ ۱. ناآگاهی از ارزش احساس مسئولیت
- ۱۱۳ ۲. سستی و تنبلی
- ۱۱۴ ۳. نداشتن صبر و پایداری در زندگی
- ۱۱۶ بخش دوم: وظایف بیماران و عیادت کنندگان در اسلام
- ۱۱۶ اشاره
- ۱۱۷ فصل اول: وظیفه بیماران
- ۱۱۷ اشاره
- ۱۱۸ دیدگاه اسلام درباره بیماری
- ۱۱۸ اشاره
- ۱۱۸ ۱. اصل بیماری
- ۱۱۹ ۲. جنبه تربیتی بیماری
- ۱۲۰ حکمت بیماری
- ۱۲۰ اشاره
- ۱۲۱ ۱. تربیت
- ۱۲۴ ۲. کیفر
- ۱۲۴ ۳. عامل مرگ
- ۱۲۶ وظایف و مسئولیت های بیمار
- ۱۲۶ اشاره
- ۱۲۶ ۱. اعلام بیماری
- ۱۲۸ ۲. مراجعه به پزشک
- ۱۲۹ ۳. پنهان داشتن بیماری و پرهیز از شکوه ناروا
- ۱۳۱ ۴. رعایت دستوره های پزشک

۵. روی آوردن به توبه ----- ۱۳۱
۶. دعا کردن ----- ۱۳۲
۷. پاداش احسان با احسان ----- ۱۳۳
۸. سپاس گزاری بیمار از پرستار ----- ۱۳۴
- فصل دوم: وظایف عیادت کنندگان ----- ۱۳۶
- اشاره ----- ۱۳۶
- اهمیت و ارزش عیادت ----- ۱۳۶
- حکمت عیادت ----- ۱۴۰
- عیادت برای خدا ----- ۱۴۱
- آداب عیادت بیمار ----- ۱۴۳
- اشاره ----- ۱۴۳
۱. دل جویی و هم دردی ----- ۱۴۵
۲. کوتاه کردن زمان عیادت ----- ۱۴۶
۳. هم دردی و همراهی ----- ۱۴۷
۴. هدیه دادن ----- ۱۴۸
۵. دعا کردن برای یکدیگر ----- ۱۴۹
۶. رسیدگی غذایی به بیمار ----- ۱۵۱
- آثار عیادت ----- ۱۵۲
- بخش سوم: تکاپوی قلم در ستایش سپیدپوشان مهربان ----- ۱۵۵
- اشاره ----- ۱۵۵
- فصل اول: در ستایش بانوی صبر؛ زینب کبرا علیهاالسلام ----- ۱۵۶
- اشاره ----- ۱۵۶
- پرستار نگاه های تب دار ۱ ----- ۱۵۶
- ستاره آسمان کربلا ۱ ----- ۱۵۸
- دختر آسمان ۱ ----- ۱۶۰
- اینک خورشید زینب ۱ ----- ۱۶۱

- ۱۶۲ ----- مهر جاودانه ۱
- ۱۶۳ ----- زینت پدر ۱
- ۱۶۴ ----- زینب، عقيله بنی هاشم ۱
- ۱۶۵ ----- بانوی استقامت ۱
- ۱۶۷ ----- فصل دوم: در ستایش پرستاران زینب تبار و سپیدپوشان دیار محبت
- ۱۶۷ ----- اشاره
- ۱۶۸ ----- زیر سایه بانوی صبر ۱
- ۱۶۸ ----- مهرآفرین شام گاهان دردا ۱
- ۱۷۱ ----- فرشته مهربانی ۱
- ۱۷۱ ----- خسته نباشی پرستار! ۱
- ۱۷۲ ----- سفیدپوش ۱
- ۱۷۳ ----- بانوی سپیدپوش ۱
- ۱۷۵ ----- وام دار مهربانی ۱
- ۱۷۶ ----- نبض «آرامش» ۱
- ۱۷۷ ----- بیرون از یارای کلمات ۱
- ۱۷۸ ----- گل های آبی ۱
- ۱۷۹ ----- پرنده ایثار ۱
- ۱۷۹ ----- نسیمی یک دست ۱
- ۱۸۰ ----- فرشته صبورا ۱
- ۱۸۱ ----- فرشته ۱
- ۱۸۲ ----- خسته، ولی سیز ۱
- ۱۸۳ ----- صبورا ۱
- ۱۸۴ ----- ارزش پرستاری ۱
- ۱۸۵ ----- عاطفه الهی ۱
- ۱۸۷ ----- افتخار پرستاری ۱
- ۱۸۸ ----- از دیار خوبی ها ۱

- ۱۸۹ سایه مهر
- ۱۹۰ باغبان غنچه خشکیده ۱
- ۱۹۳ بخش چهارم: همراه با برنامه سازان
- ۱۹۳ اشاره
- ۱۹۴ توصیه های کاربردی به برنامه سازان
- ۲۰۰ زیرنویس ها
- ۲۰۱ پرسش های مردمی
- ۲۰۴ پرسش های کارشناسی
- ۲۰۶ کتاب نامه
- ۲۰۹ درباره مرکز

فرشته مهر: آیین پرستاری و عیادت از بیمار در اسلام

مشخصات کتاب

فرشته مهر

کد: ۱۰۱۴

نویسنده: شکیبا سادات جوهری

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: سروش مهر

چاپ: برهان

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۵

شمارگان: ۱۵۵۰

بها: ۱۲۵۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: IRC@IRIB.ir

تلفن: ۲۹۱۶۹۷۰ نمابر: ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ۹۶۴-۵۱۴-۰۵۹-۵-۵۱۴-۰۵۹-۵-۹۶۴

ص: ۱

دیباچه

ای از تبار زینب، ای فروزنده فانوس امید در دل بیماران دردمند!

ای فرشته! تو را می شناسم، نه از پیراهن یک دست سپیدت؛ تو را از خستگی و شوق توأمانت که در کنج چشم هایت لانه دارد، می شناسم. تو را از عطوفت سرشاری که از بلوغ دستانت می وزد، می شناسم. انگار خدا بیشترین سهم از عشق و محبت را به قلب مهربان تو بخشیده است!

سینه ات را به وسعت کدام دریا، زلال مهر نوشانده اند که چنین صمیمی و با خلوصی. به پاس تمام مهربانی هایت، ای فرشته مهربانی! ای صبح آفرین شام تلخ بیماری!

تنت به ناز طیبیان نیازمند مباد

وجود نازکت آزرده گزند مباد

ای پرستار، ای سپیدپوش دیار محبت! حضورت برای بیماران، ساغر ارغوانی آرامش است و وجودت تسکین درد. تو الهه عافیتی که تعلق زمینی نداری. مقدس و پاکی و دستانت هنوز بوی سیب و رایحه بهشت می دهد. در نگاه تو خورشیدی می درخشد که جز مهر و ایثار، تابشی ندارد.

نگاه عطشناک بیمار، تشنه زلال مهر توست. تن رنجور و خسته اش به مهربانی تو مرهم می گیرد و تو حتی با نگاهی مهربان که به کویر عطشناک بیماری بباری، گرمای زندگی را در او خواهی افروخت. نفس های تو گرم می کند این نفس های رو به خاموشی را. اطلس های تازه کنار هر تخت، بوی عطوفت تو را گرفته اند و نفست، مهربان تر از

همیشه، بوی یاس می پراکند. شب ها، تنها فانوس روشن چشم های تو سوسو می زند و تو که قدم می زنی، پلک ها آسوده می خوابند.

صدها فرشته بوسه بر آن دست می زند

کز خلق، یک گره بسته وا کند

خوشا به سعادت تو که لحظه لحظه زندگی ات، جاری کردن زلال آرامش و آسایش بر تن انسان های رنجور است. گوارا باد بر تو آغوش گشوده بهشت خدا و رحمت بی منتهای او. ای باغبان گل های پژمرده و شاخه های شکسته، نسیم رضایت خدا، گوارای وجودت!

فیض روح القدس از باز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد

پنجم جمادی الاول، زادروز دخت ولایت، حضرت زینب علیهاالسلام به شایستگی، روز پرستار و بهورز نامیده شده است. زینب علیهاالسلام، عصاره هر فضیلتی است که تاریخ از زنان بزرگ و با معنویت سراغ دارد و پرستار، خود، خلاصه فضیلتی بزرگ در آن بانوی گرامی است. در روزگار ما و در سرزمین ما، پرستار، آشناترین نامی است که خاطره دل انگیز فداکاری های زینب علیهاالسلام را زنده می کند و چه فخری برای پرستاران ما بالاتر از اینکه نامشان با نام زینب علیهاالسلام گره خورده است. این روز گرامی و خجسته زادروز مولود بیت ولایت را تبریک و تهنیت می گوئیم. گرامی باد روز ایشار، روز همیاری و کمک به بیماران و روز مهربانی.

دست خدا به همراهتان ای دستان سرشار از عاطفه و مهر. دعای همه دردمندان بدرقه راهتان ای سینه های لبریز از ایمان و یقین. دستتان همیشه گرم، ای نگاه بانان نگران چشم های خسته و بیمار. خدا پشت و پناهتان ای باغبانان گل های پژمرده و شاخه های شکسته. نسیم عنایت خداوندی گوارای وجودتان ای آئینه دلبران فداکاری و صبر، ای اسوه های نیکوکاری، ای پرستاران.

اینک به پاس تلاش صادقانه ات، دسته گلی محمدی، پر از سپاس در برابر خدمت

عاشقانه ات، به دست پژوهشگر ارجمند، خانم شکیبا سادات جوهری به تو تقدیم می شود که خود نیز افتخار پوشیدن لباس پرستاری را دارد. باشد که مقبول افتد و دست مایه ای باشد برای تهیه کنندگان و برنامه سازان گرامی؛ آنان که می کوشند تا چهره قدسی پرستاران را برای جامعه اسلامی گویاتر و شفاف تر سازند.

اِنَّهٗ وَلِیُّ التَّوْفِیْقِ

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۶

رسیدگی به بیماران، خدمتی انسانی است. عیادت و مراقبت از بیمار، کار ساده ای نیست. بعضی افراد هنگام برخورد با بیمار، دچار اضطراب و افسردگی می شوند و گاهی تماس با بیمار را به سختی تحمل می کنند. در این راه باید انگیزه الهی و قوی داشت؛ زیرا در حالت عادی، شغل هایی مثل پرستاری از نظر اقتصادی آن چنان سودآور نیست. از این رو بهره مندی از انگیزه الهی بسیار ضروری است.

در آموزه های اسلام آمده است که خداوند، خوشحال کردن انسان ها را به هر وسیله ای مانند: سیر کردن گرسنه، حل کردن مشکل، تبسم کردن و حتی برداشتن خار و خاشاک از گذرگاه مردم دوست دارد. (۱) امام باقر علیه السلام در این مورد می فرماید: «خداوند هیچ گاه به عبادتی مانند خوشحال کردن مؤمن عبادت نشده است». (۲)

در روایات اسلامی، مراجعه مؤمنان به همدیگر نوعی رحمت شمرده شده و در این باره آمده است: «هرگاه مؤمنی با داشتن نیازی نزد برادر خویش آید، این رحمتی از جانب خدای تعالی است که به سوی او گسیل داشته است. پس اگر حاجت او را برآورد، رحمت خدا را چنان که باید، قبول کرده است، ولی اگر با وجود قدرت در برآوردن حاجت، او را رد کند، مانند این است که رحمت خدای عزوجل را که به سوی او گسیل داشته و به او عطا کرده، از خویش رانده است. خدای عزوجل این رحمت را تا روز قیامت ذخیره می کند و در آنجا شخصی که حاجتش رد شده بود، حاکمیت می یابد که اگر خواست، آن را به خود اختصاص

ص: ۷

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۷۳.

۲- همان، ص ۵۶۹.

دهد و چنانچه مایل بود، به دیگری واگذارد. من یقین دارم که هیچ گاه او آن را رد نخواهد کرد»^(۱).

از سوی دیگر، امام باقر علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله بشارت می دهد که: «هر کس نیازی از نیازهای مؤمنی را بر آورد، خداوند، نیازهای زیادی را از او برمی آورد»^(۲).

پیامبر اسلام در آخرین خطبه خود فرمود:

هر کس بیماری را برای رسیدن به مسجد و خانه یا انجام کاری راهنمایی کند، خداوند برای هر قدمی که برمی دارد و می گذارد، پاداش آزادی یک بنده را می نویسد و تا او را ترک نگوید، فرشتگان بر او درود می فرستند^(۳).

در اسلام، مددکاری از جایگاه والایی برخوردار است. امام صادق علیه السلامی فرماید:

کسی که برای رضای خدا نسبت به برآوردن نیاز برادر مسلمانش بکوشد، خدای عزوجل برای او هزار هزار حسنه می نویسد که در ضمن آن، نزدیکان، آشنایان، همسایگان و برادران او و هر کس را که در دنیا به او نیکی کرده است، می آمرزد و در روز قیامت به او گفته می شود وارد آتش شود و هر کس را که در دنیا به او نیکی نکرده است، به اذن خدای عزوجل بیرون آورد، مگر آنکه آن فرد در خلاف مسیر توحید باشد^(۴).

افزون بر رسیدگی به بیمار، عیادت از بیمار نیز یکی از سفارش های مؤکد دینی است. امام صادق علیه السلامی فرماید:

هر مؤمنی که هنگام صبح، بیماری را عیادت کند، هفتاد هزار فرشته، او را مشایعت کنند و چون بنشیند، رحمت او را فرا می گیرد و تا شامگاه برایش

ص: ۸

۱- همان، ص ۵۷۷.

۲- همان، ص ۵۶۹.

۳- همان، ص ۶۵۶.

۴- همان، ص ۵۸۳.

طلب مغفرت می کنند و اگر هنگام شب عیادت کند، به همین کیفیت خواهد بود تا صبح شود. (۱)

در آموزه های دینی، بر مستجاب بودن دعای بیمار تأکید و سفارش شده است که هنگام عیادت، از او بخواهید تا شما را دعا کند؛ زیرا دعای او مانند دعای فرشتگان مستجاب می شود. همچنین عیادت از بیمار باید کوتاه باشد و امام صادق علیه السلام سفارش می کند که عیادت کننده، دست خود را بر روی دست و پیشانی بیمار بگذارد. (۲) این دستورالعمل به ویژه برای گروه پزشکی بسیار مهم است؛ زیرا با عمل به این دستور، ارتباط بهتری با بیمار برقرار می سازند. یکی از خدمات گروه پزشکی، رفع مشکلات بیماران و ایجاد آسایش برای آنهاست. امام صادق علیه السلامی فرماید:

کسی که به برادر گرفتارش هنگام کوشش او برای حل مشکلات به دادش برسد و او را در برآوردن نیازش یاری دهد، خداوند هفتاد و دو رحمت برایش می نویسد. یکی از آنها را اصلاح امور زندگی او قرار می دهد و هفتاد و یک رحمت باقی مانده را برای مشکلات و اضطراب های روز قیامتش ذخیره می سازد. (۳)

در روایتی دیگر از رسول گرامی اسلام آمده است:

هر گاه کسی برادر مؤمنش را با کلامی مورد تفقد قرار دهد و گرامی دارد یا مشکل او را بگشاید، تا زمانی که به این کار مشغول است، همواره در پناه خداوند خواهد بود و رحمت بر او تداوم دارد. (۴)

گروه پزشکی باید همواره پاداشی را که خداوند در ازای خدمات آنها می دهد، در نظر داشته باشند تا مشکلات و سختی کارها برایشان آسان و لذت بخش شود. انسان باید

ص: ۹

۱- همان، ج ۲، صص ۶۳۶ و ۶۳۷.

۲- همان، ص ۶۴۲.

۳- همان، ج ۱۱، ص ۵۸۶.

۴- همان، ص ۵۹۱.

شکر نعمتی را که به او داده شده است، به جای آورد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

هر کس نعمت های الهی بر او زیاد شود، نیاز مردم به او شدید می شود. پس با تحمل رنج (در انجام وظیفه)، تداوم نعمت را بجوید و آن را از بین نبرید؛ زیرا خیلی کم اتفاق می افتد نعمتی که از دست رفته است، دوباره برگردد. (۱)

نکته بسیار مهم اینکه نباید در برآوردن نیاز برادران دینی تعلل کرد، بلکه باید در نهایت دقت در انجام وظیفه خود کوشید. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

هرگاه برادر مؤمنی برای برآوردن نیازی نزد یکی از یاران ما آید و او نهایت کوشش خود را به کار نبرد، به خداوند و رسول او و مؤمنان، خیانت کرده است. (۲)

ص: ۱۰

۱- همان، ص ۵۴۹.

۲- همان، ص ۵۹۶.

بخش اول: آیین پرستاری در اسلام

اشاره

بخش اول: آیین پرستاری در اسلام

ص: ۱۱

زیر فصل ها

فصل اول: پیشینه پرستاری

فصل دوم: نسیم مهرورزی

فصل سوم: آیین پرستاری در قاموس قرآن و عترت

فصل چهارم: بایسته های اخلاقی پرستاران

فصل پنجم: مسئولیت شناسی و مسئولیت پذیری

فصل اول: پیشینه پرستاری

اشاره

فصل اول: پیشینه پرستاری

زیر فصل ها

پرستاری در دوران کهن

پرستاری در اروپا

پرستاری در اسلام

اهمیت و ضرورت پرستاری

ارزشمندترین پرستاری

وظیفه متقابل پرستار و جامعه

رعایت اخلاق در روابط پرستار با بیمار

زنان پرستار در صدر اسلام

پرستاری فاطمه علیهاالسلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

پرستاری زینب کبرا علیهاالسلام در کربلا

پرستاری در دوران کهن

پرستاری در دوران کهن

پرستاری، تاریخچه ای بسیار کهن دارد. مردمان گذشته باور داشتند که گناه و کفر انسان ها، علت اصلی بیماری هاست. از این رو، پرستاری بیماران، به گونه ای بسیار ابتدایی و به دست متولیان امور دینی صورت می گرفت. در منابع آشوری و در قوم های ایران قدیم، به نوعی از پرستاری و پرستاران سخن به میان آمده است. شش قرن پیش از میلاد مسیح، در هند، شناخت و علم نسبت به تهیه دارو، فداکاری نسبت به بیمار، پاکی روح و پاک چشمی، چهار ویژگی اساسی و لازم پرستاری به شمار می رفت. بقراط، حکیم و طبیب یونانی اعتقاد داشت که پزشک، یا باید خود از بیمار پرستاری کند یا یکی از شاگردانش را بدین کار گمارد. (۱)

ص: ۱۲

پرستاری در اروپا

در کشورهای اروپایی در قرون وسطا، مسیحیان مؤسسه هایی به نام «هاسپیتو»^(۱) بنا کردند که اداره امور این مکان ها برعهده زنان و مردان روحانی بود. این نهضت در دوران جنگ های صلیبی به سرعت گسترش یافت و از آن پس بود که در کشورهای اروپایی، مؤسسه های مذهبی عهده دار امور پرستاری شدند. در قرن هجدهم میلادی در اروپا، معمولاً بزه کاران را به پرستاری می گماشتند. در قرن نوزدهم، فلورنس نایتینگل در تربیت و آموزش پرستاران دست به تحول بزرگی زد و اولین مدرسه پرستاری را در بیمارستان «سنت توماس» در انگلستان تأسیس کرد. اولین دانش آموزان این آموزشگاه، پانزده تن بودند که بعدها بنیان گذار پرستاری در سراسر جهان شدند.

پرستاری در اسلام

پرستاری در اسلام

دستورهای دین مبین اسلام که حیات بخش و راهگشای مسلمانان است، در همه زمینه های جزئی و کلی، خط سیر افراد بشر را مشخص کرده است. در زندگی بزرگان و رهبران الهی دستورهایی می بینیم که با دقت در آنها، می توان به نظر دین درباره پرستاری پی برد. در آموزه های اسلامی، افراد به پرستاری از بیماران و محبت به آنان تشویق شده اند. امام صادق علیه السلام با سفارش یکی از یاران خود به مراقبت از هم سفر بیمار، این کار را ارزنده تر از نماز خواندن در مسجدالنبی خوانده است. اندیشمند بزرگ اسلامی، علامه محمدباقر مجلسی نیز در توضیح این حدیث و با عمومیت دادن آن، پرستاری همه برادران ایمانی و دینی را مشمول سخن امام دانسته است.^(۲)

گفته اند حضرت علی علیه السلام در بستر بیماری بود و پیامبر گرامی اسلام شب تا صبح بر بالین او می نشست و از او پرستاری می کرد. علامه مجلسی این مطلب را از زبان حضرت علی علیه السلام چنین نقل کرده است: «شبی تب، وجودم را فرا گرفت و خواب را از من ربود. بدین جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله تا صبح بیدار بود و شب را بین من و نماز تقسیم می کرد. پس از نماز، نزد من می آمد و جویای حال من می شد و با نگاه کردن به من از وضعیت بیماری ام اطلاع می یافت. شیوه پیامبر تا طلوع صبح چنین بود. پس از آن، حضرت با اصحاب نماز گزارد و در حق من دعا کرد که خدایا! علی را شفا بده و سلامتی بخش که به خاطر بیماری اش تا صبح نخوایدم».^(۳)

همچنین زمانی که رسول گرامی اسلام بیمار بود، جبرئیل و علی علیه السلام به پرستاری از ایشان پرداختند. از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام نقل شده است: «بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدم. حضرت بیمار بود و سرش در دامن مردی زیبارو قرار داشت؛ زیباترین انسانی که دیده بودم. پیامبر در خواب بود. هنگام

۱- برگرفته از هاسپیتوم به معنای جایی برای پناه دادن و پذیرایی زوار.

۲- همان، ص ۵۵۴.

۳- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۳.

ورود، آن مرد گفت: نزد پسر عمویت بیا که تو از من به او سزاوارتری. پس نزدیک آن دو آمدم. آن مرد ایستاد و من به جای او نشستم و سر پیامبر را همان گونه که در دامن آن مرد بود، به دامن گرفتم. چند لحظه درنگ کردم. آن گاه پیامبر بیدار شد و به من فرمود: مردی که سر من به دامن او بود، کجاست؟ گفتم: من را به جای خود گذاشت. پیامبر فرمود: آیا می دانی که بود؟ گفتم: پدر و مادرم فدایت! چه کسی بود؟ فرمود: جبرئیل بود که با من سخن می گفت، تا اینکه درد من آرام گرفت و در حالی که سرم در دامن او بود، به خواب فرو رفتم». (۱)

اهمیت و ضرورت پرستاری

اهمیت و ضرورت پرستاری

اهمیت پرستاری، در خدمتی است که یک پرستار به بیماران می کند که اگر بیشتر از خدمت پزشک نباشد، از آن کمتر نیست. مراقبت در مصرف به موقع داروها، رعایت رژیم غذایی و خوش اخلاقی پرستار با بیمار در بهبود بیمار، مؤثر است. اگر خللی در پرستاری پیدا شود، چه بسا زحمت پزشک را به هدر می دهد. امروزه پرستاری چون دیگر شاخه های علوم، جنبه های تخصصی و روان شناختی پیدا کرده و دانشکده های پرستاری در سراسر جهان شکل گرفته است، ولی متأسفانه بخشی از چهره زیبای پرستاری، زیر سایه سنگین بی توجهی یا جهل، کدر و ناشناخته مانده است. (۲)

ارزشمندترین پرستاری

ارزشمندترین پرستاری

بی شک، پرستاری یکی از شغل های ارزشمند جوامع انسانی است که در مکتب

ص: ۱۴

۱- همان، ج ۲۲، صص ۵۰۶ و ۵۰۷.

۲- جمعی از نویسندگان، ماهنامه کوثر، سال اول، ش ۶، قم، آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام، ۱۳۷۶، ص ۵۳.

اسلام نیز جایگاه والایی دارد. اگر پرستار در کارش با اخلاص باشد، نزد خدا محبوب تر می شود. تحمل سختی ها نیز که اقتضای شغل شریف پرستاری است، بر قدر و منزلت پرستاری می افزاید. هر قدر انسان در کاری همانند پرستاری که دارای ارزش است، دشواری بیشتری تحمل کند، پاداش بیشتری خواهد داشت. (۱)

وظیفه متقابل پرستار و جامعه

وظیفه متقابل پرستار و جامعه

براساس حدیث شریف «همه شما نسبت به همدیگر مسئول هستید»، هر کس در قبال هم نوعان و هم کیشان خود، مسئولیت و وظیفه ای دارد. پرستاران نیز از این اصل کلی مستثنا نیستند. هر پرستاری، در برابر جامعه خویش اعم از مردم، حکومت و مدیران، وظیفه ای دارد و جامعه نیز در برابر پرستاران وظایفی دارد. مهم ترین وظیفه پرستاران در برابر مردم آن است که خدمتگزار صدیق آنان باشند و در مواقع ضروری، از هیچ گونه کمکی دریغ نورزند؛ زیرا پرستار، خود، عضوی از پیکره اجتماع است. وظیفه مهم پرستاران در برابر مدیران، اطاعت و فرمان برداری و اجرای قوانین و در برابر حکومت، استفاده از فرصت هایی است که حکومت فراهم می کند. در مقابل، مدیران، مردم و حکومت اسلامی و در یک کلام، جامعه اسلامی در برابر پرستاران وظایفی دارند. مهم ترین آنها، قدرشناسی از پرستاران و فراهم کردن امکانات برای بهره وری بیشتر از فرصت هاست. (۲)

پرستاران مسلمان و متعهد که در کشور و فضایی اسلامی به خدمت مشغولند، با بیمارهایی روبه رو می شوند که نیازمند کمک و پشتیبانی اند و بدون شک، روح حساس و رنجیده ای دارند. پرستار آگاه و متعهد، با اخلاق نیک خود و رابطه حمایتی و عاطفی که با بیمار برقرار می کند، در سلامت و بهبودی او نقش بسزایی خواهد داشت. تأثیر رفتار مثبت پرستار در بازگرداندن سلامت بیمار، کمتر از دارویی نیست که مصرف می کند. بر

ص: ۱۵

۱- احکام پرستاری، ص ۲۵.

۲- همان، ص ۴۵.

این مبنای شناخت شیوه های برخورد، کیفیت برقرار کردن رابطه با بیمار و در نهایت، پای بندی به اصول و موازین درست و سازنده در برخورد با بیمار از مهم ترین کارهای پرستار به شمار می رود. روح پرستاری و ارزش والای آن نیز در همین امور نهفته است.

رعایت اخلاق در روابط پرستار با بیمار

رعایت اخلاق در روابط پرستار با بیمار

بیماری که در وضع جسمی و روحی نامطلوبی به سر می برد، در محیطی نامأنوس، به جز پرستار و بهیار، همدم و همراهی ندارد. وی در این ضعف و بیماری، افزون بر کارهای درمانی، نیازمند حمایت عاطفی است که این وظایف مهم را تنها پرستاران می توانند به انجام رسانند. بیمار اگر با اخلاق نیک و روابط صحیح و اسلامی پرستار روبه رو شود، به وی اعتماد می کند و او را دل سوز و حامی خود می داند. این اعتماد و امنیت روحی، در تسریع بهبودی او نقش مؤثری دارد. برعکس، اگر این امنیت روحی و اعتماد برای بیمار پدید نیاید، چه بسا کارهای درمانی هم بی نتیجه می ماند و بیمار نمی تواند سلامت خود را بازیابد. نرم خوئی و مدارای پرستار با بیمار، زمانی که با کج خلقی ها و بی حوصلگی های وی روبه رو می شود، ضرورت کار یک پرستار است. این خوی نیکو و مدارا، زیبایی کار پرستار را دوچندان می کند. (۱)

پرستاری از بیماران، به روحیه انسان دوستی، فداکاری و ایثار احتیاج دارد. علاوه بر اینکه پرستاری، بستر مناسبی برای خدمت به خلق خدا و به دست آوردن پاداش است، پرستاران، بهترین تبلیغ را برای ارزش های دینی انجام می دهند؛ چون با عمل خود، دل ها را به سوی خدا و ارزش های خدایی متوجه می سازند. (۲)

ص: ۱۶

۱- فاطمه نوغانی و دیگران، اخلاق، قوانین و مقررات در پرستاری، قم، نشر مرتضی، ۱۳۷۶، چ ۱، صص ۵۷ - ۷۴.

۲- همان.

اسلام از ابتدا با دیده احترام به پرستاری نگریسته است. زن نیز به عنوان شخصیتی که مظهر مهر و محبت و عاطفه است، می تواند با صبوری و شفقت، به مداوای مجروحان میدان نبرد پردازد و در راه پیروزی لشکریان اسلام مؤثر باشد. به همین دلیل، رسول اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که عازم میدان نبرد می شد، برخی از زنان داوطلب را برای پرستاری از مجروحان جنگی با خود می برد و پس از پایان جنگ، سهمی از غنایم جنگی را به آنها اختصاص می داد. پرستار شخص پیامبر در جنگ احد، حضرت فاطمه علیها السلام بود که برای بند آوردن خون زخم آن حضرت تلاش بسیار کرد. در همین جنگ، نَسِیبه، دختر کعب، زخم مجروحان را می بست و به آنان آب و آذوقه می رساند. در جنگ خیبر، حدود بیست بانوی مسلمان حضور داشتند که از جمله می توان اُمّ سَیْلَمَه (همسر پیامبر)، ام عماره (دختر کعب)، صفیه (دختر عبدالمطلب)، ام سلیم و ام منیع را نام برد. همچنین در جنگ خندق، زُفیده از بانوان انصار در خیمه ای در مسجد، از زخمی ها پرستاری می کرد. اُمّ سَنان، اُمّ سَیْلَم و اُمّ عَطِیَه نیز در جنگ های خیبر و اُحُد با پرستاری از مجروحان جنگی، در جهاد بر ضد کافران شریک بودند. (۱)

در این باره به نقل از ام لسان اسلمی آمده است: «هنگامی که پیامبر خدا، آهنگ خیبر داشت، به حضور وی رسیدم و گفتم: ای پیامبر خدا! آیا می توانم با تو روانه شوم تا در آنجا مشک پاره شده ای را بدوزم؛ بیمار و مجروحی را _ اگر خدای نکرده مجروحانی باشند _ درمان کنم و پاسبان زاد و توشه باشم؟ پیامبر خدا فرمود: به برکت خداوند روانه شو؛ چه، دوستانی از تو و از دیگر

ص: ۱۷

کسان، [پیش تر] یا من سخن گفته اند و من به آنان اجازه داده ام. اینک اگر خواستی، با خاندان خویش روانه می شوی و اگر هم خواستی، با ما. گفتم: با شما. فرمود: پس با ام سلمه، همسر، همراه باش. پس من با ام سلمه بودم». (۱)

رُبَيع (دختر معوذ بن عفراء) نیز می گوید: «ما همراه با پیامبر خدا به پیکار می رفتیم و به مردم آب می رساندیم. آنان را خدمت می کردیم و مجروحان و کشتگان را به مدینه باز می گرداندیم». (۲)

به نقل از سهل بن سعد ساعدی: «هنگامی که کلاه خود در جنگ بر سر پیامبر خدا شکست، چهره وی به خون نشست و دندان رباعی ایشان نیز شکست. زمانی که علی علیه السلام با سپر، آب می آورد، فاطمه علیها السلام از چهره ایشان، خون را می شست. چون فاطمه علیها السلام دید خون بر چهره پیامبر بیشتر می شود، حصیری را سوزاند و خاکستر آن را بر زخم پیامبر خدا قرار داد و پس از آن، خون فرو نشست». (۳)

ام سلیم از زنانی بود که در نبرد حنین در حالی که به عبدالله بن ابی صلحه، آبستن بود، حضور یافت. او پیش تر در نبرد اُحد به تشنگان، آب می رساند و مجروحان را درمان می کرد. (۴)

به نقل از ابن الحاق: «پیامبر خدا، سعد بن معاذ را در خیمه زنی از خاندان اسلم قرار داده بود که او را «رُفیده» می نامیدند. او خیمه را در مسجد برافراشته بود و در آن مجروحان را درمان می کرد و به رایگان به مسلمانانی که گرفتاری داشتند،

ص: ۱۸

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۹۲.

۲- نسایی، السنن الکبری، ج ۵، ح ۸۸۱، ص ۲۷۸.

۳- برگرفته از: محمد محمدی ری شهری، دانش نامه احادیث پزشکی، مرکز دارالحدیث، صحیح البخاری، ج ۵، ح ۵۳۹۰، ص ۲۱۶۲.

۴- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۲۵.

خدمت می کرد. پیامبر خدا، هنگامی که در نبرد خندق، تیری به سعد اصابت کرد، به کسان وی چنین فرمان داده بود: او را به خیمه رفته ببرید تا وی را از نزدیک عیادت کنم!» (۱)

به نقل از انس: «ام سلمه گفت: ای پیامبر خدا! آیا می توانم به همراه شما روانه پیکار شوم؟ فرمود: ام سلمه! جهاد بر زنان نوشته نشده است. ام سلمه گفت: مجروحان را درمان می کنم. چشم را علاج می سازم و آب می رسانم. فرمود: در این صورت، آری.» (۲)

به نقل از ام عطیه انصاری: «همراه پیامبر خدا در هفت جنگ حضور یافتم. من در خیمه گاه آنان می ماندم و برایشان غذا آماده می کردم، مجروحان را درمان می ساختم و به پرستاری بیماران مشغول بودم.» (۳)

در شرح نبرد احد از عبدالله بن زیاد آمده است: «در آن روز، دست چپم زخمی شد. مردی همانند تنه نخل ضربتی بر من وارد آورد و بی آنکه کارم را یکسره کند، مرا فرو گذاشت. در این هنگام، پیامبر خدا فرمود: زخم خویش را ببند. پس مادرم که باندهایی برای زخم ها آماده ساخته و به کمر خویش بسته بود، به سراغم آمد و زخم مرا بست. پس گفت: پسرم! برخیز و با این مردمان پیکار کن. پیامبر خدا چون این وضع را دید، فرمود: ای ام عماره! چه کسی را این طاقت است که تو داری؟» (۴)

به نقل از محمد بن عمر: «ام عماره، دختر کعب، همراه با شوهرش، غزیه بن عمرو و دو پسرش در نبرد احد حضور یافت. او اول روز، مشکی با خود برداشت و با سپاه اسلام

ص: ۱۹

۱- السیره النبویه، ابن هشام، ج ۳، ص ۲۵۰.

۲- برگرفته از: دانش نامه احادیث پزشکی، ص ۱۱۴؛ المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۱۱۷.

۳- صحیح مسلم، ج ۳، ح ۱۴۲، ص ۱۴۴۷.

۴- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۱۴.

همراه شد بدان هدف که به مجروحان آب برساند. وی در آن نبرد، پیکار کرد و جانانه جنگید و دوازده زخم برداشت» (۱).

پرستاری فاطمه علیهاالسلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

پرستاری فاطمه علیهاالسلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

مصادق واقعی پرورش در مکتب اسلام، فاطمه زهرا علیهاالسلام است که در ده سالگی، برای پرستاری زخمیان به میدان جنگ می رفت و بر روی زخم های فداکاران اسلام، مرهم می نهاد. در غزوه احد، چهارده نفر از نزدیکان و زنان اهل بیت در جست و جوی پیامبر سرآسیمه و سر و رو پوشیده از شهر مدینه به سرعت به طرف کوه های احد شتافتند، ولی نخستین زنی که خود را به میدان جنگ رسانید، فاطمه زهرا علیهاالسلام بود. (۲) در این جنگ، رسول خدا صلی الله علیه و آله به شدت زخمی شد و حضرت علی علیه السلام نیز جراحات برداشت. حضرت فاطمه علیهاالسلام، خون از چهره پیامبر می شست و حضرت علی علیه السلام با سپر خود آب می ریخت. هنگامی که فاطمه علیهاالسلام دید خون بند نمی آید، قطعه حصیری را سوزاند و خاکستر آن را بر زخم پاشید تا خون بند آمد. (۳)

پرستاری زینب کبرا علیهاالسلام در کربلا

پرستاری زینب کبرا علیهاالسلام در کربلا

حضرت زینب علیهاالسلام در سخت ترین لحظه های زندگی و در شرایط طاقت فرسای خطر و مصیبت، تسکین دهنده دردهای برادر، غم خوار جسم بیمار امام سجاد علیه السلام، پرستار کودکان یتیم و وحشت زده اهل بیت علیهم السلام و آرام بخش خاطر زنان مصیبت دیده و پریشان کاروان کربلا بود. پرستاری بی نظیر حضرت زینب علیهاالسلام از امام سجاد علیه السلام که در تاریخ نقش بسته است، به تمام پرستاران دل سوز مسلمان می آموزد که در هر شرایطی، با وجود هر مشکل و کمبودی به وظیفه خطیر خود پردازند و با حفظ روحیه ایثار،

ص: ۲۰

۱- همان، ص ۴۱.

۲- مهدی نیلی پور، فرهنگ فاطمیه، اصفهان، مرکز فرهنگی شهید مدرس، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۱۴۸.

۳- بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۳۱؛ سیره بن هشام، ج ۳، ص ۱۰۶.

گذشت، تعهد کاری، فداکاری و حفظ ارزش های اسلامی، مسئولیت باارزش و مهم خود را به انجام برسانند. پاداش کار خود را نیز از خدا بخواهند و در این راه به بزرگ پرستار اسلام، حضرت زینب علیهاالسلامتأسی جویند. (۱)

امام سجاد علیه السلام فرموده است: «من در شبی که پدرم فردای آن کشته شد، نشسته بودم و عمه ام زینب نزد من بود و از من پرستاری می کرد.» (۲) در جای دیگر نیز فرمود: در سفر اسیران از کوفه تا شام، مشاهده کردم که عمه ام، زینب گاهی غذای خود را بین کودکان تقسیم می کرد و خود از شدت گرسنگی و ضعف، نماز شب را نشسته به جای می آورد.» (۳)

بی تردید، ویژگی های شاخص زینب کبرا علیهاالسلام برای همه امت اسلامی به ویژه بانوان مسلمان سرمشق است و می تواند زمینه ساز تحول روحی در همه به ویژه پرستاران باشد. بنابراین، پرستار باید ویژگی هایی نظیر حضرت زینب علیهاالسلام داشته باشد، مانند: ایثار، گوش دادن به درد دل بیمار، تسکین دردهای روحی او و آرامش خاطر دادن به بیمار. پرستار باید از خلق و خوی پسندیده و شهامت و از خود گذشتگی لازم برخوردار باشد تا بتواند همدم و هم راز بیمار شود.

در سال ۱۳۵۹ خورشیدی، روز ولادت حضرت زینب علیهاالسلام، روز پرستارنامیده شد که مانند هر سال در این روز، مقام پرستار را ارج می نهیم و از پرستاران نمونه کشور قدردانی می کنیم. (۴)

پرستاری در نگاه امام خمینی رحمه الله

پرستاری در نگاه امام خمینی رحمه الله

ص: ۲۱

۱- احکام پرستاری، ص ۳۷.

۲- سیدعبدالحسین دستغیب، زندگانی حضرت زینب علیهاالسلام، ص ۳۰.

۳- سیدمحمدباقر صدر، فدک فی التاریخ، فصل اول.

۴- دانش نامه جهان اسلام، ج ۵، ص ۵۵۶.

حضرت امام خمینی رحمه الله، پرستاری را شغل بسیار ارزشمندی می دانست:

من یک کلمه راجع به این اطبا و بهیاران و پرستاران... عرض دارم... و آن، این است که طبابت و پرستاری و خدمت به این بیمارانی که در این بیمارستان ها خوابیده اند، یک خدمت بسیار مشکل، لکن بسیار ارزنده است. پرستاری مریض بسیار مشکل است و پرستاری خوب، بسیار ارزشمند... در ادارات باید همه کار صحیح انجام بدهند و کار صحیح همه ارزش دارد، لکن در بیمارستان ها یک ویژگی خاصی دارد. سر و کار با یک عده ای دارید شما و خصوصاً پرستارها که اینها بیمارند، دل شکسته اند، محتاج به پرستاری روحی دارند، محتاج به آرامش روحی دارند. شما با این مریض ها، با این بیمارها هرچه محبت بکنید و هرچه پرستاری مادرانه و خواهرانه و برادرانه و پدرانه بکنید، این در روحیه بیمار مؤثر است و بر خوب شدن [و اوسعت خوب شدن بیماران نیز مؤثر است و در بارگاه خدای تبارک و تعالی خدمت به این جمعیت، خدمت به این بندگان خدا، بسیار ارزشمند است. (۱)]

حضرت امام خمینی رحمه الله بر اسلامی بودن بیمارستان ها تأکید فراوان داشت. ایشان همواره پرستاران را به پای بندی به ارزش های اسلامی سفارش می کرد:

باید خیلی توجه داشته باشید به اینکه هم وضع بیمارستان ها، وضع اسلامی باشد و هم رفتارشان با این مرضی و با این معلولین و با این بیمارها یک وضع مادرانه و خواهرانه... باشد. بسیار کار مشکل و ارزشمندی است و بسیار پرمسئولیت. بنابراین، سفارش من، تمنای من از... پرستاران سرتاسر کشور... این است که با تمام قوا کوشش کنید که اعمال شما اعمال اسلامی باشد و رفتار شما با مریض رفتار خوب باشد و رفتار انسانی _ اسلامی باشد. خداوند تبارک و تعالی به شماها... اجر عنایت کند و اجر آن زن هایی که در صدر اسلام برای پرستاری لشکر اسلام می رفتند، ان شاء الله در نامه اعمال شما هم نوشته بشود. (۲)

ص: ۲۲

۱- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۶۷.

۲- رویدادها، ج ۳، ص ۲۰۶.

فصل دوم: نسیم مهرورزی

تمدن کنونی جهان، چون سکه ای دورویه است که بر یک روی آن، بتی زیبا و فریبنده و بر دیگر روی، هیولایی وحشتناک، جلوه گری می کند. در سده اخیر، پیشرفت صنعت و دانش، چون جادو، کارهای به ظاهر نشدنی را ممکن ساخت و انسان ها را به شگفتی واداشت و آسایش فراوانی به ارمغان آورد، ولی فضیلت های انسانی را به دست فراموشی سپرد و چه بسا لابه لای چرخ های هولناک خود، خُرد و نابود کرد. در دنیای کنونی، هرچند از رنج های جسمی دوران کهن خبری نیست، ولی از فضیلت، شرافت و عواطف اصیلی چون مهر و محبت، فداکاری و از خود گذشتگی نیز کمتر خبری می یابیم. از این رو، تمدن کنونی نه تنها بشر را از اقیانوس پهناور مشکلات زندگی به ساحل خوش بختی رهنمون نشد، بلکه توفانی بنیان کن در راه او قرار داد. دنیای امروز، آسایش جسمی را با خوش بختی واقعی اشتباه گرفت و نیمی از خواسته های بشر را به فراموشی سپرد.

یکی از قربانیان تمدن کنونی، عاطفه مردم خواهی و مهرورزی است که شور زندگی از آن سرچشمه می گیرد. دریغا که در دنیای متمدن، «مهر» ارزش واقعی خود را از دست داده است. زندگی امروزی، آخرین و پیشرفته ترین وسیله های لذت جویی و کام یابی جسمی را در اختیار آدمی قرار می دهد، ولی فرصت اندیشیدن و مهرورزی به دیگران را از انسان می گیرد. انسان امروز، با طبیعت، خود و هم نوعانش بیگانه شده است. او به کالایی تبدیل شده که نیروی خود را تنها در آن سرمایه گذاری جست و جو می کند که باید براساس شرایط بازار، حداکثر سود را برایش کسب کند، آن هم تنها سود مالی. از این رو، روابط انسان ها، ساختگی و مصنوعی شده است.

شاید یکی از دلایل بی سامانی جوامع کنونی را بتوان بیگانگی از غیر و توجه به خویشتن دانست. بنابراین، باید نهال «مهر و محبت» در انسان پرورش یابد. برای

نیک بختی جامعه باید نیروی محبت و دیگر دوستی در انسان ها تقویت شود؛ چون انسان تنها در سایه دیگرخواهی می تواند از محبت دیگران بهره مند شود.

اسلام، آیین مهرورزی

اسلام، آیین مهرورزی

اسلام، آیین جاودانی است که براساس فطرت و ارضای درست خواسته های انسانی بنا شده است. از این رو، به محبت کردن و انسان دوستی توجه فراوانی دارد. اسلام، همه انسان ها را از یک ریشه می داند و امتیازهای نادرست نژادی، قبیله ای و مادی را به رسمیت نمی شناسد. از آنجا که همه آدمیان، آفریده خدا و در اصل از یک پدر و مادرند، شایسته احترام و محبتند. پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «تحب الی الناس یحبوک؛ انسان ها را دوست بدار؛ همگان تو را دوست خواهند داشت».(۱)

امیرمؤمنان علی علیه السلام به فرزندش محمد حنفیه می گوید:

فرزندم! به تمام انسان ها نیکی کن، همان گونه که انتظار داری نسبت به تو نیکی کنند. آنچه را برای خود می پسندی، برای دیگران بپسند و آنچه را برای خود زشت و ناپسند می شماری، برای آنان نیز ناپسند بشمار. با مردم چنان خوش خلقی کن که چون از آنان دور شدی، مورد مهر آنان قرار گیری و آن گاه که مُردی، بر تو گریان و سوگوار باشند.(۲)

بنابراین، اسلام نه تنها به انسان ها احترام می گذارد، بلکه بشردوستی را به جایی رسانده است که به پیروان خود دستور می دهد همچنان که به نیک بختی و پیروزی خود علاقه مند هستند، همین احساس را درباره دیگران هم داشته باشند.

ریشه های مهرورزی در قرآن و عترت

ریشه های مهرورزی در قرآن و عترت

قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیروان آن حضرت را با صفت های مهربانی و رحمت نسبت به یکدیگر معرفی می کند:

ص: ۲۴

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۳۳.

۲- همان، ج ۸، ص ۵۴۱.

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ... رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ. (فتح: ۲۹)

محمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و کسانی که با اویند... میان خودشان مهربانند.

امام صادق علیه السلام به یاران خود می فرمود:

إِتَّقُوا اللَّهَ - وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً، مُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ، مُتَوَاصِلِينَ، مُتَرَاحِمِينَ. (۱)

از خدا پروا کنید و برادرانی خوش رفتار باشید. به خاطر خدا با هم دوستی کنید و پیوستگی داشته باشید و به هم مهر بورزید.

خداوند، اهل ایمان را به داشتن چنین رفتاری سفارش می کند. چنان که در حدیث امام آمده است:

تَوَاصَلُوا وَ تَبَارَزُوا وَ تَرَاحَمُوا وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. (۲)

با یکدیگر پیوستگی و خوش رفتاری و مهرورزی داشته باشید و چنان که خدای عزوجل دستور داده است، برادرانی نیکوکار باشید.

این محبت و پیوستگی در «مدینه النبی» در رفتار انصار با مهاجران به چشم می خورد. در این باره نیز امام صادق علیه السلامی فرماید:

يَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ فِي التَّوَاصِيلِ وَ التَّعَاوُنِ عَلَى التَّعَاطُفِ وَ الْمُوَاسَاةِ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَ تَعَاطُفٍ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ حَتَّى تَكُونُوا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» مُتَرَاحِمِينَ، مُتَعَتِّمِينَ لِمَا غَابَ عَنْكُمْ مِنْ أَمْرِهِمْ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ مَعَشَرُ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله. (۳)

سزاوار است که مسلمانان در پیوستگی با هم و یاری کردن بر مهرورزی و مواسات با نیازمندان و عطف نسبت به یکدیگر کوشا باشند تا چنان شوید که خدای عزوجل به شما دستور داده است که «رحماء بینهم»؛ یعنی مؤمنان نسبت

ص: ۲۵

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۷۵.

۲- همان.

۳- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۴۲.

به یکدیگر مهربانند. شما حتی نسبت به مسلمان هایی که غایب هستند، مهر بورزید بر همان روشی که گروه انصار در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند.

چرخ آسیای جامعه ایمانی بر پایه محبت و پیوستگی و حفظ کرامت ها می چرخد و به همین سبب رحمت های بی شمار الهی شامل مردم می شود. امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمِ بِكَلِمَةٍ يُطْفِئُ بِهَا وَفَرَجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ لَمْ يَزَلْ فِي ظِلِّ اللَّهِ الْمَمْدُودِ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ مَا كَانَ فِي ذَلِكَ. (۱)

هر که به برادر مسلمانش سخن محبت آمیزی گوید و گرفتاری اش را گشایش دهد، تا زمانی که در این کار باشد، زیر سایه رحمت واسعه الهی است.

محبت ایمانی در دست ها و قدم های مؤمنان تجلی می یابد؛ یعنی با برآوردن حاجت، محبت ها افزون می شود. پیشوایان حق به این مسئله بسیار اهمیت می دادند؛ زیرا از محبوب ترین کارها نزد خداوند، قیام برای برطرف کردن نیازهای برادران ایمانی و تلاش در راه رفع آن است. از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

لَقَضَاءِ حَاجَةِ امْرِئٍ مُؤْمِنٍ أَحَبُّ إِلَيَّ [اللَّهُ] مِنْ عَشْرِينَ حَجَّةً كُلُّ حَجَّةٍ يُنْفِقُ فِيهَا صَاحِبُهَا مِائَةَ أَلْفٍ. (۲)

برآوردن حاجت یک فرد مؤمن نزد خدا از بیست حجی که در هر یک از آنها صد هزار [دینار یا درهم] خرج شود، بهتر است. همچنین از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَتَرُدُّ عَلَيْهِ الْحَاجَةَ لِأَخِيهِ فَلَا تَكُونُ عِنْدَهُ فِيهِتَمٌ بِهَا قَلْبُهُ فَيُدْخِلُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِمَّ الْجَنَّةَ. (۳)

ص: ۲۶

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۵.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۳.

۳- همان، ص ۱۹۶.

بی گمان، وقتی به مؤمن حاجتی از طرف برادرش عرضه می شود که نمی تواند انجام دهد، ولی بدان همت می گمارد و دل می بندد، خدای تبارک و تعالی او را به سبب همتش به بهشت وارد می کند.

قدم هایی که در پی برطرف کردن نیاز برادران دینی برداشته می شود، پاداش فراوان دارد. جان اهل ایمان چنان با هم پیوند خورده است که مانند یک وجودند و اندوه هر یک، اندوه همه و شادی هر یک شادی همگان است. چگونه ممکن است رنج بیماری تا اعماق قلب مسلمان اثر نگذارد و او را به زدودن غبار غم و اندوه وادار نکند و بدین وسیله او را شادمان نسازد. حضرت رضا علیه السلام می فرماید:

مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَّجَ اللَّهُ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

هر کس در کار مؤمنی گشایش دهد، خداوند، دلش را در روز قیامت گشایش می دهد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ. (۲)

هر کس مؤمنی را شاد سازد، به یقین که مرا شاد ساخته است و هر کس مرا شاد سازد، به راستی که خدا را شاد کرده است.

آثار خدمت به بندگان خدا

آثار خدمت به بندگان خدا

از آموزه های اسلامی و سیره اولیا علیهم السلام برمی آید که پس از ادای واجبات، خدمت به مردم، به ویژه مؤمنان و صالحان، مهم ترین وسیله تقرب به خداوند است. اولیای الهی همواره در خدمت مردم بودند و برای برآوردن نیازهای آنان تلاش می کردند. از دیدگاه قرآن مجید، آنچه به سود مردم باشد، پایدار و جاوید می ماند و آنچه سودمند نباشد، مانند کف روی آب ناپایدار است و زود از میان می رود.

فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ

ص: ۲۷

۱- همان، ص ۲۰۰.

۲- همان، ص ۱۸۸.

کف به کناری می افتد و نابود می شود، ولی آنچه به مردم می رساند، در زمین می ماند. خداوند چنین مثال می زند.

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدند: محبوب ترین مردم کیست؟ فرمود: «آن کسی که وجودش برای مردم سودمند باشد» (۱). همچنین ایشان می فرماید:

الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللَّهُ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ وَ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُورًا. (۲)

مردم، عایله و جیره خوار خداوندند. محبوب ترین آنها نزد خدا کسی است که سودش به عایله خدا برسد و خانواده ای را خوشحال کند.

رسیدگی به بندگان خدا، انسان را از خودخواهی و خودبینی بازمی دارد و به اخلاق الهی و ملکوتی آراسته می کند. خداوند تعالی می فرماید: «همچنان که خداوند با فضل و رحمت با شما رفتار می کند، شما نیز نسبت به یکدیگر دارای فضل و نیکی باشید؛ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ». (بقره: ۲۳۷) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

أَنْسَكَ النَّاسِ نُسْكَاً أَنْصَحُهُمْ جَبِيّاً وَ أَسْلَمَهُمْ قَلْباً لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ. (۳)

عابدترین مردم آن کسی است که نسبت به مردم خیرخواه تر از دیگران و نسبت به تمام مسلمانان، سلیم القلب تر و باصفاتر باشد.

بنابراین، اگر حاجت مردم را برآورده کردید، خوشحال باشید که خدا، شما را دوست دارد. پیامبر گرامی اسلام در مورد برطرف کردن گرفتاری و رسیدگی به یکدیگر می فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ فِي تَرَاحِمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ بِمَنْزِلَةِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ

ص: ۲۸

۱- همان، ص ۱۶۴، ح ۷، خیرکم انفعکم للناس.

۲- همان، ح ۶.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

عَضُوْ وَاحِدٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْحُمَى وَالسَّهْرِ. (۱)

مؤمنان از نظر مهرورزی و عطوفت نسبت به یکدیگر مانند یک پیکرند که هرگاه عضوی از آنان دچار دردی شود، دیگر اعضا [از راه تب و بیداری و ناراحتی]، هم دردی خود را با آن عضو ابراز می‌دارند و به کمکش می‌شتابند.

سعدی نیز با الهام از این حدیث می‌سراید:

بنی آدم اعضای یک پیکرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی غمی

نشاید که نامت نهند آدمی (۲)

مسلمان هیچ‌گاه نباید نسبت به ناراحتی دیگران، بی تفاوت و از احوال آنان بی‌خبر باشد. او باید بکوشد تا روح همیاری و هم‌دردی را در خود پرورش دهد و بی تفاوتی و خون سردی را به خون گرمی و حس فردگرایی را به روح اجتماعی تبدیل کند. بنابراین، هرگاه ناراحتی و نیازی در برادر دینی خود احساس کرد، بی‌درنگ وارد عمل می‌شود و در برطرف کردن مشکلش می‌کوشد و حتی پیش از درخواست کمک به یاری او می‌شتابد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَا قَضَى مُسْلِمٌ لِمُسْلِمٍ حَاجَةً إِلَّا نَادَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ ثَوَابُكَ وَلَا أَرْضِي لَكَ بِدُونِ الْجَنَّةِ. (۳)

ص: ۲۹

۱- سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۳.

۲- کلیات سعدی، ص ۲۵.

۳- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۵.

هر مسلمانی که حاجت مسلمان دیگر را برآورد، خداوند متعال به او ندا می دهد که ثواب تو با من است و به کمتر از بهشت برای تو راضی نمی شوم.

غم زدایی از بیماران

غم زدایی از بیماران

وقتی یک چهره گشاده و یک لبخند صمیمی می تواند غمی را از دل بزدايد، چرا بايد از آن دریغ کنیم؟ انسان ها نیازمند محبتند و این تشنگی جز با مهربانی و خوش رویی برطرف نمی شود. بسیاری از مردم دنبال کسی هستند که با او درددل کنند و خود را از بار غم رها سازند.

اگر برخورد پرستار با بیمار به گونه ای باشد که غم او را به شادی و نگرانی اش را به اطمینان تبدیل کند، دریچه ای از دنیای صفا و سرور به رویش گشوده می شود و نزد خداوند پاداش می گیرد. امام صادق علیه السلامی فرماید:

مَنْ أَخَذَ مِنْ وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ قِذَاةً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ. (۱)

کسی که رنج و اندوهی را از چهره برادر دینی اش بزدايد، خداوند به پاداش آن، ده حسنه در نامه اعمالش می نویسد.

البته این رفتار، قلبی مهربان و عاطفه ای سرشار از مهر و محبت می خواهد. گاهی پرستار با نگاه یا کلامی محبت آمیز می تواند بیماری را شاد و خدا را از خود خوشنود کند. باز هم امام صادق علیه السلام می فرماید:

أَيُّمَا مُسْلِمٍ لَقِيَ مُسْلِمًا فَسَرَّهُ سَرَّهُ اللَّهُ مَعَزَّ وَجَلَّ. (۲)

هر مسلمانی که با مسلمانی دیدار کند و در برخورد، او را شادمان سازد، خدای متعال نیز او را خوشحال خواهد ساخت.

به راستی وقتی که می توان با سخن و چهره ای گشاده، خاطر مکدری را شاد ساخت، چرا نباید او را از خود خرسند سازیم. شاد کردن دیگران و زدودن رنج و اندوه از خاطرها، هنر بزرگی است. حافظ چه زیبا می گوید:

ص: ۳۰

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۶.

۲- همان، ص ۱۹۲.

سمن بویان، غبار غم، چو بنشینند، نشانند

پری رویان، قرار از دل، چو بستیزند، بستانند

بیمار وقتی با چهره گشاده پرستار روبه رو می شود، آرامش می یابد و اگر این خوش رویی با نیت پاک و الهی انجام گیرد، علاوه بر تأثیر آن بر بیمار، حسنه و عبادت هم به حساب می آید. امام باقر علیه السلامی فرماید: «تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ حَسَنَةٌ؛ لبخند انسان به چهره برادر دینی اش، حسنه است» (۱).

لبخند، مبدأ آشنایی و زداینده غم ها و کدورت هاست. برخورد با چهره گشاده، بیماران را آماده می کند تا دل به دوستی بسپارند و بی هیچ نگرانی، سفره دل بگشایند و به آرامش روحی و روانی دست یابند. پس پرستاران ارجمند به قول حافظ نباید از این غم زدایی غافل بمانند:

دایم گل این بستان، شاداب نمی ماند

دریاب ضعیفان را در وقت توانایی

حاصل سخن اینکه برخلاف فرهنگ غربی، روح و محتوای فرهنگ دینی ما برپایه ارتباط، صمیمیت، همکاری، هم دردی و عاطفه استوار است. جلوه های این فرهنگ بالنده، در دستورالعمل های اخلاقی اسلام دیده می شود که غم زدایی از دیگران یکی از آنهاست.

سنگ صبور بیماران

سنگ صبور بیماران

بسیاری از بیماران، دل هایی آکنده از غم و مشکلاتی دارند که آنان را زیر فشارهای روحی قرار می دهد. آنها در پی یافتن دو گوش شنوایند که با بیان آن، غم ها و دردها سبک شود. آن که به شکوه ها و غم نامه های یک دردمند گوش می دهد و خود را به شنیدن سخنان آنان علاقه مند نشان می دهد، با او هم دردی کرده است. این روحیه خوب پرستاران ستودنی است. علی علیه السلامی فرماید:

ص: ۳۱

مِنَ السُّؤْدَدِ الصَّبْرُ لِاسْتِمَاعِ شَكْوَى الْمَلْهُوفِ (۱).

از بزرگواری است که انسان برای گوش سپردن به شکوه و ناله دردمند، صبر و تحمل داشته باشد.

روحیه گرم خویی و مردم دوستی و داشتن عواطف بشردوستانه، بار غم گرفتاران را سبک و ماندن در بیمارستان را قابل تحمل می‌سازد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به حرف های دیگران گوش می‌داد و دو گوش شنوا برای آنان بود.

يَقُولُونَ هُوَ أذُنٌ قُلُّ أذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يَوْمَئِذٍ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ. (توبه: ۶)

تا جایی که آنان به ستوه می‌آمدند و می‌گفتند: او گوش است و خداوند دستور می‌دهد که به آنان بگو: اگر گوش هم هست، برای شما گوش خوبی است. به خدا ایمان دارد و به حرف های مؤمنان نیز باور.

اگر خواهی سخن گویی، سخن بشنو، سخن بشنو

زبان آن کس تواند زد، که اول گوش گردد او

بریدن حرف دیگری شیوه ای ناپسند و نوعی کم ظرفیتی است. در سیره پیامبر اسلام آمده است: «مَنْ تَكَلَّمَ أَنْصَيْتُوا لَهُ حَتَّى يَفْرَغَ؛ کسی که سخن می‌گفت، به او گوش می‌دادند تا سخنش به پایان برسد» (۲).

از حضرت رضا علیه السلام نیز روایت شده است که:

وَ مَا رَأَيْتُ قَطَعَ عَلَى أَحَدٍ كَلَامَهُ حَتَّى يَفْرَغَ مِنْهُ. (۳)

آن حضرت را هرگز ندیدم که سخن کسی را قطع کند، مگر آنکه آن شخص از سخن خویش فارغ شود.

در روابط اجتماعی، کسانی بر دل‌ها حکومت می‌کنند که مایه آرامش دیگران باشند و خانه دلشان آکنده از مهر و محبت به مردم باشد. پس:

ص: ۳۲

۱- ح ۹۴۴۳ (وصول معدم خیر من جاف مکثر).

۲- طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۵.

۳- بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۹۰.

تا توانی، به جهان، خدمت محتاجان کن

به دمی یا درمی، یا قلمی یا قدمی

فقه پرستاری

فقه پرستاری

امروزه پرستاری جنبه های تخصصی و روان شناختی پیدا کرده و دانشکده های پرستاری در سرتاسر جهان شکل گرفته است، ولی متأسفانه بخشی از چهره زیبای پرستاری زیر سایه سنگین بی توجهی یا جهل، ناشناخته مانده است. اسلام که دینی همه جانبه نگر است، ما را با این زوایا آشنا می کند. اگر «فقه پرستاری» جمع آوری و ترویج شود، انگیزه های معنوی در دل پرستاران بیدارتر می شود. اسلام با ریزینی و موشکافی، عمل به احکامی را سفارش می کند که بیمار را در سلامتی جسم و روح یاری رساند. امید که فقه پرستاری در دانشکده های پرستاری، جایگاهی مناسب و به سزا پیدا کند و ابعاد مختلف آن برای مردم، به ویژه پرستاران زحمت کش، بیش از پیش روشن شود.

هدایت بیمار

هدایت بیمار

در بیمارستان، خودخواهی ها و سرکشی ها فرو می نشیند و روح بیمار فرصت می یابد تا زندگی را از زاویه درد و رنج تجربه کند. پرستار که مونس تنهایی ها، رنج ها و تحول روحی بیمار است، باید در این لحظه های کمیاب، دست بیمار را بگیرد و با نفوذ در اعماق روح خسته بیمار، دانه مهر حق را در جانش بنشانند.

دلداری دادن به بیمار

دلداری دادن به بیمار

بیمار با اوضاع سختی دست و پنجه نرم می کند؛ تلخی دارو، سختی تنهایی، فشار درد و مانند آن. در این وضعیت، گاهی بیمار خود را می بازد و تصویر سلامتی اش را در آینده آینده، مبهم می بیند و از خود می پرسد: آیا شفا پیدا می کنم؟ اینجاست که اگر امید خود را باز نیابد، ممکن است هیچ گاه بهبود نیابد. اسلام به تقویت روحیه بیمار سفارش می کند. یکی از سفارش های مهم در اسلام، امیدوار کردن بیماران به بازیافتن تندرستی است؛

چون این امر، روح آنان را شادمان می کند و طراوت جسمی را برایشان به ارمغان می آورد. از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است که فرمود:

هنگامی که بر بیمار وارد شدید، او را به زنده ماندن امیدوار کنید. این سخن، هرچند قضا را رد نمی کند، روح را شادمان می کند. (۱)

تلاش در برآوردن نیاز بیمار

تلاش در برآوردن نیاز بیمار

یکی از وظایف پرستاران، برآوردن نیازهای فوری بیمار است. این موضوع در اسلام بسیار سفارش شده است و پیشوایان معصوم ما بر آن تأکید فراوان کرده اند. رسول گرامی اسلام، برآوردن حاجت بیمار را سبب آمرزش گناهان دانسته است:

کسی که در رفع حاجت بیمار تلاش کند، گناهان او فرو می ریزد؛ خواه حاجت او را برآورد و خواه از عهده آن برنیاید. (۲)

مرحوم محدث نوری از علمای بزرگ تشیع در کتاب مستدرک الوسائل بابی تحت عنوان «استحباب تلاش در برآوردن حاجت بیمار» تدوین کرده است و در آنجا می گوید: «این تلاش نسبت به بیماری که از خویشان است، استحباب بیشتری دارد». (۳)

عبرت آموزی

عبرت آموزی

بیماری، آینه ای است که چهره دیگر زندگی را نشان می دهد. پرستار می تواند ابعاد این زندگی را شفاف تر از دیگران ببیند. او باید از حال و روز پریشان بیمار پند گیرد و از دیدن درد و رنج او درس بیاموزد. پیشوای اول شیعیان، حضرت علی علیه السلام می فرماید:

ص: ۳۴

۱- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۹.

۲- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۲۸.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۹۳.

چه بسیار کسان که با دست خود از آنان پرستاری می کردی؛ برای آنان شفا می طلبیدی و از پزشکان برایشان دارو می گرفتی، ولی دواهای تو به حالشان نفعی نبخشید. (۱)

یاری رساندن به بیمار در گزاردن اعمال عبادی

یاری رساندن به بیمار در گزاردن اعمال عبادی

عبادت، روح زندگی، ارتباط درست آفریده با آفریننده و مایه حیات و کمال انسان است. به راستی، چه کسی جز او فریادرس است؟ تنها اوست که باید در برابرش زانو زد، به رکوع رفت و پیشانی بر خاک سایید. بیماری هرچند بیمار را به خدا نزدیک می کند، گاهی به جا آوردن اعمال عبادی را برایش دشوار یا ناممکن می سازد. پرستار می تواند بیمار را در گزاردن این اعمال یا آماده کردن مقدمات آن یاری رساند.

پرهیز از عصبانی کردن بیمار

پرهیز از عصبانی کردن بیمار

بیمار در غم و رنجی فراوان دست و پا می زند. از این رو، سزاوار نیست با آزردن او، بار اندوهش را بیشتر کنیم. از رسول گرامی اسلام نقل شده است: «بیمار را اذیت نکنید و بر او فشار وارد نکنید.» (۲) بنابراین، باید از قراردادن بیمار در تنگناهای آداب و رسوم اجتماعی زاید پرهیز کنیم و از کارهایی چون نشستن طولانی نزد بیمار و پرسش زیاد که باعث آزار وی می شود، دوری گزینیم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «در پرسش از بیمار اصرار نکن، بلکه به دوحرف بسنده کن.» (۳)

درخواست دعا از بیمار

درخواست دعا از بیمار

دعای بیمار در حق عیادت کننده و پرستار مستجاب می شود، همان طور که نفرین او چنین است. (۴) از این رو، شایسته است پرستار از بیمار بخواهد برایش دعا کند و از کاری

ص: ۳۵

۱- نهج البلاغه، به نقل از: ماهنامه کوثر، ش ۶، ص ۵۵.

۲- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۰.

۳- همان، ج ۸۱، ص ۲۲۴.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۸۱.

که ممکن است او را خشمگین و وادار به نفرین کند، پرهیزد.

نشستن کنار تخت بیمار

نشستن کنار تخت بیمار

پرستاری از شغل های بسیار ظریف و پرمسئولیت و در عین حال پراج است که در دین مبین اسلام و گفتار پیشوایان معصوم علیهم السلامسفرارش های بسیاری بدان شده است. از جمله بهتر است پرستار، بیمار را به خوردن غذا مجبور نکند، چیزی نزد وی نخورد و هنگام خواب او، مراعات حالش را بکند و بکوشد بیمار، خوابی آرام داشته باشد. (۱) همچنین شایسته است پرستار کنار تخت بیمار بنشیند و او را دلداری دهد. پیامبر گرامی اسلام فرمود: «کسی که به دیدار بیمار رفته است، زمانی که کنار او می نشیند، رحمت الهی او را فرامی گیرد». (۲)

ص: ۳۶

۱- بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷.

۲- نهج الفصاحه.

فصل سوم: آیین پرستاری در قاموس قرآن و عترت

زیر فصل ها

ارزش والای شغل پرستاری

پرستاری در سیره معصومین علیهم السلام

آثار مثبت پرستاری

مراقبت از بیمار

نیازشناسی و تأمین نیاز بیماران

پرستاران و مدارا با بیماران

تأثیر هم نشینی بر سلامتی بیماران

ارزش بیماری و تبریک بهبودی

نبایدها در حرفه پرستاری

ارزش والای شغل پرستاری

ارزش والای شغل پرستاری

پرستاری می تواند یکی از راه های قرب به خداوند و دست یابی به کمال انسانی باشد. چنین نگرشی به شغل پرستاری، نشاط و علاقه ویژه ای در پرستار ایجاد می کند و او به کار خود به عنوان یک وظیفه الهی _ انسانی خواهد نگریست. امام خمینی رحمه الله در تقویت این نگرش، خطاب به پزشکان و پرستاران می فرماید:

شما متوجه باشید که این شغل را خدای نخواستہ آلوده نکنید به جهات مادی، به جهات دنیایی، که هم کار کرده باشید و هم اجر الهی نبرده باشید. شما کاری بکنید که این شغل شما الهی باشد، برای خدا باشد. منافات ندارد اینکه برای خدا باشد، لکن به شما هم مثلاً اجری بدهند، اینها منافات با هم ندارد. شما توجه داشته باشید به اینکه با این بیماران خوش رفتاری کنید. کمک کنید آنها را. دل جویی کنید از آنها. اینها افسرده هستند؛ باید دل جویی کنید. این شغل از آن شغل های بسیار ارزنده

معصومان نیز خدمت به هم نوعان را یکی از بهترین عبادت ها و ارزش های انسانی برشمرده اند، چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

مَا قَضَى مُسْلِمٌ لِمُسْلِمٍ حَاجَةً إِلَّا نَادَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ ثَوَابُكَ وَ لَا أَرْضَى لَكَ بِدُونِ الْجَنَّةِ. (۲)

هیچ مسلمانی حاجت مسلمانی دیگر را روا نمی سازد مگر اینکه خداوند تبارک و تعالی به او خطاب کند که پاداش تو به عهده من است و کمتر از

ص: ۳۷

۱- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۸۲.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۸۵.

بهشت برایت نمی پسندم.

تنها کسانی می توانند به شغل پرستاری و مراقبت از بیماران پردازند که دارای انگیزه بالا، قدرت تحمل، دل سوزی و بردباری باشند. این افراد با چنین نگرشی، در ضمیر پاک نیک فطرتان جامعه جای دارند و از محبوبیت اجتماعی بالایی برخوردارند. همگان می دانند که پاداش های مادی نمی تواند جبران کار طاقت فرسای پرستاران باشد و آنان نیز به خاطر امور مادی به این شغل شریف رونمی آورند، بلکه آنان پاداش خود را از خدا می خواهند. مردم نیز از باب «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»، تلاش های بی شایبه آنان را ارج می نهند. تکریم و تجلیل از مقام پرستار، خود، بیانگر ارزش اجتماعی و جایگاه پرستاری است.

پیامبر گرامی اسلام، ارج و بهای پرارزش پرستاری را در روایتی چنین بیان می فرماید:

مَنْ قَامَ عَلَى مَرِيضٍ يَوْمًا وَلَيْلَةً بَعَثَهُ اللَّهُ مَعَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَازَ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبُرْقِ اللَّامِعِ وَمَنْ سَيَّعِيَ لِمَرِيضٍ فِي حَاجَةٍ فَقَضَاهَا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ. (۱)

کسی که یک روز و یک شب، پرستاری بیماری را به عهده بگیرد، خداوند، او را با ابراهیم خلیل علیه السلام محشور می کند. پس همچون درخشش برقی از صراط می گذرد. کسی که در برطرف کردن نیازهای بیمار تلاش کند و نیازهای او را برآورد، همانند روزی که از مادر متولد شده است، از گناهان پاک می شود.

پرستاری در سیره معصومین علیهم السلام

پرستاری در سیره معصومین علیهم السلام

اهتمام پیامبران و اولیای معصوم به امر پرستاری نشان دهنده اهمیت و شرافت این شغل است. پرستاری نزد خداوند متعال از ارزش و جایگاهی والا برخوردار است و پرستاران، محبوب و مقدسند.

برپا کردن چادر پرستاری در مسجد پیامبر، اهتمام ویژه آن بزرگوار را نسبت به این

ص: ۳۸

وظیفه مقدس نشان می دهد. در روایتی در این باره آمده است: «بعد از جریان جنگ احد، مردم در مسجد به مداوای مجروحان جنگ و پرستاری از آنان می پرداختند.»^(۱) در سیره ابن هشام هم آمده است:

یکی از اصحاب خاص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نام سعد بن معاذ را که جراحت سختی در جنگ خندق برداشته بود، به دستور حضرت در مسجد در خیمه زنی از قبیله اَسَلَم که به او «رُفیده» می گفتند، قرار دادند. رفیده در این خیمه مجروحان جنگ را مداوا می کرد و به پرستاری و مراقبت از آنان می پرداخت.^(۲)

این کار پسندیده در سیره پیامبران هم دیده می شود. چنان که پرستاری مستمر حضرت یوسف از بیماران در زندان، باعث محبوبیت او بین زندانیان شده بود و به این خاطر از او به عنوان فردی نیکوکار یاد می کردند.^(۳)

نمونه هایی در مورد پرستاری پیامبر گرامی اسلام از بیماران در تاریخ اسلام دیده می شود. یکی از این موارد را علامه مجلسی از حضرت علی علیه السلام چنین نقل می کند: «شب، تب وجودم را فراگرفت و خواب را از من ربود. بدین جهت، رسول خدا نیز تا صبح بیدار بود و شب را بین من و نماز تقسیم می کرد. پس از نماز، نزد من می آمد و جویای حال من می شد و با نگاه کردن به من از وضعیت بیماری ام اطلاع می یافت و شیوه پیامبر تا طلوع صبح چنین بود. پس از آنکه حضرت با اصحاب نماز گزارد، در حق من دعا کرد که خدایا! علی را شفا ده و سلامتی بخش که به خاطر بیماری اش تا صبح نخوابیدم.»^(۴)

ص: ۳۹

۱- بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۶۸.

۲- سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۲۵۰.

۳- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۲۳۰.

۴- همان، ج ۴۰، ص ۲.

این رویه پسندیده حضرت حتی در برابر دوستان دیگرش نیز به خوبی نمایان است که نمونه آن را درباره سعد بن معاذ بیان کردیم. (۱)

پرستاری حضرت علی علیه السلام از فاطمه زهرا علیها السلام پس از بیماری ایشان نیز دیگر نمونه قابل توجه در اسلام است. حضرت علی علیه السلام معده دار پرستاری از فاطمه علیها السلام بود و اسماء، دختر همیس، ایشان را یاری می داد. (۲)

درباره پرستاری حضرت زهرا علیها السلام از پیامبر نیز نمونه های فراوانی بیان شده است. در تاریخ جنگ احد آمده است: «در این جنگ، دندان پیامبر اسلام شکست و کلاه خود بر سر ایشان زخم وارد کرد. در آن هنگام، فاطمه خون جراح پیامبر را می شست و علی بن ابی طالب با سپر آب می آورد. چون فاطمه مشاهده کرد خون بند نمی آید، تکه حصیری را سوزاند و خاکستر آن را روی زخم گذارد تا خون بند آید». (۳)

امام زین العابدین علیه السلام هم از دختر گرامی این بانوی نمونه اسلام، حضرت زینب کبرا علیها السلام که دست پرورده مکتب انسان ساز مادر است، چنین نقل می کند: «شبی که فردای آن پدرم به شهادت رسید، من نشسته بودم و عمه ام زینب نزد من بود و از من نیکو پرستاری می کرد». (۴)

این سیره های عملی، بیانگر ارزش والای پرستاری است. امام خمینی رحمه الله نیز در این باره فرموده است:

این شغل پرستاری از شغل های بسیار شریفی است که اگر چنانچه انسان با وظایف انسانی و شرعی خودش بکند، این یک عبادتی است که در فراز

ص: ۴۰

۱- همان، ج ۲۰، ص ۲۳۱.

۲- همان، ج ۴۳، ص ۲۱۱.

۳- همان، ج ۲۰، ص ۳۱.

۴- همان، ج ۴۵، ص ۱.

عبادت های درجه اول است. پرستاری از بیمار، امر بسیار مشکلی است، لکن خیلی ارزشمند است. [اگر] انسان با یک بیمار به طور محبت، به طور برادری، به طور خواهری، مراعات احوال او را بکند و این برای یک وظیفه انسانی - الهی باشد، از عبادات بسیار ارزشمند است. (۱)

آثار مثبت پرستاری

آثار مثبت پرستاری

پرستاران با کمک کردن به بیماران و مراقبت از آنان، اسباب خرسندی آنان را فراهم می آورند و بدین گونه به خشنودی خداوند دست می یابند. از سوی دیگر، لذت کمک به دیگران در فطرت پاک انسان ها به امانت نهاده شده است. آن گاه که پرستار، رنج و اندوه بیمار را به شادی و نشاط تبدیل می کند و لبخند شادمانی و طراوت را بر گوشه لبان او می بیند، خودش نیز شاد می شود. بدین ترتیب، تمام سختی ها و زحمت هایی را که در این مسیر متحمل شده است، از یاد می برد و ناخود آگاه، رابطه صمیمانه و همراه با مهر و محبت دوسویه ای بین پرستار و بیمار برقرار می شود. راز این محبوبیت را می توان از سخن پیامبر اسلام دریافت:

جَبَلَتِ الْقُلُوبَ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا وَ بُغْضِ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا. (۲)

طبیعت قلب ها بر محبت و دوستی کسی که به آدمی احسان و نیکی می کند و بغض و دشمنی کسی که به انسان بدی روا می دارد، نهاده شده است.

این نیکوکاری افزون بر محبوبیت اجتماعی، رضایت الهی را نیز در پی خواهد داشت؛ چون قرآن کریم نیز به صراحت بیان می دارد: «وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می دارد». (بقره: ۱۹۵)

از این گذشته، پرستاری آثار ارزنده ای بر خود فرد نیز به جا می گذارد. در حقیقت، پرستار با پذیرش کارهای سبک و سنگین یک بیمار، روح خودخواهی را در خویش از بین می برد و دگرخواهی و نوع دوستی را در وجودش نهادینه می کند. پذیرش امور مربوط

ص: ۴۱

۱- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۸۱.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۴۴.

به بیماران، روحیه فروتنی را در او افزایش می دهد و تکبر و خودبینی را از وی دور می سازد. پرستار بر اساس تعهد و مسئولیتش در برابر بیمار، با او که آمیخته با درد و رنج است، مدارا می کند و تمام برخوردهای تند و ناهنجارش را که برخاسته از درد درون است، برمی تابد. این راهی است برای خودسازی و دست یابی به کرامت های انسانی. همان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بسیار مهم می شمرد و می فرماید: «لا- عَزَّ كَ الْجَلْمِ؛ هیچ عزتی همانند حلم و بردباری نیست».(۱)

پرستار با کمک به بیماران، دعای خیر آنان را بدرقه راهش می سازد و این کلام نورانی حضرت صادق علیه السلام را توشه خویش می کند: «از بیماران خود عیادت کنید و از آنان بخواهید دعا کنند؛ زیرا دعای آنان همانند دعای فرشتگان است».(۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام عیادت از سلمان می فرماید: «دُعَاؤُكَ فِيهَا مُسْتَجَابٌ؛ دعای تو در هنگام بیماری مستجاب است».(۳)

آثار ارزنده پرستاری از بیمار به طور شفاف در این گفتار رسول گرامی اسلام مشخص شده است:

مَنْ أَعَانَ ضَعِيفًا فِي بَدَنِهِ عَلَى أَمْرِهِ، أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى أَمْرِهِ وَ نَصَبَ لَهُ فِي الْقِيَامَةِ مَلَائِكَةً يُعِينُونَهُ عَلَى قَطْعِ تِلْكَ الْأَهْوَالِ وَ عُبُورِ تِلْكَ الْخَنَادِقِ مِنَ النَّارِ، حَتَّى لَا يُصِيبَهُ مِنْ دُخَانِهَا وَ عَلَى سَمُومِهَا وَ عَلَى عُبُورِ الصَّرَاطِ إِلَى الْجَنَّةِ سَالِمًا امِنًا.(۴)

هر کس انسانی را که ناتوانی جسمی دارد، یاری کند، خداوند، او را در کارها یاری می دهد و در قیامت، فرشتگانی را می گمارد تا او را در پیمودن مسیر

ص: ۴۲

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳.

۲- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۹۱.

۳- همان، ص ۱۸۵.

۴- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۱.

هولناک قیامت و عبور از گودال هایی که از سموم آن آسیب نیند و بر عبور از صراط به سوی بهشت با سلامت و امنیت کامل، یاری دهند.

مراقبت از بیمار

مراقبت از بیمار

مراقبت از بیمار و نگهداری از وی مورد توجه پیشوایان دینی ماست. از این رو، مراقبت از بیمار تا شفای کامل، امری بایسته و ضروری است. همراهی با بیمار افزون بر رفع نیازهای جسمی، بر تأمین شادابی و نشاط روحی وی نیز اثرگذار است. رها ساختن بیمار و بی توجهی به او چه بسا ممکن است سلامت و حتی زندگی او را به مخاطره اندازد. بر این اساس، حضرت صادق علیه السلام به هم سفر و همراه بیمار فرموده است:

قُعُودُكَ عِنْدَهُ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِكَ فِي الْمَسْجِدِ. (۱)

نشستن تو نزد بیمار (مراقبت از او) بهتر و بالاتر از نماز خواندن در مسجد است.

برطرف ساختن نیازهای بیماران و تلاش برای رفع آنها، پاداش بی شماری در پی دارد. امام صادق علیه السلام در کلامی دیگر، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند:

مَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِي حَاجَةٍ قَضَاهَا أَوْ لَمْ يَقْضِهَا، خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وُلِدَتْهُ. (۲)

کسی که برای رفع نیازهای بیماری تلاش کند، خواه آن نیاز برآورده شود یا نشود، همانند روزی که از مادر متولد شده است، از گناهان پاک می گردد.

البته بر آوردن نیازهای بیماری، پس از شناخت کامل از کم و کیف آن است. بنابراین، پرستار باید در به دست آوردن نیازهای جسمی، روحی و معنوی و اجتماعی بیمار تلاش کند و خود را به جای او قرار دهد و آنچه را برای خود می پسندد، برای او نیز در نظر بگیرد. حضرت علی علیه السلام در سفارش به فرزندشان فرمود:

يَا بَنِيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ فِيمَا وَ بَيْنَ غَيْرِكَ فَاحْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اَكْرَهُ لَهُ مَا

ص: ۴۳

۱- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۰۰.

۲- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۱۷.

پسرم! خویشتن را معیار و مقیاس قضاوت بین خود و دیگران قرار ده. پس آنچه را برای خود دوست می داری، برای دیگران دوست دار و آنچه را برای خود نمی پسندی، بر دیگران نیز میسند.

امام خمینی رحمه الله در کلامی زیبا با توجه به این مهم می فرماید:

باز عرض می کنم که با بیمار، بسیار با عطف و با شفقت باشید، از آن که خادم دم در است تا آن که پزشک است و پرستار. رفتار، رفتار خوب و عطف آمیز باشد. گمان کنید که خودتان مریض هستید و در یک مریض خانه رفته اید. از کارمندان، پزشکان و پرستار آنجا چه توقعی دارید؟ همان توقعی که خود شما از آنها دارید، سایر بیماران هم از شما دارند. (۲)

در برآوردن نیازها، ممکن است گاهی پرستار پس از شناخت ذائقه بیمار و غذای مورد علاقه او به وی کمک کند. در این حال، به پاس این کار نیک، پاداش های اخروی نیز متوجه پرستار می شود، چنان که در روایتی از معصوم علیهم السلام آمده است:

مَنْ أَطْعَمَ مَرِيضًا شَهْوَتَهُ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ. (۳)

کسی که به بیماری بر اساس میل و اشتهايش غذا دهد، خداوند از میوه های بهشتی به او می خوراند.

روزی فاطمه زهرا علیها السلام بیمار شد. پیامبر به دیدار او آمد. پس نزد فاطمه نشست و از حال او پرسید. فاطمه در پاسخ گفت: من غذایی پاک و گوارا میل دارم. پیامبر برخاست و از تاقچه اتاق، ظرفی از کشمش و نان و کشک و خوشه ای انگور آورد و در مقابل فاطمه

ص: ۴۴

۱- نهج البلاغه، ص ۷۰.

۲- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۷۴.

۳- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۲۴.

علیهاالسلامنهاده. (۱) افزون بر خوراک، خواب و استراحت نیز از امور حیاتی برای بیمار است. بنابراین، فراهم آوردن محیطی مناسب، آرام و به دور از سروصدا می تواند تأثیر مطلوبی بر سلامتی بیماران داشته باشد.

نیازشناسی و تأمین نیاز بیماران

نیازشناسی و تأمین نیاز بیماران

آدمی در کنار تأمین نیازهای جسمانی، به نیازهای تفریحی، مذهبی، آموزشی، روانی، عاطفی و حمایتی نیازمند است. بیماری که دستورها و آموزه های دینی با روح و جانس آمیخته شده است، با شنیدن صدای دل نشین اذان در پی برآوردن واجبات دینی خود برمی خیزد. کمک در این امر می تواند در بهبودی بیمار بسیار مؤثر باشد. برپایی مراسم مذهبی مانند نماز و دعا و مناجات به همان اندازه برای وضع روحی بیمار مؤثر است که دارو و درمان برای سلامت جسمی او کارساز است. بنابراین، پرستار باید زمینه انجام برنامه های عبادی از قبیل وضو گرفتن، تیمم کردن، پهن کردن سجاده، قبله یابی و غیر آن را فراهم کند تا بیمار به آسایش و آرامش روحی دست یابد. البته پرستار نیز با این کمک و یاری، از پاداش معنوی بی بهره نمی ماند. امام صادق علیه السلامی فرماید: «هنگامی که پدرم (امام محمد باقر علیه السلام) بیمار بود، ایشان را در پارچه ای می نهادند و برای وضو ساختن می بردند». (۲)

همچنین گاهی بیماران برای مراقبت های ویژه از خود نیاز به آموزش دارند. پرستاران باید با بردباری تا آنجا که ممکن است بیمار را با مراقبت های درمانی از خود، آشنا سازند و در صورت پرسیدن پرسش هایی از اصطلاحات خاص پزشکی، با سخنانی که برای آنها قابل درک باشد، توضیح دهند. در سیره عملی پیامبر چنین آموزش هایی به بیماران دیده می شود، چنان که حضرت علی علیه السلامی فرماید:

چشم سلمان و ابوذر ناراحت شد. پس پیامبر به دیدار آن دو آمد و هنگامی که

ص: ۴۵

۱- همان، ج ۴۳، ص ۷۷.

۲- میزان الحکمه، ج ۹، ص ۱۳۱.

به آنها نظر کرد، به هر یک فرمود: تا زمانی که به چشم درد مبتلا هستی، روی سمت چپ نخواب و تا خداوند بهبودی کامل به تو عطا نکرده است، خرما نخور. (۱)

تأمین نیازهای روانی و عاطفی بیمار نیز بسیار مهم است. بیماری که از خویشان و بستگان و خانواده خود جدا شده است و در اتاقی در بیمارستان، به تنهایی ایام را سپری می کند، بیش از همیشه به برقراری روابط عاطفی و انسانی نیاز دارد. حضرت امام خمینی رحمه الله به درستی این نیاز را به پرستاران گوشزد کرده است و می فرماید:

اینها (بیماران) احتیاج دارند به محبت، بیش از آنکه احتیاج به دوا دارند. یک مریضی که از خانه اش آمده است در بیمارستان، این مریض، خودش را مثل اینکه یک غریب می داند. چنانچه این پرستارها با ملایمت با رفتار انسانی، با محبت، مثل برادر و خواهر با او رفتار کنند، این حس غربت از او منفصل (جدا) می شود و آرامش برایش حاصل می شود و این آرامش روحی در بهبود او کمک می کند. (۲)

پرستاران و مدارا با بیماران

پرستاران و مدارا با بیماران

شناخت موقعیت بیمار و عوارض روحی و جسمی و درک نیازهای عاطفی بیمار، اولین گام در برقراری روابط دوستانه بین بیمار و پرستار است. روح اخلاق، عاطفه و حمایت، باید در تمام روابط و برخوردهای پرستار با بیمار حاکم باشد. گاه پرستار با هم دردی با بیمار و با لبخندی آرام بخش، بهترین هدیه انسانی را به بیمار می دهد. تجربه نشان داده است که اگر بیماران به افرادی که از آنها مراقبت می کنند، اعتماد داشته باشند، برای رهایی از درد به تلاش کمتری احتیاج دارند. نمی توان به هیچ وجه روابط درمانی را از روابط اخلاقی و عاطفی جدا دانست و تنها به برخوردی خشک و بی روح بسنده کرد.

ص: ۴۶

۱- بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۱۴۶.

۲- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۸۲.

پرستار باید با شناخت جایگاه حساس بیمار و تحمل زودرنجی و حساسیت فوق العاده وی، خود را به زیور مدارا آراسته سازد.

بیماری که از محیط خانه جدا شده است، با محیطی نامأنوس و افرادی ناآشنا روبه رو می شود. ممکن است ترس از چگونگی بیماری یا در پیش بودن عمل جراحی، او را پریشان سازد که در این موارد، بیش از هر زمان دیگری به مدارا و هم نوایی نیاز دارد. در این حال، بیمار برای دست یافتن به سلامت روحی، نیازمند بردباری و رفق و مدارای پرستار است. پرستار با آرامش خود، این آسایش روحی را نیز به بیمار منتقل و زمینه بهبودی وی را فراهم می سازد. هرگونه اضطراب، ناهنجاری و پرخاشگری برای تشدید بیماری مؤثر است و پرستار با تدبیر و اخلاق کریمانه خود، این زمینه را از صفحه ذهن و جسم بیمار پاک می کند. او به این آموزه امام علی علیه السلام توجه دارد که فرمود: «الرَّفْقُ مِفْتَاحُ النَّجَاحِ؛ نرم خویی و مدارا کردن با دیگران، کلید کام یابی و رسیدن به مطلوب است».(۱)

مدارا، ناهنجاری های بیماری را برطرف می کند و از یک بیمار تندخو و بی حوصله، فردی آرام و صبور می سازد که می تواند با آرامش خویش، بیماری را از تن و جان بزدايد. از سوی دیگر، آدمی نیازمند مهر و محبت و مودت است و نیاز بیمار به اکسیر محبت بیش از دیگران است. بنابراین، یکی از وظایف اخلاقی پرستاران، برقراری رابطه سرشار از مهر و عطف با انسان های مبتلا و بیمار است. امام صادق علیه السلام در سفارشی به پرستاران می فرماید:

النَّاسُ رَجُلَانِ مُبْتَلَىٰ وَ مُعَافَىٰ فَارْحَمُوا الْمُبْتَلَىٰ وَ اَحْمَدُوا اللَّهَ - عَلَى الْعَافِيهِ.(۲)

مردم دو دسته اند: یک دسته مبتلا (به بیماری) هستند و دسته دیگر در سلامت به سر می برند. بنابراین، نسبت به مبتلایان مهر بورزید و از آنان دل جوئی کنید و بر عافیت و سلامتی، خداوند را سپاس گوئید.

حضرت امام خمینی رحمه الله هم با دل سوزی تمام، خطاب به پرستاران می فرماید:

ص: ۴۷

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۵۷.

۲- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۴.

شما با این مریض ها، با این بیمارها، هر چه محبت بکنید و هر چه پرستاری مادرانه و خواهرانه و برادرانه و پدرانه بکنید، این در روحیه بیمار مؤثر است و برای خوب شدن، سرعت خوب شدن بیماران نیز مؤثر است و در بارگاه خدای تبارک و تعالی، خدمت به این جمعیت، خدمت به این بندگان خدا، بسیار ارزشمند است. (۱)

تأثیر هم نشینی بر سلامتی بیماران

تأثیر هم نشینی بر سلامتی بیماران

انس و همدلی از نیازهای اولیه آدمی است که در نهاد و فطرت او نهاده شده است. هنگامی که انسان در وضع طبیعی و زندگی عادی قرار دارد، خواه ناخواه این نیاز به انس و همدلی با دوستان و نزدیکان در گذر زندگی تأمین می شود. در زمان بیماری، پرستار، کمبودهای عاطفی بیماران را با انس و همدلی جبران می کند و آنان را در پرتو حمایت های عاطفی خویش تسکین می دهد. پرستار با اظهار هم دردی، خود را در کنار بیمار قرار می دهد و هنگامی که بیمار احساس می کند دیگران و به ویژه پرستاران از وی جدا نیستند و درد او را درد خویش می شمارند، امید و آرامش خاصی در خود احساس می کند. به جز بیمارانی که بیماری های آنان واگیردار است، از هم نشینی با بیماران نباید پرهیز کرد. در روایتی آمده است: «مردی که مبتلا به آبله بود، بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اصحابش وارد شد و آنان مشغول غذا خوردن بودند. آن مرد هر جا نشست، حاضران از کنار او برخاستند. پس پیامبر او را نزد خود نشانده». (۲)

دل جوایی و هم نشینی پیامبر، الگوی مناسبی برای ماست. پرستار با هم نشینی و سخن گفتن با بیمار و توجه به احساسات و مشکلات وی، از بار غم و اندوهش می کاهد. یکی دیگر از عواملی که به بیمار نیرو می بخشد و او را از ناآرامی می رهاند، امیدوار ساختن وی به زندگی است. ناامیدی باعث شکست روحی و روانی

ص: ۴۸

۱- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۶۷.

۲- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۲۰۶.

آدمی است. از این رو، بر اطرافیان و به ویژه پرستاران است که بیمار را به زندگی و بازیابی سلامتی امیدوار سازند و به این سفارش پیامبر رحمت عمل کنند که فرمود:

إِذَا دَخَلْتُمْ عَلَى الْمَرِيضِ فَنَفْسُوا فِي الْأَجْلِ، فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَرُدُّ شَيْئًا وَهُوَ يُطَيَّبُ نَفْسَهُ. (۱)

هر گاه بر بیمار وارد شدید، او را به (سلامت) و طول عمر امیدوار سازید. گرچه این امیدوار ساختن در قضا و قدر مؤثر نیست، ولی بیمار را دلخوش می سازد و باعث آرامش و تسکین او می گردد.

حضرت امام خمینی رحمه الله نیز با تیزبینی و درایت مثال زدنی خود به تأثیر امیدآفرینی در بیماران توجه ویژه دارد و به پرستاران سفارش می کند:

این نکته را باید در نظر داشته باشند که عطفوت به آنها و امید دادن به آنها و وعده سلامت به اذن الله برای آنها، کمک می کند به آنها. این طور نباشد که به او گفته شود تو خوب نمی شوی. همین، در زود مردن او و در طولانی شدن مرض او کمک می کند و با دل افسرده از این دنیا می رود. لکن اگر به او امید دادید، محبت کردید، نوازش کردید، خدمت صادقانه کردید، با روی خوش خدمت کردید به این مریض ها که افسرده اند اکثرا، اگر این طور باشد، بر فرض اینکه از این دنیا هم برود، با یک روح امیدوار و شیرین از این دنیا می رود و این برای شما ارزشمند است. (۲)

بنابراین، پرستار باید بیماری را ناچیز و زودگذر جلوه دهد و ترس از خطر بیماری را از دل و جان بیمار بزدايد. به این سخن روان شناسانه پیامبر گرامی اسلام توجه کنید که فرمود: «لَا يَأْسَ عَلَيْكَ طَهُورٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» نگران بیماری خود نباش، این بیماری موجب پاک

ص: ۴۹

۱- همان، ج ۸۱، ص ۲۲۵.

۲- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۷۲.

شدن تو از گناهان است ان شاء الله» (۱).

ارزش بیماری و تبریک بهبودی

ارزش بیماری و تبریک بهبودی

یکی دیگر از عوامل سرعت دهنده در بهبودی بیماران، آشنا کردن آنها با آثار معنوی بیماری است. تقویت روح معنوی بیمار و آماده سازی زمینه ارتباطی او با خداوند و ائمه اطهار، امری لازم و بایسته است. هنگامی که بیمار به قدرت لایزال الهی پی برد، توجه خود را از اسباب های ظاهری قطع و خود را در دریای بی کران لطف و رحمت الهی شناور می بیند. پرستار با ایجاد فضای معنوی، ذکر، دعا، مناجات و توسل می تواند روح معنوی بیمار را قوت بخشد و با اتکا به خداوند و توسل به اهل بیت علیهم السلام، شفای خود را بخواهد. امام صادق علیه السلامی فرماید:

ذِكْرُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شِفَاءٌ مِنَ الْوَعَكِ وَالْأَشْقَامِ وَوَسْوَاسِ الرَّيْبِ. (۲)

یاد ما اهل بیت، شفادهنده از تب، بیماری ها و تردید است.

آگاه کردن بیمار به پاداش هایی که پس از تحمل بیماری به او داده می شود، تحمل درد و رنج را برای او آسان می سازد. بیمار پس از پایان بیماری، مانند زمینی است که پس از باران بهاری، شاداب و زیبا می شود و بیمار در خود احساس سبکی و دل زندگی می کند. امام معصوم علیهم السلام به فایده های بیماری چنین توجه می دهد:

مؤمن هر گاه به تب دچار شود، گناهانش همچون برگ درخت فرو می ریزد و هر زمان که در بستر بیماری ناله کند، ناله او، تسبیح (سبحان الله گفتن) است و فریادش، تهلیل (لا اله الا الله گفتن) است و پهلو به پهلو شدنش در بستر بیماری همانند کسی است که با شمشیر خود در راه خدا جهاد می کند. بنابراین، اگر به سلامت، به جمع برادران مؤمن و دوستانش بازگردد و به بندگی خدا روی

ص: ۵۰

۱- صحیح بخاری، ج ۷، ص ۱۵۳.

۲- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۰۳

آورد، از گناهان پاک شده است. پس خوشا به حال او اگر در آن حال به گناه روی نیاورد و وای بر او اگر دوباره به گناه روی آورد و عافیت و تندرستی نزد ما اهل بیت از بیماری محبوب تر است. (۱)

بر همین اساس، در فرمایش امام سجاد علیه السلام خطاب به بیماران پس از شفای آنان چنین آمده است: «پاکی از گناهان گوارای تو باد! عمل خویش را از سر گیر.» (۲) همچنین نقل شده است که امام مجتبی علیه السلام به مردی که از بستر بیماری برخاسته بود، چنین فرمود: «خداوند تو را مورد توجه خود قرار داد. پس او را فراموش مکن و همواره به یاد او باش. خداوند از گناهان تو در گذشت. پس او را شکر گزار.» (۳)

نبایدها در حرفه پرستاری

نبایدها در حرفه پرستاری

اهمیت امید در آرامش و بهبودی بیمار و ضرورت حیاتی آن ایجاب می کند از ایجاد زمینه هایی که ناامیدی و اندوه بیمار را فراهم می کند، دوری گزینیم. یکی از چیزهایی که ممکن است سبب تشویش خاطر و اضطراب در بیماران شود، به زبان آوردن استرجاع؛ یعنی ذکر «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» است. این ذکر نزد بیمار به او القا می کند که بیماری او خطرناک است و امید بازگشت وی به زندگی کم شده است. امام باقر علیه السلام همواره استرجاع خود را از مبتلایان به رنج و محنت پنهان نگه می داشت. (۴)

بیمار برای اینکه از شدت بیماری خود آگاه شود، آن را در آینه نگاه دیگران جست و جو می کند. گاهی نگاه اطرافیان و پرستاران از روی خشنودی است و گاه آمیخته با نگرانی است که این دو، تأثیری متفاوت در روحیه بیمار دارد. نگاه آمیخته با رضا، او را

ص: ۵۱

۱- همان، ص ۲۰۵.

۲- همان، ص ۱۸۶.

۳- همان، ج ۷۸، ص ۱۰۶.

۴- ابن قتیبه، عیون الاخبار، ج ۲، ص ۲۰۸.

امیدوار و نگاه حزن آلود، او را پریشان و ناامید می کند. از این رو، امام صادق علیه السلام می فرماید:

لا تَنْظُرُوا إِلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَحْزَنُهُمْ. (۱)

به اهل بلا و کسانى که مبتلايند، نگاه (غير عادى) نکنيد که موجب حزن و اندوه آنان شود.

نجوا کردن در حضور بیمار سبب حساسیت او می شود و می پندارد ناگفتنی هایی در مورد بیماری او وجود دارد که اطرافیان نمی خواهند وی از آن آگاه شود. از این رو، دچار دلهره و ناراحتی می شود. امام صادق علیه السلام می فرماید:

هر گاه تعداد افراد به سه نفر رسید، نباید دو نفر آنان نجوا کنند و گفت و گوی خود را از نفر دیگر پنهان بدارند، چون این گونه گفت و گو موجب اندوه آن شخص می شود و او را می آزارد. (۲)

از دیگر مواردی که رعایت آن نزد بیماران ضروری است، نخوردن غذاهایی است که بیمار از خوردن آن باید پرهیزد. پیامبر خدا از اینکه عیادت کننده در برابر بیمار چیزی بخورد، نهی می فرمود و آن را موجب از بین رفتن اجر عیادت می دانست. (۳)

بی تردید، پرستاران زمان زیادی را در بیمارستان و کنار بیماران به سر می برند. پس باید در خوردن و آشامیدن، سفارش مهم رسول گرامی اسلام را در دستور کار خویش قرار دهند و دور از چشم بیماران از غذا استفاده کنند.

نکته آخر اینکه رازداری و پنهان نگه داشتن اسرار دیگران بسیار مهم است. طبیعت بیماری چنان است که تا حدود زیادی، امور پنهانی برای دست اندرکاران درمان او آشکار

ص: ۵۲

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۶.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۱۴.

۳- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۲۸.

می شود. آنها دوست ندارند که دیگران از این اسرار آگاه شوند و پرستاران و پزشکان وظیفه حفظ این اسرار را برعهده دارند. آنان باید توجه داشته باشند که اسلام حتی افشای اسرار را در مورد کسانی که از دنیا رفته اند، نمی پسندد. امام صادق علیه السلامی فرماید:

کسی که میتی را غسل دهد، پس او را بپوشاند و اسرار او را کتمان کند و برای دیگران بیان نکند، همانند زمانی که از مادر زاییده شده است، از گناهان پاک می گردد.^(۱)

امام کاظم علیه السلام نیز در این باره فرموده است:

کسی که راز برادر مسلمان خود را بپوشاند، روز قیامت خود را زیر سایه عرش الهی می بیند.^(۲)

ص: ۵۳

۱- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۹۲.

۲- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۷، ص ۴۳۶.

فصل چهارم: بایسته های اخلاقی پرستاران

اشاره

فصل چهارم: بایسته های اخلاقی پرستاران

زیر فصل ها

معیار ارتباط پرستاران با بیماران

یاد خدا

پارسایی

زمان شناسی و استفاده از ابزار مناسب در کارها

اولویت بندی در کارها و تقسیم کار

بهینه سازی کار

خوش رفتاری با بیماران

حفظ آبروی دیگران

احترام به بیماران

سلام و احوال پرسى با بیمار

نیکو سخن گفتن

گشاده رویی

نرم خوئی و سازگاری با بیماران

فروتنی

خدمت بی منت

عیب پوشی

شوخی طبیعی

آراستگی ظاهر

بزرگداشت سالمندان

مهربانی با بیماران

شکیبایی

معیار ارتباط پرستاران با بیماران

معیار ارتباط پرستاران با بیماران

انسان، کمال جو و تعالی پذیر است. کمال آدمی نیز بر اثر حسن انجام روابطی است که در پی می آید:

۱. رابطه انسان با خود: به این معنا که آدمی، خود را بشناسد؛ ارزش ها و استعدادهای بالقوه و خدادادی اش را تشخیص دهد و با بررسی هدف و فلسفه وجودی خود، از قیمت واقعی گوهر وجود خویش آگاه شود.

۲. رابطه انسان با خدا: فلسفه خلقت، کمال نهایی انسان و تقرب به پروردگار است. این مهم تنها از راه شناخت خداوند و پیمودن راه های تقرب به درگاه خالق متعال میسر می شود.

۳. رابطه انسان با دیگران: انسان، موجودی اجتماعی است و بسیاری این ویژگی را جزو ویژگی های ذاتی و طبیعی او دانسته و وی را موجودی مدنی بالطبع به شمار آورده اند. برخی نظریه پردازان علوم اجتماعی این ویژگی را معلول نیازهای متنوع آدمی می دانند. نیازهای انسان نیز با توجه به استعدادهای مختلف وی، بر اثر معاشرت، تبادل افکار و ایجاد رابطه نیکو با هم نوعان در یک اجتماع تأمین می شود. همچنین در دیدگاه اسلامی، جامعه و روابط انسانی، رنگ الهی و عبادی به خود گرفته و جنبه های گوناگون رفتار آدمی در جهت دست یابی به هدف نهایی آفرینش که کمال مطلوب است، معنا می یابد. بر این مبنا، جامعه و روابط گوناگون آن، صحنه آزمون الهی است و انسان در این صحنه می تواند با ایجاد روابط درست انسانی با هم نوعان خود، صفات نیکویی را که مورد رضایت حق تعالی است، در خود پرورش دهد. بنابراین، آنچه در اخلاق پرستاری اهمیت دارد، رنگ الهی زدن به کارها و تنظیم روابط خود با بیماران براساس آموزه های

دینی است. معیار روابط انسان با دیگران این است که آدمی با دیگران رفتاری نیکو داشته باشد؛ انصاف و مدارا را در برخورد با آنها رعایت کند و آنچه برای خود می پسندد، برای دیگران نیز بخواهد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصیت خود به امام حسن مجتبی علیه السلام این معیار کلی چنین یاد می کند:

إِجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ فَأَحِبِّ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَاتَّكِرْ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا وَلَا تَظْلِمْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ. (۱)

خویشتن را در میان خود و دیگران میزان قرار ده. آنچه را برای خود می خواهی، برای دیگران بخواه و آنچه را برای خود خوش نمی داری، برای دیگران نیز خوش مدار. به کسی ستم نکن، چنان که دوست نداری به تو ستم شود و نیکی کن همان گونه که دوست داری به تو نیکی شود.

پرستاران با در نظر گرفتن این معیار تعیین کننده، بیماران را جزئی از وجود خویش به حساب می آورند و به گونه ای با آنان رفتار می کنند که دوست دارند با خودشان رفتار شود.

یاد خدا

یاد خدا

یاد خدا، مایه آرامش و نورانی شدن اندیشه و کردار آدمی است. خداوند متعال هم دستور داده است انسان ها در همه حال به یاد خدا باشند:

وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ وَ لَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ. (اعراف: ۲۰۵)

پروردگارت را در باطن، از روی تضرع و هراس، آهسته و آرام در هر صبح و شب یاد کن و از بی خبران مباش.

یاد خدا گاهی زبانی است و گاهی قلبی. آن گاه که پرستار با ایمان خود، به زیور یاد خدا آراسته باشد، این خدامحوری در رفتار او تجلی می یابد و با رفتار و گفتارش مایه

ص: ۵۵

آرامش بیماران می شود. قرآن کریم نیز به این اثر ارزنده اشاره دارد:

الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ. (رعد: ۲۸)

آنان که ایمان آورده اند، دل هایشان به یاد خدا آرام می گیرد. آگاه باشید تنها با یاد خدا، دل ها آرامش می یابد.

یاد خداوند سبب حرکت آدمی به سوی نیکوکاری و خدمت به بیماران است. امام علی علیه السلام می فرماید:

مُدَاوِمَةُ الذِّكْرِ قُوَّةُ الْأَزْوَاجِ وَ مِفْتَاحُ الصَّلَاحِ. (۱)

یاد همیشگی، غذای روح و کلید اصلاح امور و نیکوکاری است.

روشنایی قلب پرستار و انجام مسئولیت ها و وظایف انسانی با کمال آرامش تنها با یاد خدا ممکن می شود که اگر یاد خداوند یاریگر او نباشد، نمی تواند در برابر سختی ها و مرارت های کار تاب آورد. امام علی علیه السلام در سخنی دیگر می فرماید:

عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقُلُوبِ. (۲)

بر تو باد به یاد خدا بودن؛ زیرا یاد خدا باعث روشنی دل هاست.

از سوی دیگر، یاد خدا باعث می شود خداوند نیز به یاد انسان باشد و او را در سختی ها و مشکلات یاری دهد. چنان که در قرآن کریم وعده داده شده است:

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ. (بقره: ۱۵۲)

به یاد من باشید تا به یاد شما باشم و سپاس گزار من باشید و کفران نکنید.

پرستار با یاد خداوند، خود را از محیط یکنواخت کار و زندگی جدا می سازد او قبل از هر چیز خدا را در کنار خود احساس می کند؛ به تدریج با او انس و محبت می یابد؛ دشواری کارها، برایش آسان می شود و یاد حضرت زینب علیها السلام را همواره در گوش جان خود احساس می کند که: «پذیرش این همه آسان است؛ چون در محضر خداوند قرار

ص: ۵۶

۱- غررالحکم، ج ۲، فصل ۸۰، ح ۱۲۱.

۲- همان، فصل ۴۹.

به همان اندازه که یاد خدا، میوه شیرین آرامش می دهد، روی گردانی از یاد خدا و غفلت از او پی آمدهای ناگوار دنیایی و اخروی به بار می آورد. خداوند می فرماید:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى. (طه: ۱۲۴)

هر کس از یاد من روی گرداند، زندگی سخت و تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسوس می کنیم.

چه زیباست که پرستار، کار پرمشقت خود را در پرتو یاد خداوند هدف مند سازد و افزون بر پاداش دنیوی، پاداش اخروی را برای خود ذخیره کند؛ ذخیره ای که تمام گنجینه های گران بهای دنیا در مقابلش ناچیز است.

پارسایی

پارسایی

پرستاران در میدان کار و تلاش و میدان های دیگر زندگی، با انواع گرفتاری ها، تنگناها و سختی ها روبه رو هستند. پرستاران موفق کسانی هستند که راه خروج از تنگناها را بشناسند و در برابر سختی ها مقاومت کنند. آنان باید در پرتو تقوا و پارسایی، آسانی و رهایی از سختی ها را به انتظار نشینند که خداوند می فرماید:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا. (طلاق: ۲)

کسی که تقوای الهی داشته باشد، خداوند، او را از سختی ها می رها کند.

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا. (طلاق: ۴)

هر کس که تقوای الهی داشته باشد، خداوند در کار او آسانی قرار می دهد.

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام، اثر پارسایی را در سخنانی رسا و زیبا این گونه بیان فرموده است:

هر کس به دامن پارسایی چنگ زند، سختی ها بعد از آنکه به او نزدیک شده اند، از او دور می شوند و کارهایی که در ذائقه او تلخ آمده اند، برایش

ص: ۵۷

شیرین می شوند. موج ها که روی هم جمع شده اند و می خواهند او را به کام خود کشند، از او کنار می روند و امور دشوار بر او آسان می شود. (۱)

پارسایی و مبارزه با هوای نفسانی و غبارروبی جان از هواها، زمینه الهام گیری را برای هر پرستاری فراهم می کند و راه درست را به او نشان می دهد. شهید مطهری در این باره می فرماید:

گذشته از همه اینها، تقوا و خود نگه داری سبب می شود که انسان نیروهای ذخیره در خود را در راه های بیهوده و حرام هدر ندهد. بدیهی است که انسان نیرومند و با اراده و با شخصیت بهتر تصمیم می گیرد و بهتر می تواند خود را نجات دهد. (۲)

پارسایی در عواطف و احساسات نیز تأثیر دارد و احساسات انسان را رقیق تر می سازد. شهید مطهری در این باره نیز عبارت لطیفی دارد:

تقوا، تأثیر هوا و هوس ها را می گیرد. گرد و غبار هوا و هوس ها را از صفحه جان انسان شست و شو داده و برای انسان صفای باطن، روشن بینی و استواراندیشی به ارمغان می آورد. (۳)

روشن بینی یکی از میوه های پارسایی است که می تواند در مواقع لازم به کمک پرستاران بیاید. قدرت تشخیص درست از نادرست نقش مهمی در موفقیت انسان دارد، چنان که خداوند می فرماید:

إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا. (انفال: ۲۹)

اگر تقوای الهی داشته باشید، خداوند به شما وسیله تشخیص می دهد.

تقوای پرستار، او را محبوب بیماران و مردم می سازد و برایش عزت و احترام ویژه ای قائل می شوند. حضرت علی علیه السلام در اشاره به این اثر پارسایی می فرماید:

ص: ۵۸

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹.

۲- مرتضی مطهری، ده گفتار، ص ۴۴.

۳- همان، ص ۳۴.

مَنْ اتَّقَى اللَّهَ فَهُوَ الشَّرِيفُ الْمَكْرَمُ الْمُحَبَّبُ. (۱)

کسی که تقوای الهی پیشه کند، با شرافت، مورد احترام و محبوب مردم است.

انجام کارهای خالصانه برای خداوند بسیار مهم است. هدف های غیرخدایی، کارها را سطحی و بی ارزش می کند و چه بسا چنین حالتی سبب ترک عمل یا سهل انگاری و تنبلی در انجام آن می شود. ممکن است فرد در میانه کار یا پس از انجام دادن پاره ای از آن، به هدف های یاد شده دست یابد و باقی آن را فرو گذارد یا در استوارسازی و نیک پردازی آن کوتاهی کند. پیامبر گرامی اسلام درباره اخلاص در کار و ارجمندی چنین عملی می فرماید:

إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَ مَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِخْلَاصِ ، حَتَّى لَا يُحِبَّ أَنْ يُحْمَدَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ عَمَلٍ لِلَّهِ. (۲)

برای هر پدیده، حقیقتی است و هیچ بنده ای به حقیقت اخلاص نمی رسد جز آن گاه که دوست نداشته باشد برای عملی که برای خدا انجام داده است، ستوده شود.

کار و تلاش در صورتی نتیجه بخش است که استمرار یابد و به پایان برسد. ازاین رو، خداوند متعال درباره استقامت در کارها و رسیدن به هدف، چنین فرموده است:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (احقاف: ۱۳)

کسانی که گفتند پروردگار ما الله است و در آن پایداری کردند، نه آنان را بیمی خواهد بود و نه اندوهی.

پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

ص: ۵۹

۱- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۷۹.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰۰.

الْأُمُورُ بِتِمَامِهَا وَ الْأَعْمَالُ بِخَوَاتِيمِهَا. (۱)

کمال کارها به تمام شدن آنهاست و اعمال به پایان آنها.

امام علی علیه السلام نیز فرموده است: «تمام العمل استکماله؛ تمام شدن کار به کامل کردن آن کار است». (۲)

با توجه به همه این سفارش ها، بر پرستاران لازم است که تلاش برای بهبودی بیماران و هم دردی با آنان را تا پایان ادامه دهند؛ چون جدیت و پی گیری پرستاران، بیمار را امیدوار می کند و به سلامتی کامل او می انجامد. بی توجهی و بی تفاوتی در کارها نیز سبب می شود درمان بیمار ناتمام و بی نتیجه بماند. حضرت علی علیه السلام درباره جدیت در کارها می فرماید:

مَنْ يَعْمَلْ يَزِدْ قُوَّةً وَ مَنْ يَقْصُرْ فِي الْعَمَلِ يَزِدْ فَتْرَةً. (۳)

هرکسی به انجام کاری برخیزد، نیرومندتر می شود و هرکس در کاری کوتاهی کند، سستی او افزایش می یابد.

زمان شناسی و استفاده از ابزار مناسب در کارها

زمان شناسی و استفاده از ابزار مناسب در کارها

برای دست یابی به اهداف، شناخت وسایل، ابزار و زمان مناسب ضرورت دارد و این مهم در حرفه پرستاری بسیار محسوس است. امام رضا علیه السلام در سخنی زیبا می فرماید:

مَنْ طَلَبَ الْأَمْرَ مِنْ وَجْهِهِ لَمْ يَزَلْ فَإِنْ زَلَّ لَمْ تَخْذَلْهُ الْحَلِيلَةُ. (۴)

هر کسی کاری را از راه مناسبش بخواهد، دچار شکست نخواهد شد و اگر شکست خورد، قابل جبران خواهد بود.

ص: ۶۰

۱- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۵.

۲- غررالحکم، ج ۱، فصل ۲۲، ح ۳.

۳- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۱، ح ۲۸۰۲، ص ۱۵۲.

۴- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۴۰.

جهان، مکان اسباب و مسببات است و در هر چیزی و هر کاری باید در پی فراهم ساختن اسباب مناسب آن بود. پیامبر اسلام فرموده است:

تَدَاوُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يُنَزِّلْ دَاءً إِلَّا وَ أَنْزَلَ لَهُ شِفَاءً. (۱)

درمان کنید که خدای بزرگ دردی نمی فرستد مگر اینکه برای آن شفایی قرار داده باشد.

سخن پیامبر گرامی اسلام به این حقیقت اشاره دارد که برای هر کاری باید در پی اسباب آن بود. همان گونه که هنگام بیماری باید به پزشک مراجعه و دارو مصرف کرد، برای به نتیجه رسیدن کار باید با استفاده از ابزار و امکانات لازم، زمان مناسب آن را هم در نظر گرفت. انجام کار پیش از زمان مناسب آن، همانند چیدن میوه پیش از رسیدن آن است. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

«الْأَمُورُ مَرْهُونَةٌ بِأَوْقَاتِهَا؛ كَارَهَا دَرِ گَرُو وَ قَت مَنَاسِبِ خُودِ اسْت.» (۲)

پرستاران در ارتباط با بیماران باید زمان شناسی را در دستور کار قرار دهند. چه بسا داروهایی که تنها در زمان مناسب خود اثربخش خواهد بود و استفاده بی وقت آن، از تأثیر دارو می کاهد و طول درمان را افزایش می دهد.

پرستاری که وظایف خود را به موقع انجام ندهد، در تنگنای زمان قرار می گیرد. او برای جبران این کار می کوشد تا کارهای عقب مانده را در زمانی کوتاه انجام دهد. پس با شتاب تصمیم می گیرد و کارها را با فشار روحی بسیار انجام می دهد. در این صورت، چگونه می تواند مایه آرامش بیماران باشد؟ امام علی علیه السلام در بهره گیری بهینه از فرصت می فرماید:

مَاضِي يَوْمِكَ فَاتَتْ وَ آتِيهِ مِنْهُمْ وَ وَقْتِكَ مُعْتَمِّمٌ فَبَادِرُ فُرْصَةِ الْإِمْكَانِ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَتَّقِيَ بِالزَّمَانِ. (۳)

ص: ۶۱

۱- الحسن ابن الفضل الطبرسی، مکارم الاخلاق، بیروت، دارالبلاغه، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۱۸.

۲- بحار الانوار، ح ۷۷، ص ۱۶۵.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، فصل ۷۹، ح ۱۲۹.

دیروزت از دست رفت و فردایت مشکوک است و امروزت مغتتم. پس این فرصت ممکن را دریاب. بپرهیز از آنکه به زمان اعتماد کنی.

با تنظیم و برنامه ریزی درست و هدر ندادن فرصت ها، می توان نهایت استفاده را از زمان لازم برد. اگر کار در نظر گرفته شده کمی کمتر از زمان پیش بینی شده به پایان رسد، شخص با بحران روحی و اضطراب روبه رو نمی شود.

تقسیم کارها و واگذار کردن قسمتی از مسئولیت ها به دیگران هم می تواند یکی از شیوه های استفاده بهینه از فرصت ها باشد. کسانی که به هر دلیلی کارها را تقسیم نمی کنند و خود، مسئولیت انجام همه کارها را به عهده می گیرند یا در هر کاری دخالت می کنند، همیشه با کمبود وقت روبه رو می شوند.

اولویت بندی در کارها و تقسیم کار

اولویت بندی در کارها و تقسیم کار

هنگام تراکم کارها، پرستار باید کارها را اولویت بندی کند؛ یعنی ابتدا کارهای مهم تر را انجام دهد و کارهای کم اهمیت را به فرصت های بعدی واگذارد. اولویت بندی نکردن کارها سبب می شود پرستار در میان تراکم کارها متحیر بماند و آن گونه که شایسته است، به انجام مسئولیت های خویش همت نگمارد. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِّ ضَيَّعَ الْأَهْمَّ (۱)

آن که خود را به چیز غیر مهم مشغول دارد، کار مهم تر را از دست می دهد.

همکاری میان پرستاران نیز باعث سرعت و دقت در کار و آسان شدن کارها می شود. امام صادق علیه السلام در تشبیهی زیبا همکاری میان برادران دینی را به همکاری یک پیکر تشبیه کرده است که در غم و شادی یکدیگر شریکند و همه اعضا در یک هدف مشترک با یکدیگر همکاری تنگاتنگ دارند. (۲) پیامبر گرامی اسلام نیز در تشبیهی گویاتر می فرماید:

مَثَلُ الْأَخَوَيْنِ مَثَلُ يَدَيْنِ يَغْسِلُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى (۳)

ص: ۶۲

۱- همان، فصل ۷۷، ح ۹۵۲.

۲- الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶.

۳- محسن فیض کاشانی، المحججه البیضاء، ج ۳، ص ۳۱۹.

مثل دو برادر ایمانی همانند آن دست است که یکی، دیگری را می شوید.

همیاری و صمیمیت در محیط کار و بیرون از آن، سبب می شود محیطی باصفا، سالم و پر از مهر به وجود آورد که در آن پیش از اینکه آدمی به آسایش و استراحت توجه کند، در پی خیررسانی و فراهم آوردن تسهیلات برای برادران و خواهران دینی خود است.

بهینه سازی کار

بهینه سازی کار

در گهرگفته های معصومان، پاداش بی شماری برای کار و تلاش بیان شده و از آن به عنوان پیشه پیامبران، جهاد در راه خدا و عبادت الهی یاد گشته است. شخصیت انسان از مجموعه کارها و عملکردهای او مشخص می شود. امام علی علیه السلام در سخنی زیبا، کار و تلاش را میوه عمر آدمی می شمارد و می فرماید:

درباره انسان، چه کسی راست گوتر از خود او و چه گواهی بهتر از کردار اوست. آدمی جز به کردارش شناخته نمی شود، همان گونه که درخت ناشناخته جز هنگام میوه آوردن شناخته نمی شود. پس میوه ها بر ریشه ها دلالت دارد و ارزش های والا صاحب خود را می شناساند. از همین جاست که انسان بزرگوار و با فرهنگ بزرگ داشته می شود و انسان فرومایه و پست رسوا می گردد. (۱)

عمل پرستار به وظیفه اش، ارزش حیاتی برای بیمار دارد. در سایه تلاش مخلصانه پرستار، بیمار جامه سلامت را سریع تر بر تن می کند.

اسلام به کار و تلاش اهمیت بسیاری می دهد و از مسلمانان خواسته است که با زبان کردار، مردم را به کار یا اندیشه ای دعوت کنند. خداوند می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ. كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ. (صف: ۲-۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا چیزی می گوئید که خود به آن عمل نمی کنید؟ نزد خدا بسیار زشت است که چیزی بگوئید، ولی به آن عمل نکنید.

ص: ۶۳

امام کاظم علیه السلام در بیان معیاری برای شناخت انسان پرتلاش از کم کار می فرماید:

یا هِشامُ: الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ وَالْمُنَافِقُ كَثِيرُ الْكَلَامِ قَلِيلُ الْعَمَلِ. (۱)

ای هشام! شأن مؤمن، اندک سخن گفتن و بیشتر عمل کردن است و علامت منافق، بسیار سخن گفتن و اندک کار کردن است.

حضرت علی علیه السلام نیز در توصیف انسان های خیال پرداز و کم کار، معیارهای دیگری را مشخص کرده است:

ثُمَّ يُبَالِغُ فِي الْمَسْأَلَةِ يَنْسَأُلُ وَيَقْصُرُهُ فِي الْعَمَلِ، فَهُوَ بِالْقَوْلِ مُدِلٌّ وَمِنَ الْعَمَلِ مُقِلٌّ يَرْجُوا نَفْعَ عَمَلٍ مَا لَمْ يَعْمَلْهُ. (۲)

هنگام درخواست چیزی بسی اصرار ورزند و هنگام عمل، کوتاهی می کنند. در گفتار چابکند و در کردار، تنبل. همواره امید بهره برداری از عملی ناکرده دارند.

بی شک، معیارها و اوصاف مثبتی که امام کاظم و امام علی علیهما السلام بر شمرده اند، در پرستاران پرتلاش وجود دارد و صبوری، پرکاری، رعایت حال بیماران، ایثارگری و وجدان کاری آنان، گویای این مدعاست.

نکته مهم این است، آنچه به کار انسان ارزش و کرامت می بخشد و آن را ثمربخش، نیکو و باارزش می کند، کیفیت انجام کار است. امام علی علیه السلام در این مورد می فرماید: «الناس ابناء ما يحسنون؛ مردمان، فرزندان کاری هستند که آن را خوب انجام می دهند». (۳)

ص: ۶۴

۱- تحف العقول عن آل رسول، ص ۲۹۳.

۲- همان، ص ۱۱۰.

۳- مفید، الارشاد، ص ۲۹۰.

پرستار چون فرشته ای سپیدپوش با خوش رفتاری می تواند به بهبودی سریع تر بیماران کمک کند و به درستی به این سفارش امام صادق علیه السلام عمل پوشاند که:

تَلَيْنُ جَانِبَكَ وَ تُطَيِّبُ كَلَامَكَ وَ تَلْقَى أَخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ. (۱)

حسن خلق آن است که برخوردت را نرم کنی و سخنت را پاکیزه سازی و برادرت را با خوش رویی دیدار کنی.

دین اسلام همواره پیروان خود را به نرم خوئی و ملایمت در رفتار با دیگران دعوت می کند و آنان را از درستی و تندخویی باز می دارد. قرآن کریم در ستایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ به درستی که تو به اخلاق پسندیده و بزرگی آراسته شده ای». (قلم: ۴)

حسن خلق و گشاده رویی در جلب محبت دیگران بسیار موثر است. از این رو، خدای مهربان هم پیامبران و سفیران خویش را از بین انسان های مهربان و نرم خو برگزیده است. این مردان بزرگ برای دست یابی به اهداف الهی با حسن خلق و شرح صدر و گشاده رویی با مردم روبه رو می شدند. به گونه ای که نه تنها هر انسان حقیقت جوئی را شیفته خود می ساختند و او را از زلال هدایت سیراب می ساختند، بلکه گاهی دشمنان را نیز شرمنده و دگرگون می کردند.

قرآن کریم، این فرصت گران بهای اخلاقی را عنایتی بزرگ از سوی خداوند برای پیامبر برشمرده است و می فرماید:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنَّفُضُوا مِنْ حَوْلِكَ. (آل عمران: ۱۵۹)

در پرتو رحمت و لطف خدا با آنان مهربان و نرم خو شده ای و اگر خشن و سنگ دل بودی، از گردت پراکنده می شدند.

پیامبر گرامی اسلام، همگان را به خوش خلقی سفارش کرده و آن را شرط ورد به

أَكْثَرُ مَا تَلْجُ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ. (۱)

بیشترین امتیازی که امت من به سبب داشتن آن به بهشت می روند، تقوای الهی و حسن خلق است.

بنابراین، پرستاران با پیروی از اسوه اخلاق و به کارگیری دستوره‌های نورانی ایشان، رابطه صمیمانه‌ای با بیماران ایجاد می کنند. چه بسیار پرستارانی که با اخلاق نیک خود، بیماران را از چشمه محبت خویش سیراب می کنند و پایه های دوستی و مهربانی را پایدار می سازند. وعده این ثبات و پایداری در روابط دوستانه، در سخن پیامبر اسلام به خوبی ترسیم شده است:

«حُسْنُ الْخُلُقِ يُثَبِّتُ الْمَوَدَّةَ؛ خوش خوئی دوستی را پایدار می کند». (۲)

در سایه سار خوش اخلاقی پرستار، ناراحتی ها و نکوهش های بیماران که گاهی از روی اختیار هم صورت نمی گیرد، به مهر و محبت تبدیل می شود. پرستار با گشاده رویی، بهتر می تواند با ناملایمات روبه رو شود. اگر پرستار هم مانند بیمار، تحمل نداشته باشد، لحظه های ناآرامی برای هر دو و مجموعه پزشکی پدید خواهد آمد. امام علی علیه السلام درباره تأثیر حسن خلق بر تعادل روحی آدمی و هموارسازی مسیر زندگی می فرماید:

مَنْ حَسَنَ خُلُقَهُ سَهَّلَتْ لَهُ طُرُقَهُ. (۳)

هر کس خلقش نیکو شد، راه های زندگی برایش هموار می گردد.

خوش رفتاری علاوه بر گشایش دنیوی، پاداش اخروی نیز به همراه دارد. پیامبر اسلام به آن وعده داده است و می فرماید:

إِنَّ الْعَبْدَ لَيَبْلُغُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ عَظِيمَ دَرَجَاتٍ الْآخِرَةِ وَ أَشْرَفَ الْمَنَازِلَ وَ إِنَّهُ ضَعِيفٌ

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۰.

۲- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۵.

۳- شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۵۵۸.

بنده در سایه خوش خلقی خود به درجه های بزرگ و مقام های والایی در آخرت می رسد، با آنکه عبادتش ضعیف است.

آثار خوش خلقی به همین جا ختم نمی شود، بلکه گشایش و فزونی روزی هم در گرو اخلاق نیکو و پسندیده است. کسانی که الگوی رفتاری خود را با گشاده رویی و خوش خلقی سامان می دهند، گنجینه های روزی و برکت به رویشان گشاده می شود. علی علیه السلامی فرماید:

فِي سَعَةِ الْأَخْلَاقِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ (۲)

گنجینه های روزی در نرم خوئی و گشاده رویی است.

حفظ آبروی دیگران

حفظ آبروی دیگران

کرامت و شرافت آدمی سبب شده است که وی گل سرسبد آفرینش و جانشین خداوند در زمین باشد و فرشتگان به امر خدا در برابرش سجده کرده اند. بنابراین، پوشاندن کاستی ها و زشتی های مسلمان بسیار مهم است. خدای بزرگ با اینکه از پنهان و آشکار بشر آگاه است، ولی عیب های او را برملا نمی سازد. پس چگونه انسانی که خود از کاستی و عیب خالی نیست، می تواند به جست و جوی عیب دیگران پردازد؟ شایسته نیست که آدمی به سبک کردن، تحقیر، تمسخر و برجسته کردن کاستی های دیگران پردازد. هر مسلمانی وظیفه دارد به اندازه توان خویش آبروی دیگران را حفظ کند. پرستاران که به طور طبیعی از بعضی مسائل خصوصی بیماران آگاه می شوند، به حفظ این آبرومندی سزاوارترند.

گفته اند مردی در حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله از کسی بدگویی کرد و فرد دیگری در مقام دفاع از وی برآمد. حضرت فرمود:

مَنْ رَدَّ عَنْ عَرَضِ أَخِيهِ كَانَ لَهُ حِجَابًا مِنَ النَّارِ (۳)

ص: ۶۷

۱- محجه البيضاء، ج ۵، ص ۹۳.

۲- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۵۳.

۳- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۰۷.

کسی که جلوی آبروریزی برادر مؤمنش را بگیرد، از آتش دوزخ در امان است.

احترام به بیماران

احترام به بیماران

احترام به دیگران ممکن است گاهی در مقام گفتار باشد که با سخنان نیک و سنجیده انجام می شود، چنان که خداوند در قرآن مجید می فرماید:

وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا. (بقره: ۸۳)

با مردم به خوبی سخن بگویید.

قرآن بر کریمانه بودن گفتار تأکید می کند:

وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا. (اسراء: ۲۳)

با لحنی لطیف و بزرگوارانه با آنها سخن بگو.

اسلام، سخن نیک و شایسته را نوعی برآوردن نیاز عاطفی افراد می شمارد و به پیروان خویش سفارش می کند در صورت روبه رو شدن با نیازمندان، اگر نمی توانید نیازشان را برآورده کنید، دست کم با زبان خوش با آنان سخن بگویید:

فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا. (اسراء: ۲۸)

با آنان سخن نیک همراه با احترام داشته باش.

بیماران در شرایط روحی و روانی حساسی به سر می برند و انتظار دارند با سخنان آرام بخش پرستاران تسلی یابند. این احترام در کردار پرستاران و پاسخ گفتن به درخواست بیماران شکل می گیرد. برای مثال، اگر بیماران دعوت به هم نشینی کردند، باید پذیرفت؛ زیرا در غیر آن صورت، بیماران تصور می کنند نپذیرفتن این درخواست به دلیل دوری کردن از آنهاست. به همین دلیل، این سخن رسول گرامی را باید در دستور کار خویش قرار دهیم که فرموده است:

مَنْ مَكَرَمَهُ الرَّجُلُ لِأَخِيهِ أَنْ يَقْبَلَ تَحَفَّتَهُ وَ أَنْ يَتَّحِفَهُ بِمَا عِنْدَهُ ... (۱)

ص: ۶۸

از بزرگداشت برادر دینی این است که هدیه اش را بپذیرد و از آنچه دارد، نسبت به او دریغ نکند.

سیره عملی آن حضرت نیز روش هایی دیگر از احترام را می آموزد. هنگامی که برادران دینی بر آن بزرگوار وارد می شدند، به احترام آنها از جا برمی خاست؛ برای آنان جا باز می کرد و زیرانداز پهن می کرد. گاهی هم عبای خود را از دوش می کشید و برای دیگران می انداخت. برای تکیه دادن ایشان، بالش فراهم می ساخت و اگر برادر دینی اش از راه دور می آمد، چند قدمی به استقبالش می رفت و او را ارج می نهاد. (۱) این رفتار کریمانه می تواند الگو و سرمشق نیکویی برای تمامی پرستاران مسلمان و آزاده باشد.

سلام و احوال پرسی با بیمار

سلام و احوال پرسی با بیمار

هر ملتی که از تمدن و فرهنگی اصیل و ریشه دار برخوردار است، در برخورد های اجتماعی خود شعار های خاصی دارد. از آموزه های دینی برمی آید که «سلام»، درود ویژه و شعار شریعت اسلامی است. پیامبر اسلام نیز در سیره عملی خود، مروج این رفتار پسندیده و انسانی بود و در سلام کردن بر دیگران پیشی می گرفت. بجاست که پرستاران نیز این شعار اسلامی را پاس دارند و هنگام دیدار با بیماران با سلامی آرام بخش و شادی آفرین، آنها را شاد سازند و بدین ترتیب روابط دوستانه خود را تحکیم بخشند. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

إِذَا تَلَّاقْتُمْ فَتَلَّاقُوا بِالسَّلَامِ. (۲)

هنگام ملاقات، با سلام گفتن، همدیگر را دیدار کنید.

سلام کردن در فرهنگ اسلامی از نشانه های فروتنی است. سلام دهنده، خود را بالاتر از دیگران نمی بیند و با صفا و صمیمیت با دیگران روبه رو می شود. امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۶۹

۱- همان، ج ۱۶، ص ۲۳۵؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۵۹.

۲- همان، ج ۷۶، ص ۵.

مِنَ التَّوَاضُّعِ أَنْ تَسْلِمَ عَلَى مَنْ لَقِيتَ. (۱)

از نشانه های فروتنی این است که با هر کس دیدار کردی، به او سلام کنی.

سلام با ایجاد ارتباط دوستانه و پرمهر، پیوند محبت میان پرستار و بیمار ایجاد می کند. امام حسین علیه السلام در اهمیت سلام کردن می فرماید:

لِسَلَامٍ سَبْعُونَ حَسَنَةً تَشْعُ وَ سِتُونَ لِلْمُتَّبِدِي ۚ وَ وَاحِدَةٌ لِلزَّادِ. (۲)

سلام کردن هفتاد حسنه دارد که شصت و نه تا برای سلام کننده و یکی برای پاسخ دهنده آن است.

امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

أَلْبَادِي بِالسَّلَامِ أَوْلَى بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ. (۳)

شروع کننده سلام به خدا و رسولش نزدیک تر است.

هر چند سلام کننده با آغاز سلام، بیشترین ثواب را به خود اختصاص می دهد، ولی طرف مقابل نیز باید با رعایت ادب، پاسخ او را بگوید. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّهِ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا. (نساء: ۸۶)

هر گاه کسی به شما سلام کرد، پاسخی نیکوتر دهید یا همان تحیت را به وی برگردانید.

پرستار نباید در سلام کردن میان افراد ثروتمند و فقیر تفاوت بگذارد. امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید:

مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسَلِّمًا عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْعَنِيِّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ

ص: ۷۰

۱- همان، ص ۳.

۲- همان، ج ۷۸، ص ۱۲۱.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۴۵.

هر کس با مسلمان تنگ دستی روبه رو شود و به او به گونه ای سلام کند که با سلام کردن بر دارا تفاوت داشته باشد، روز قیامت که به دیدار خدا می رود، خدا از او خشمگین است.

گاهی سلام کردن به قدری همراه با احترام و بزرگداشت است که بیشتر به ریا و چاپلوسی شباهت دارد. سلامی که بدون خواست قلبی و فقط برای احترام ظاهری باشد، نوعی نفاق است. امیرمؤمنان علی علیه السلامی فرماید:

لَا تُبْلَغُ فِي سَلَامِكَ عَلَى الْأَخْوَانِ حَدَّ النِّفَاقِ وَلَا تَقْصُرْهُمْ عَنْ دَرَجَةِ الْأَسْتِحْقَاقِ. (۲)

در سلام کردن به برادران، نه در حد نفاق مبالغه کن و نه آنان را از درجه شایستگی پایین آور.

نیکو سخن گفتن

نیکو سخن گفتن

از جمله نعمت های گران قدری که آفریدگار جهان به انسان عطا کرده و مایه اصلی آن را با سرشت بشر در آمیخته، قدرت بیان است. انسان با قدرت بیان، درون خود را آشکار می سازد. سخن به منزله پلی است که مغزهای جدا از هم را به یکدیگر پیوند می زند. گاهی یک سخن زیبا و متین، در تصمیم گیری انسان و تغییر حالت روحی او بسیار مؤثر است. روشن است که این نعمت ارزشمند به همان اندازه که در ترقی و کمال آدمی مؤثر است، اگر به خوبی کنترل نشود، سبب تنزل او خواهد شد. از علی علیه السلام پرسیدند: زیباترین مخلوق خدا کدام است؟ فرمود: سخن. گفتند: زشت ترین آنها کدام است؟ باز هم فرمود: سخن. سپس فرمود:

بِالْكَلَامِ اَبْيَضَتِ الْوُجُوهُ وَ بِالْكَلَامِ اسْوَدَّتِ الْوُجُوهُ. (۳)

چهره ها با سخن، سفید می شوند و با سخن، سیاه می گردند.

ص: ۷۱

۱- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۸.

۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۱۵.

۳- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۵۵.

قرآن کریم به سخن زیبا و نیکو ارزش زیادی می دهد و با بیانی سرشار از لطف و صمیمیت، از بندگان خدا خواسته است تا سخن خود را به برترین صورت بر زبان آورند:

قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. (اسراء: ۵۳)

به بندگانم بگو برترین سخن را بگویند.

در مجموع باید گفت سخن خوش و پسندیده که موجب خشنودی شنونده می شود، سخنی است که انسان دوست دارد دیگران مانند آن سخن را به او بگویند.

سلیمان بن مهران می گوید: روزی حضرت صادق علیه السلام به تعدادی از پیروان خود که نزد ایشان حاضر بودند، فرمود:

مَعَاشِرَ الشَّيْعَةِ كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ احْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ عَنِ الْفُضُولِ وَ قَبِيحِ الْقَوْلِ. (۱)

ای گروه شیعه! (بکوشید تا) زینت ما باشید و (مایه) عیب و عار ما نباشید؛ با مردم نیکو سخن بگویید؛ زبان هایتان را نگه دارید و آن را از پرگویی و سخن زشت باز دارید.

با توجه به آموزه های روایی، شایسته است پرستاران هنگام سخن گفتن، ادب را رعایت کنند و به گونه ای حرف بزنند که در سخن آنها به شخصیت بیماران اهانتی نشود. آنها باید مقصود خود را در نهایت احترام و فروتنی بیان و متناسب با منزلت بیماران با آنان برخورد کنند.

از عباس عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدند: شما بزرگ ترید یا رسول خدا صلی الله علیه و آله؟ عباس که سنش از پیامبر بیشتر بود، در پاسخ گفت: رسول خدا بزرگ تر است، ولی من پیش از ایشان متولد شده ام. (۲) این واقعه تاریخی الگوی رفتاری خوبی در این زمینه است.

ص: ۷۲

۱- همان، ج ۷۱، ص ۳۱۰.

۲- ابن عبدویه، عقد الفرید، ج ۲، ص ۲۶۲.

نیکو سخن گفتن، از ارزش های پسندیده و زیبای انسانی است. قرآن کریم، انسان را دعوت می کند که در هر گفت و شنودی، نیکو سخنی و عفت کلام را رعایت کند:

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ. (بقره: ۲۶۳)

گفتار پسندیده و بخشش، بهتر از صدقه ای است که به دنبال آن آزار باشد و خداوند، بی نیاز و بردبار است.

منظور از قول معروف، سخن زیبایی است که در آن هیچ اثری از زشتی نباشد. انسان وظیفه دارد نیازهای دیگران را با کلامی زیبا پاسخ دهد و اگر نمی تواند نیاز او را برآورده سازد، در حقیقت دعا کند و او را با وعده های نیک بدرقه کند. وقتی پرستار از برآوردن حاجت بیماران، ناتوان است یا امکانات رسیدگی به بیمار وجود ندارد، باید با سخنان زیبا و آرام بخش خود، او را امیدوار سازد، به گونه ای که با خوشحالی و رضایت از نزدش بروند.

گفتار نیک، گفتاری است که لبریز از ادب و خالی از خشونت و دشنام باشد. رسول گرامی اسلام می فرماید:

مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمِ بِكَلِمَةٍ لَطِيفَةٍ بِهَا وَ مَرَجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ لَمْ يَزَلْ فِي ظِلِّ اللَّهِ الْمَمْدُودِ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ مَا كَانَ فِي ذَلِكَ. (۱)

هر کس برادر مسلمانش را با سخن محبت آمیز احترام کند و گرفتاری اش را برطرف سازد، تا زمانی که در حال انجام این کار نیک باشد، زیر سایه رحمت بی پایان خدا قرار دارد.

ص: ۷۳

بیماران انتظار دارند پرستاران با لبخند و چهره گشاده با آنان روبه رو شوند. شایسته است پرستاران، غم ها و ناراحتی های خود را در دل پنهان کنند و با چهره گشاده و لبخند دل نشین با آنان روبه رو شوند. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ. (۱)

شادی مؤمن در رخسار و اندوهش در دل او پنهان است.

ایشان در سفارش دیگری در مورد برخورد با مردم می فرماید:

فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ. (۲)

برای مردم بال را فرود آور و پهلویت را نرم و چهره ات را برای آنان گشاده گردان.

خوش رویی، دل ها را جذاب و مهر و محبت را دوجانبه می سازد. امام باقر علیه السلام می فرماید:

صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ وَ حُسْنُ الْبَشْرِ يَكْسِبَانِ الْمَحَبَّةَ وَ يُدْخِلَانِ الْجَنَّةَ وَ الْبُخْلُ وَ عُيُوسُ الْوَجْهِ يُبْعِدَانِ مِنَ اللَّهِ وَ يَدْخِلَانِ النَّارَ. (۳)

نیکی به مردم و گشاده رویی، باعث کسب محبت و داخل شدن در بهشت است. بخل و چهره عبوس و گرفتگی چهره باعث دوری از خدا و داخل شدن در آتش دوزخ است.

حسن برخورد و گشاده رویی، آینه ای است که کرامت نفس و بلندی همت و بزرگی روح انسان را نشان می دهد. امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۲۵.

۲- همان، نامه ۵۳.

۳- الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۱۰۳.

بِشْرِكٍ يَدُلُّ عَلَى كَرَمِ نَفْسِكَ. (۱)

گشاده رویی تو نشانه کرامت و بزرگواری توست.

از سوی دیگر، گشاده رویی سبب می شود خداوند با فضل و کرمش، گناهان او را ببخشد و وی را وارد بهشت کند. امام صادق علیه السلامی فرماید:

سه چیز است که اگر کسی با یکی از آنان در پیشگاه الهی قرار گیرد، خداوند، بهشت را بر او واجب می کند: انفاق به هنگام فقر و تنگ دستی، گشاده رویی با همه مردم و انصاف با مردم. (۲)

نرم خویی و سازگاری با بیماران

نرم خویی و سازگاری با بیماران

نرم خویی و سازگاری با بندگان خدا و تحمل درشتی ها و بدرفتاری های آنان، رفتاری بس ارجمند است. به فرموده امام باقر علیه السلام، خداوند بندگان سازگار و نرم خو را دوست دارد:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ وَيُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنْفِ. (۳)

خدای عزوجل مهربان است و مهربانی را دوست دارد و به رفتاری که با مهربانی همراه باشد، پاداش عنایت می کند، در حالی که خشونت و سخت گیری پاداشی ندارد.

پیامبر گرامی اسلام در ترسیم چهره زیبای نرم خویی و سازگاری، تشبیه دل نشینی دارد:

لَوْ كَانَ الرَّفْقُ خَلْقًا يُرَى مَا مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ شَيْءٌ أَحْسَنَ مِنْهُ. (۴)

اگر مهربانی با مردم به چهره مخلوقی مجسم می شد، در میان مخلوقات خدا از او نیکوتر و زیباتر نبود.

ص: ۷۵

۱- غرر الحکم و دررالکلم، ج ۱، فصل ۲۱، ص ۳۰۸.

۲- الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۱۰.

۳- همان، ص ۱۱۸.

۴- همان، ص ۱۲۰.

مدارا با بیماران از جمله رفتارهای نیک پرستاران است که دل‌ها را نرم می‌کند و به سوی خود می‌کشاند. مدارا سبب می‌شود بیمار و پرستار تلخ‌گام نشوند و از زمانی که در کنار هم هستند، خاطره‌های خوشی داشته باشند و بعدها هم این ارتباط دوستانه استمرار یابد. اگر پرستار نرم‌خو باشد، بیماران به راحتی مشکلات خود را با او در میان می‌گذارند و در کنار او احساس آرامش می‌کنند. پرستار باید بداند که نرم‌خویی از صفات پیامبر است. قرآن مجید به این امر اشاره دارد:

یکی از دلایل‌هایی که مردم گرد تو جمع شده‌اند و برای مردم جاذبه‌داری و در دل آنان نفوذ کرده‌ای، نرم‌خویی توست و اگر خشن و سنگ‌دل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. (آل عمران: ۱۵۹)

از سوی دیگر، مدارا و مهربانی سبب برکت است. چنان‌که پیامبر اسلام فرمود:

إِنَّ فِي الرَّفْقِ الزِّيَادَةَ وَ الْبَرَكَهَ وَ مَنْ يُحْرَمِ الرَّفْقَ يُحْرَمِ الْخَيْرَ. (۱)

در مهربانی زیاده و برکت است و هر کس از مهربانی و نرم‌خویی محروم شد، از خیر محروم شده است.

مدارا نه تنها سبب آرامش در بیماران می‌شود، بلکه این صبر و بردباری به پرستاران آرامش می‌دهد و سبب می‌شود با نشاط و شادابی، امور زندگی بیرون از محیط کار خود را نیز سامان بخشند. امام صادق علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ؛ نرم‌خویی و مهربانی با مردم نصف زندگی است.» (۲) و چه سخنی زیباتر از کلام امام علی علیه السلام برای پرستاران دین‌دار که:

ناآگاهی‌ها و برخوردهای تند و ناتوانی بیماران را در سخن گفتن تحمل کن و از هر سخت‌گیری و خشونت‌نسیبت به آنان مانع شو تا در برابر آن، خداوند

ص: ۷۶

۱- همان، ص ۱۱۹.

۲- همان، ج ۲، ص ۱۱۷.

آغوش رحمت به رویت گشاید و تو را مستوجب ثواب طاعت خویش سازد. آنچه عطا می کنی، با روی باز و آنچه دریغ می ورزی، با نیک خوبی و پوزش خواهی باشد. (۱)

فروتنی

فروتنی

فروتنی، صفتی ارجمند است که از فطرت پاک سرچشمه می گیرد. کسی که در دام خودبرتربینی گرفتار است، هنگام رفتار با بیماران به آنان بی اعتنایی می کند و هنگام راه رفتن با غرور گام برمی دارد. قرآن کریم می فرماید:

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ. (لقمان: ۱۸)

با بی اعتنایی از مردم روی مگردان و با غرور در زمین راه نرو؛ که خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد.

از سوی دیگر، خداوند رحمان، صفات بندگان خالص را چنین می شمارد:

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا. (فرقان: ۶۳)

بندگان خالص خدای مهربان، کسانی هستند که آرام و بی تکبر بر زمین راه می روند و آن گاه که جاهلان آنان را مخاطب سازند، به آنان سلام می کنند.

بعضی از افراد می پندارند فروتنی از مقام و منزلت آنان می کاهد، در حالی که تواضع، نه تنها چنین نتیجه ای ندارد، بلکه سبب بلندی مقام و منزلت آدمی می شود. پیامبر گرامی اسلام به خوبی به این امر اشاره می فرماید:

إِنَّ التَّوَّاضِعَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رِفْعَةً فَتَوَاضَعُوا يَرْفَعُكُمُ اللَّهُ. (۲)

فروتنی، وسیله سربلندی و رفعت مقام است. پس فروتن باشید تا خداوند متعال، مقام شما را بلند گرداند.

ص: ۷۷

۱- ۵. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۱۲۱.

انسان های فروتن را همگان دوست دارند و برایشان ارزش و احترام قایلند. حضرت علی علیه السلام فرمود:

تَمَرَةُ التَّوَّاضِعِ الْمَحَبَّةُ وَ تَمَرَةُ الْكِبَرِ الْمَسَبَّةُ. (۱)

نتیجه فروتنی، محبت است و نتیجه گردن کشی، دشنام.

بنابراین، پرستار فروتن از محبوبیت خاصی بین بیماران و افراد جامعه برخوردار است. آنان جامه سپید خود را که ارمغان سلامت است، به زینت بزرگی و فروتنی می آریند و وقار و متانت خود را با فروتنی همراه می کنند. چنان که حضرت علی علیه السلام می فرماید: «التَّوَّاضِعُ يَكْسُوكَ الْمَهَابَةَ؛ فروتنی، جامه بزرگواری و وقار بر تن تو می کند». (۲)

فروتنی، نعمتی است که سربلندی و ارجمندی را به انسان هدیه می کند. فروتنی از هر کسی شایسته است و از پرستاران شایسته تر؛ زیرا آنان با انسان های دردمند و درمانده ای روبه رو هستند که خاکساری در برابر آنان مایه امید و دلگرمی شان می شود. فروتنی با خصلت های نیکی چون خوش رفتاری، احترام و ادب، خوش گویی، سلام و مانند آن همراه است که نشانه های کرامت و بزرگی انسان به شمار می رود. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «التَّوَّاضِعُ يَكْسُوكَ الْمَهَابَةَ؛ فروتنی، فضیلت را می گستراند و تکبر، پستی را آشکار می سازد». (۳)

ص: ۷۸

۱- غرر الحکم و درر الکلم، فصل ۲۳، ح ۲۷ و ۲۸.

۲- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۸۷.

۳- کنز العمال، ح ۵۷۲۲.

از نگاه قرآن و معصومان علیهم السلام، نیکی و خدمت به دیگران در صورتی ارزشمند و ثمربخش است که برای کسب رضای الهی و بدون هیچ چشم داشت دنیایی انجام گیرد. اگر خدمت به بیماران همراه با منت و خودنمایی باشد، بی نتیجه و بی ارزش است. خداوند این حقیقت را در کمک مالی به نیازمند با مثال جالبی چنین بیان می فرماید:

داستان کسی که بخشش هایش را با منت و آزار و خودنمایی باطل می کند، همچون قطعه سنگ صافی است که بر آن قشر نازکی از خاک باشد و بذرهایی در آن افشانده شود و رگبار شدیدی به آن برساند و همه خاک ها و بذرها را بشوید و آن را صاف و خالی از خاک و بذرها کند. (بقره: ۲۶۴)

از نگاه معصومان علیهم السلام، نیازمندی های مردم، رحمت الهی است که به سراغ انسان می آید. اسماعیل بن عمار می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! آیا مؤمن برای مؤمن رحمت است؟ فرمود: آری. گفتم: چگونه؟ فرمود:

أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَتَى أَخَاهُ فِي حَاجَةٍ فَإِنَّمَا ذَلِكَ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ سَاقَهَا إِلَيْهِ وَ سَبَّبَهَا لَهُ فَإِن قَضَى حَاجَتَهُ كَانَ قَدْ قَبِلَ الرَّحْمَةَ بِقَبُولِهَا وَإِن رَدَّ عَنْ حَاجَتِهِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى قَضَائِهَا فَإِنَّمَا رَدٌّ عَنْ نَفْسِهِ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (۱)

چون مؤمن حاجتی نزد برادر خود ببرد، رحمتی الهی را سبب شده و به سوی او کشانده است. اگر او حاجت را برآورد، رحمت را پذیرفته و اگر رد کرد، در حالی که بر قبول آن توانا بود، خود را از رحمت خداوند عزوجل محروم کرده است.

بنابراین، پرستاران در حقیقت در برابر وزش نسیم رحمت الهی قرار گرفته اند. آنان با کارگشایی و رسیدگی به بیماران می توانند پذیرای این رحمت باشند و از بالاترین پاداش و نعمت الهی برخوردار شوند. خداوند در قرآن کریم فرموده است:

داستان کسانی که در بخشش هایشان، خشنودی خدا و استواری روح خویش را می خواهند، همچون باغی است در مکانی بلند که باران های درشت به آن رسد و میوه دوچندان دهد و اگر باران نبارد، باران های ریز و شبنم بر آن می بارد. خداوند به آنچه می کنید، بیناست. (بقره: ۲۶۵)

از آنچه یاد شد، درمی یابیم که خدمت به دیگران باید تنها برای خدا و در راه او باشد و از نشانه های اخلاص، خدمت بی منت و بدون چشم داشت به بندگان خداست؛ زیرا منت، خدمت را بی بها یا کم ارزش می کند.

عیب پوشی

عیب پوشی

هنگام برخورد با عیب های دیگران، باید به گونه ای رفتار کرد که هم کاستی ها اصلاح شود و هم به آبروی مردم آسیبی وارد نشود. پرستاران می توانند به راحتی از عیب های جسمی و روحی بیماران آگاه شوند. چه بسا بیماران با آنس و الفت با پرستاران، او را برادر یا خواهر خویش می شمارند و سفره دل خویش را می گشایند. در این حال، پرستار مسلمان با تکیه بر آموزه های دینی، خوشه چین صفات نیک بیمار می شود و عیب های او را نادیده می انگارد و برای دیگران بازگو نمی کند؛ زیرا قلب او صندوقچه اسرار بیماران است. او پیش از اینکه بر سفره دل بیماران بنشیند، بر سفره پیامبر گرامی اسلام نشسته است و از آموزه زیبای آن بهره می گیرد. پیامبر رحمت فرمود:

مَثَلُ الَّذِي يَجْلِسُ فَيَسْمَعُ الْحِكْمَةَ مِنْ غَيْرِهِ وَلَا يَحْدِثُ إِلَّا بَشْرًا مَا سَمِعَ مَثَلُ رَجُلٍ أَتَى رَاعِيًا فَقَالَ أَعْطِنِي شَاةً مِنْ غَنَمِكَ فَقَالَ
أَذْهَبُ فَخُذْ خَيْرَهَا فَجَاءَ فَأَخَذَ بِأُذُنِ الْكَلْبِ الَّذِي مَعَ الْغَنَمِ. (۱)

داستان کسی که در مجلسی می نشیند، از دیگران سخنان حکیمانه می شنود و در ضمن، کلمه بدی هم به گوشش می رسد، وقتی از آن مجلس خارج می شود، تنها همان سخن بد را بازگو می کند، مانند مردی است که از صاحب گله ای، گوسفندی بخواهد و او بگوید برو بهترین گوسفند را بگیر.

ص: ۸۰

درخواست کننده بیاید گوش سگی را که همراه گوسفندان است، بگیرد.

از روایات برمی آید کسانی که به این رفتار زشت، خو گرفته اند، خودشان یک یا چند عیب دیگر در رفتار خویش دارند و می خواهند با افشای عیب های دیگران و تحقیر آنان، عیب های خود را بپوشانند. امام علی علیه السلامی فرماید:

دَوُّ الْعُيُوبِ يُجِبُّونَ إِشَاعَهُ مَعَائِبِ النَّاسِ لِيَتَّسِعَ لَهُمُ الْعُذْرُ فِي مَعَايِبِهِمْ. (۱)

کسانی که دارای عیب و کمبودهایی هستند، دوست دارند عیب های مردم را افشا کنند تا راه عذر تراشی برای عیب های خود را توسعه دهند و بتوانند برای عیب های خود عذر تراشی کنند.

همچنین از روایات برمی آید در مقابل انسان های عیب جویی که با افشای عیب های دیگران، آبروی آنان را می ریزند، خداوند نیز کاری می کند که خود آنان در همین دنیا رسوا شوند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ، فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ، تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَ مَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ فَضَحَّهُ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ. (۲)

در جست و جوی عیب ها و لغزش های مؤمنان نباشید؛ زیرا کسی که در جست و جوی عیب های مؤمنان باشد، خداوند هم در جست و جوی عیب های او خواهد بود و کسی که خداوند عیب هایش را جست و جو کند، رسوایش سازد، هر چند داخل خانه اش باشد.

با توجه به آموزه های نورانی قرآن و احادیث، پرستاران ارجمند نباید در جست و جوی عیب های بیماران باشند و اگر عیبی در آنان یافتند، باید پرده پوشی کنند. عیب پوشی پرستاران سبب می شود که خداوند نیز در روز قیامت، عیب های آنان را بپوشاند. به راستی کدام یک از ما دوست نداریم کاستی ها و کمبودهای ما از دیگران پوشیده بماند؟ پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «مَنْ سَتَرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ فِي الدُّنْيَا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ»

ص: ۸۱

۱- تصنیف غرر الحکم و دررالکلم، ص ۴۲۱.

۲- الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۳۵۴.

الْقِيَامَةِ؛ کسی که در دنیا برادر مسلمانش را ببوشاند، خداوند در روز قیامت، عیب او را می پوشاند» (۱). کسی از رسول خدا پرسید: دوست دارم خداوند عیب هایم را ببوشاند. حضرت فرمود: «أَشْتَرُ عُيُوبِ إِخْوَانِكَ يَسْتُرُ اللَّهُ عَلَيْكَ عُيُوبَكَ؛ عیب های برادرانت را ببوشان؛ خداوند عیب هایت را می پوشاند» (۲).

شوخی طبعی

شوخی طبعی

بخش اصلی وجود آدمی، روح اوست و جسم، تنها قالب و مرکبی برای آن است. از این رو، تغذیه و استراحت جسمی به تنهایی برای تجدید قوای از دست رفته کافی نیست. بیمار برای اینکه بتواند بار دیگر در میدان زندگی حضور یابد و فعالیت خویش را از سر گیرد، باید از نظر روحی نیز تقویت شود. عواملی که در محیط بیمارستان می تواند سبب آرامش روانی بیمار شود و قوای تحلیل رفته او را بازسازی کند، فراوان است. خنده و شوخی و شاد کردن بیمار یکی از مهم ترین این راه هاست که سیره پیشوایان معصوم در این زمینه راه گشا و آموزنده خواهد بود.

پیشوایان معصوم، شوخی و مزاح را برای انسان ها، به سان داروی شفابخشی می دانند که مصرف بجا و محدود آن در کاستن نگرانی ها، تقویت پیوند دوستی در جامعه و تسکین دردهای روحی و روانی سودمند و لازم است. امام باقر علیه السلام، کسی را که در حضور دیگران مزاح کند، به شرط آنکه به خاطر آن شوخی مرتکب لغزشی نشود، محبوب خدای متعال دانسته است و می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ بِلا رَفَثٍ (۳).

خداوند کسی را که در میان جمع بدون ناسزاگویی مزاح کند، دوست می دارد.

ص: ۸۲

۱- کنز العمال، ح ۶۳۹۲.

۲- همان، ح ۴۴۱۵۴.

۳- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۶۰.

پیامبر بزرگوار اسلام با اینکه شاخص ترین الگوی فضایل اخلاقی بود، ولی گاه و بی گاه با برخی افراد شوخی های زیبا و نمکین می کرد. ایشان با شوخی هایشان دل مردم را شاد می ساخت و غبار غم و اندوه را از سیمای آنان می زدود. ایشان می فرماید:

إِنِّي لَأَمْزُحُ وَلَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا. (۱)

همانا من شوخی می کنم، ولی چیزی جز حق نمی گویم.

روزی ام ایمن، خدمت پیامبر رسید و عرض کرد: همسرم شما را به خانه دعوت کرده است. آن حضرت فرمود: شوهرت؛ همان که در چشمش سفیدی است؟ زن که متوجه منظور پیامبر نشده بود، عرض کرد: نه به خدا سوگند! در چشم او سفیدی نیست. حضرت فرمود: چرا در چشمش سفیدی است. زن دوباره عرض کرد: نه به خدا سوگند! آن گاه حضرت با تبسم فرمود: عنیبه چشم همه مردم سفید است. (۲)

همچنین نقل شده است روزی آن حضرت، پیرزنی فرتوت را دید که دندان هایش ریخته بود. فرمود: آگاه باشید که پیرزنان بی دندان وارد بهشت نخواهند شد. پیرزن گریان و اندوهگین شد. حضرت که متوجه حال او بود؛ علت گریه اش را پرسید. عرض کرد: ای رسول خدا! من بی دندان هستم. حضرت خندید و فرمود: بله تو با این حال وارد بهشت نخواهی شد، بلکه اول جوان می شوی و دندان هایت می روید و آن گاه به بهشت می روی. (۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله گاهی مطلبی به خردسالان می فرمود و سپس به شوخی می گفت:

لَا تَنْسَ يَا ذَا الْأُذُنَيْنِ. (۴)

ص: ۸۳

۱- همان، ج ۱۶، ص ۲۹۸.

۲- محجه البیضاء، ج ۵، ص ۲۳۴.

۳- بحار الانوار، ۱، ص ۲۹۸.

۴- همان، ص ۲۹۴.

ای صاحب دو گوش! فراموش مکن.

نمونه آخر اینکه، صهیب از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله مدتی به درد چشم دچار شد. روزی حضرت او را در حال خرما خوردن دید. به او فرمود: با آنکه چشمت درد می کند، خرما می خوری؟ صهیب عرض کرد: با آن طرف که درد نمی کند، می خورم! آن حضرت طوری تبسم کرد که دندان هایشان مشاهده می شد. (۱)

باید دقت شود که شوخی تا اندازه ای باشد که اندوه را از بین ببرد، مؤمن را شاد کند، ولی به گناه، زیاده روی، جسارت و سخنان خلاف ادب کشیده نشود. شوخی باید برای شاد کردن بیماران صورت گیرد. بنابراین، اگر شوخی کردن سبب رنجش بیمار شود، یا کسی مورد تمسخر قرار گیرد، ممنوع و نکوهیده است و چه بسا موجب کینه توزی و دشمنی می شود. علی علیه السلام در این باره می فرماید:

لِكُلِّ شَيْءٍ بَدْرٌ وَ بَدْرُ الْعَدَاوَةِ الْمِرَاحُ. (۲)

برای هر چیزی، بذری است و بذر دشمنی، مزاح است.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، این است که شوخی نباید برای پرستار به صورت عادت همیشگی درآید، به گونه ای که همواره دنبال بهانه ای باشد تا به شوخی پردازد. در این صورت، تشخیص شوخی ها و سخنان جدی او بسیار مشکل خواهد شد. در برخی موارد، لازم است برای بهبودی کامل بیمار، به سفارش های پرستاران هر چند برای بیمار ناگوار آید، عمل شود. بنابراین، باید مرز و حریم بین شوخی و جدی حفظ شود. امام علی علیه السلام در حدیثی این نکته را چنین گوشزد می کند:

مَنْ جَعَلَ دَيْدَنَهُ الْهَزْلَ لَمْ يُعْرِفْ جِدَّهُ. (۳)

هر کس شوخی را عادت خود قرار دهد، موضع جدی او (از شوخی هایش)

ص: ۸۴

۱- محجه البیضاء، ج ۵، ص ۲۳۴.

۲- شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۲۴.

۳- همان، ص ۲۲۷.

شناخته نمی شود.

آراستگی ظاهر

آراستگی ظاهر

انسان به اقتضای فطرت خود، جویای پاکیزگی، زیبایی و آراستگی است و از ژولیدگی و آشفتگی پرهیز می کند. از این رو، شایسته است همه مردم به ویژه پرستاران هنگام برخورد با بیماران، با ظاهری آراسته به انجام وظیفه پردازند.

در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که هرگاه ایشان قصد روبه رو شدن با دیگران را داشت، موی سر خود را شانه می زد و سر و وضع خود را مرتب می کرد. برای آنکه تصویر خود را ببیند، در ظرف آبی می نگریست. وقتی علت این امور را پرسیدند، فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مَنْ عَبَدَهُ إِذَا حَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَيَتَجَمَّلَ. (۱)

خداوند متعال دوست دارد هنگامی که بنده اش به سوی برادرانش می رود، خود را برای دیدار آنان آماده کند و بیاراید.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از هر کوی و برزنی که می گذشت، تا مدت ها بوی خوشی فضای آنجا را معطر می ساخت، به گونه ای که مردم می فهمیدند پیامبر از آن مسیر گذشته است. (۲) بنابراین، اسلام به رعایت آراستگی ظاهر، همچون آراستگی درون، توجه کرده است. عمل به این سفارش مهم به وسیله پرستاران، برای بیماران بسیار نشاط آور و شادی بخش خواهد بود و آنها را در رسیدگی به وضع ظاهر خویش تشویق می کند و امید به زندگی و نشاط را در آنان افزایش می دهد.

بزرگداشت سالمندان

بزرگداشت سالمندان

افزون بر آنکه در یک جامعه اسلامی، تمام قشرهای مردم، قابل احترامند، ولی از دیدگاه اسلام، پیران و سالخوردگان از احترام ویژه ای برخوردارند. روایات اهل بیت علیهم السلام این واقعیت را با تعبیرهای لطیفی همچون اجلال، توقیر و تعظیم بیان کرده است. این روایت ها همگی دلیل بر اهمیت خاص موضوع و بیانگر ارزش والایی است که

ص: ۸۵

۱- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۹۴.

۲- همان.

اسلام برای این قشر از جامعه قائل شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ إِجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ؛ تجلیل و احترام مسلمان سال خورده و سپیدموی در شمار تجلیل از خداوند متعال است».(۱)

امام صادق علیه السلام نیز بی تفاوتی در گرامی داشت سالمندان را سبب خروج از راه و رسم خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می داند و می فرماید: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَنَا؛ آن که بزرگ سالان ما را احترام نکند، از ما نیست».(۲) نیز می فرماید: «عَظْمُوا كِبَارَكُمْ؛ سالمندان خود را ارج نهید و بزرگ شمارید».(۳)

از تعبیرهای به کار رفته در احادیث بالا و مانند آنها به راحتی می توان دریافت که رابطه افراد جامعه به ویژه پرستاران با سال خوردگان ناتوان و بیمار باید بیش از احترام معمول و متعارف باشد؛ زیرا احترام به بزرگ سالان در شمار احترام به ذات اقدس الهی است. بزرگ سالان حقوقی دارند که همه جامعه ملزم به رعایت آن هستند. پرستاران نیز در شرایط بحرانی و حساس با این افراد سر و کار دارند. پس باید در انجام این امر پیش قدم شوند و با حفظ احترام آنان، وظیفه خود را نسبت به ایشان به خوبی انجام دهند. پرستار باید با توجه به ارزش و جایگاه بیمار، از هرگونه توهین، دل شکنی و بی احترامی نسبت به آنان پرهیز کند. البته رعایت حال این بیماران زودرنج و نازک دل، دشوار است، ولی همیشه اعمال سخت و مشکل، پاداش بیشتری دارد. این سفارش را از یاد نبریم که پیشوایان معصوم، این گروه از مردم را شایسته

ص: ۸۶

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲- همان.

۳- همان.

محبت بیشتر دانسته و در مورد آنان سفارش ویژه کرده اند. امام باقر علیه السلام فرمود کسی که چهار خصلت در او باشد، خداوند برایش خانه ای در بهشت بنا می کند:

مَنْ أَوَى الْيَتِيمَ وَ رَحِمَ الضَّعِيفَ وَ أَشْفَقَ عَلَى الْوَالِدِيهِ وَ رَفَقَ بِمَوْلَاهُ. (۱)

کسی که یتیمان را پناه دهد، به ناتوانان مهربانی کند، با پدر و مادرش به نرمی برخورد کند و با زیردستانش مدارا کند.

مهربانی با بیماران

مهربانی با بیماران

خدای مهربان، بندگانش را به مهربانی و مهرورزی تشویق و مهرورزان را جزو اصحاب میمنه معرفی کرده است:

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ * أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ. (بلد: ۱۷ _ ۱۸)

سپس از کسانی باشید که ایمان آورده اند و یکدیگر را به صبر و استقامت و مهربانی و عطف توصیه می کنند. اینان اصحاب میمنه هستند.

رسول گرامی اسلام نیز برای استحکام پایه های دوستی و مهربانی بین مؤمنان چنین می فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ فِي تَرَاحِمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ بِمَنْزِلَةِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى عَضْوٌ فِيهِ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْحُمَى وَ السَّهْرِ. (۲)

مؤمنان، در مقام مهربانی و عطف نسبت به یکدیگر همانند یک پیکرند. وقتی عضوی از این گروه بیمار شود، دیگر اعضا، در تب و شب بیداری با او همراهی می کنند.

همراهی، همدلی و هم دردی با بیماران در بهبودی و شفای سریع آنان بسیار مؤثر است. همان گونه که بیمار به خوردن، آشامیدن، خواب و استراحت و دارو و درمان نیاز

ص: ۸۷

۱- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۹۲.

۲- سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۳.

دارد، برای نشاط روحی خود نیز نیازمند مهربانی است. مهرورزی، نشانه بزرگواری است. به طور کلی، نیکوکاری، دل سوزی و ایثار، در مهربانی افراد ریشه دارد و پرستار با ابراز این ارزش های انسانی، مهر و محبت را به بیماران هدیه می دهد. بی شک، کسی که از دایره خودخواهی خارج می شود و خود را وقف خدمت به بیماران می کند، فروغ مهربانی اش، گرمابخش وجود بی رمق بیماران خواهد شد و جوانه های سلامتی را در آنان شکوفاتر خواهد کرد.

زیربنای همه دوستی ها، دوستی و محبت خداست و یکی از جلوه های دوستی خدا، دوست داشتن آثار و مخلوقات اوست. پس هر کس در دوستی خدا راستین باشد، باید بندگان خدا را نیز دوست بدارد. کسی که بندگان خدا را دوست دارد، نشانه های آن در گفتار و رفتارش نمایان می شود. آن گاه که مردم به یکدیگر عشق بورزند، زیر سایبان رحمت الهی قرار می گیرند. امام کاظم علیه السلامی فرماید:

إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمَرْحُومُونَ مَا تَحَابُّوا وَ أَدَّوْا الْأَمَانَةَ وَ عَمِلُوا بِالْحَقِّ. (۱)

تا زمانی که اهل زمین یکدیگر را دوست بدارند و امانت ها را ادا و به حق عمل کنند، مورد لطف و رحمت الهی اند.

در سخنان معصومین علیهم السلام، مردم دوستی از نشانه های ایمان معرفی شده و پیامبر اسلام، مردم دوستان را شبیه خود شمرده و فرموده است: «شبهه ترین افراد امتم به من، کسانی هستند که مردم را بیشتر دوست بدارند». (۲)

همچنین آن حضرت، دوست داشتن بندگان را سبب نزدیکی به خدا و به خیر و صلاح امت دانسته است. در روایتی آمده است: «موسی علیه السلام گفت: خدایا! پاداش کسی که بندگان تو را دوست بدارد، چیست؟ ندا رسید: ای موسی! بدان چنین کسی را بر آتش حرام می کنم». (۳)

ص: ۸۸

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۷.

۲- همان، ج ۶۹، ص ۳۰۶.

۳- همان، ص ۳۸۴.

بنابراین، بر پرستاران لازم است که در پرتو مهر و محبت، بیماران را به نشاط و آرامش رهنمون سازند و قلب خود را از محبت آنان لبریز کنند و این سفارش زیبای امیرمؤمنان علی علیه السلام به مالک اشتر را به کار بندند که «أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ...؛ قلب خویش را از مهر و مردم دوستی و لطف به آنان سرشار کن».^(۱)

شکبیایی

شکبیایی

شکبیایی، نگاه داشتن خویش از بی تابی و نگاه داشتن زبان از گله و شکایت است.^(۲) همچنین شکبیایی به معنی آرامش نفس در سختی ها و پایداری در انجام امور واجب و بردباری در امور ناپسند و کشش های ناروای هوای نفس است.^(۳)

انسان در هر شغل و مقام و از هر دسته ای که باشد، همواره نیازمند آراسته شدن به زیور شکبیایی و بردباری است. شکبیایی پرستار در برابر ناراحتی ها و بی تابی بیماران بسیار پسندیده است؛ زیرا بیماران در آن شرایط بحرانی، گاهی از خود بی خود می شوند و سخنان و انتظارات نابجایی بر زبان می آورند که تنها صبر و تحمل پرستار می تواند او را آرام کند. قرآن کریم بیش از هفتاد بار از صبر و ارزش صابران یاد کرده است. قرآن مجید، حضرت ایوب علیه السلام را به سبب شکبیایی اش می ستاید. (انبیاء: ۱۸۳) به پیامبر بزرگوار اسلام نیز دستور می دهد شکبیایی پیشه کند؛ زیرا صبر از ویژگی های پیامبران اولوالعزم است. (احقاف: ۳۵) خداوند در مورد پاداش صابران، کلمه «بی حساب» را آورده است. (زمر: ۱۰)

در سخنان ارزشمند معصومان علیهم السلام نیز از شکبیایی به نیکی یاد شده است. امام

ص: ۸۹

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- معین، فرهنگ فارسی، ج ۲.

۳- محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۸۱.

صادق علیه السلام می فرماید:

الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ. فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ. (۱)

نسبت شکیبایی به ایمان، مانند سر به بدن است. همچنان که اگر سر از بدن جدا شود، بدن نابود می شود. وقتی شکیبایی از ایمان جدا شود، ایمان از میان می رود.

امام علی علیه السلام، شکیبایی را زیور ایمان می شمارد و می فرماید: «الصَّبْرُ أَحْسَنُ حُلْلِ الْإِيمَانِ وَ أَشْرَفُ خَلَائِقِ الْإِنْسَانِ؛ شکیبایی بهترین زینت ایمان و شریف ترین اخلاق انسان است».

آدمی در پرتو صبر و بردباری به تدریج به درجه ای می رسد که هر اندازه رنج و بلا بر او وارد شود، زبان به شکایت نمی گشاید که در روایت ها، از آن به «صبر جمیل» یاد می شود. جابر گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: خداوند تو را رحمت کند؛ صبر جمیل چیست؟ حضرت فرمود:

در صبر جمیل به کمک شکیبایی هیچ شکایتی به مردم نمی شود و در این صورت، خداوند هم پاداش بی شمار به آنان می دهد که در مقابل خدمت به مردم در دام خودپسندی و منت گذاری نمی افتند و کاسه صبرشان لبریز نمی شود. (۲)

خداوند در قرآن آمده است:

نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ الَّذِينَ صَبَرُوا. (عنکبوت: ۵۹)

خدا، پاداش بهتر را به نیکوکاران می دهد؛ آنان که در انجام کار نیک شکیبایی کردند.

ص: ۹۰

۱- الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۸۲.

۲- همان، ص ۹۳.

فصل پنجم: مسئولیت شناسی و مسئولیت پذیری

هر کس را وظیفه و عملی است

رشته ای بود و رشته ای تار است

وقت پرواز، بال و پر باید

که نه این کار چنگ و منقار است (۱)

شغل پرستاری از خاطره های زیبا و برخوردارهای شیرین و لذت بخش لبریز است. پرستاری که به کار خود علاقه مند است، تکلیف و تعهد را هدیه ای الهی می داند. پرستاری، عشق به خالق و مخلوق است. عشق به خالق است در رسیدگی به مخلوقات خدا و در راه نزدیکی به حضرت دوست و عشق به مخلوق است در اطاعت خالق و رسیدگی به درد هم نوعان و کمک به سلامت جامعه. با این عمل، پرستار، محبوب حضرت حق می شود.

جلوه های مسئولیت پذیری پرستار

جلوه های مسئولیت پذیری پرستار

مسئولیت در سه بُعد مسئولیت فردی، مسئولیت اجتماعی و مسئولیت های الهی است که به ترتیب در قبال خود، خلق و خدا معنا می یابد. منظور از مسئولیت فردی یا مسئولیت در قبال خود، آن است که آدمی حدود توانایی خویش را به درستی بشناسد و تا حد امکان برای پرورش و شکوفایی توانایی هایش گام بردارد. به تعبیر دیگر، حق

ص ۹۲:

خویشتن را به خود ادا کند. به یقین، هر گاه زندگی او از چنین مراحل بگذرد، فصل درخشان و ارزنده ای از هویتش تکوین می یابد. (۱)

آثار مسئولیت پذیری

اشاره

آثار مسئولیت پذیری

زیر فصل ها

۱. تقویت حس کفایت و لیاقت در زندگی

۲. ایجاد و افزایش حس قدرشناسی در زندگی

۳. آمادگی برای ایفای مسئولیت های بزرگ

۱. تقویت حس کفایت و لیاقت در زندگی

۱. تقویت حس کفایت و لیاقت در زندگی

مسئولیت پذیری؛ یعنی هر کس کاری را که به او سپرده اند، به خوبی و شایستگی انجام دهد. تقویت حس کفایت و لیاقت، زمانی ممکن است که هر یک از ما احساس کنیم لیاقت ذاتی خویش را به کار گرفته ایم و با قبول مسئولیت، به قله افتخار «خودباوری» دست یافته ایم.

ور به مکتب و وظیفه شناسی

اوستاد و خلیفه شناسی

نه وظیفه شناخته، نه عمل

گول و نادان و مست و لایعقل

نه امانت، نه احساس ملیت

نه وظیفه، نه پاکی نیت (۲)

استقبال از «مسئولیت» و توجه به «تعهد» و «تکلیف»؛ یعنی قبول مسئولیت بندگی، یادآور این حقیقت است که انسان «احساس

و عاطفه» و «اندیشه و شناخت» دارد. خردمندانه می بیند؛ اندیشمندانه تصمیم می گیرد و آگاهانه انجام می دهد و با انجام وظیفه خویش گاه برتر از فرشتگان و در مقام خلیفه الهی قرار می گیرد.

مسئولیت و تعهد در زندگی، وظیفه ای انکارناپذیر است که آیات قرآن با صراحت به آن اشاره دارد و خداوند درباره رستاخیز انسان ها می فرماید: «وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسِيئُونَ»؛ بازداشت شان کنید که آنها (نسبت به خود و دیگران) مسئولند و باید پاسخ گو

ص: ۹۳

۱- جوان و بحران هویت، ص ۴۴.

۲- ملك الشعراى بهار.

بی دلیل نیست که پیشوایان پاک اندیش ما از خداوند در راه انجام رسالت و مسئولیت خویش درخواست کمک می کنند. امیرمؤمنان علی علیه السلامی فرماید: «أَشْيَتْ عَيْنُهُ عَلِيَّ وَظَايِفِ حُقُوقِهِ. مدد می جوئیم از او برای انجام وظایف الهی و ادای حقوق و تکالیف عبادی» (۱).

امام سجاد علیه السلام نیز در پیشگاه پروردگار پوزش می طلبد و می گوید:

مرا عفو کن نسبت به بسیاری از غفلت ها که مرتکب شدم و از وظایف و تعهدهایی که از تو به عهده داشتم. (۲).

گرچه در انجام وظایف بندگی، سختی های بسیار وجود دارد، ولی شیرینی و دل نشینی روحی و رضایت خاطر درونی انسان، همه ناهمواری ها را هموار می کند.

این بینش سبب شده است برخی از صاحب نظران به این باور برسند که راهی که به بهشت منتهی می شود، انجام وظیفه است. (۳) وظیفه، جاده کوهستانی است به سوی خدا. (۴) انجام وظیفه و پذیرش مسئولیت و تعهد، عادی ترین مقصد و منظور زندگی و اخلاق است و زندگی انسان در مرکز دایره وظایف عمومی قرار گرفته است. (۵) هر کس با عزم و اراده متین در انجام وظیفه بکوشد، مقصد و منظور اصلی خلقت خویش را به انجام رسانده و شالوده اخلاق عالی مردانه ای

ص: ۹۴

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی حدید، ج ۱۳، ص ۱۱۰.

۲- همان.

۳- پستانوری

۴- لاید ژونس.

۵- اسمایلز.

را در نفس خویش استوار ساخته است. (۱)

۲. ایجاد و افزایش حس قدرشناسی در زندگی

۲. ایجاد و افزایش حس قدرشناسی در زندگی

«قدرشناسی» یا «شکر نعمت‌ها» صفت کریمان (۲) و بزرگواران است که سنجیده می‌بینند، سنجیده می‌پوشند و سنجیده می‌نوشند. لطفی پیدا و پنهان است که پیشوایان روشن اندیش ما، برای دست یابی به آن افزون بر عزم و اراده، از خداوند مهربان و رحیم درخواست توفیق کرده اند: «سَالِكِ شُكْرِ نِعْمَتِكَ». (۳) آنان بهترین سپاس را اجتناب از گناه و تمام شکر را جمله «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (۴) دانسته اند.

برکت بی نظیر سپاس گزاری از نعمت‌های الهی به قدری چشم گیر است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اشاره به آن فرمود:

مَا فَتَحَ اللَّهُ لِعَلِيٍّ عَبْدٍ بَابَ شُكْرِ فَحَزَنَ عِنْدَ بَابِ الزِّيَادَةِ. (۵)

باب شکر و سپاس به روی بنده ای گشوده نمی‌شود، مگر اینکه خداوند در پی آن، در افزایش نعمت و لطف خود را به روی او می‌گشاید.

در یک نگاه، تعهد و توجه به وظایف خویش در زندگی، حس قدرشناسی را در انسان به وجود می‌آورد؛ زیرا آنان که با تلاش و سخت کوشی، زندگی خود را سامان داده اند، بیش از دیگران، شاکر نعمت‌ها و قدرشناس الطاف الهی هستند.

۳. آمادگی برای ایفای مسئولیت‌های بزرگ

۳. آمادگی برای ایفای مسئولیت‌های بزرگ

انجام هر وظیفه و مسئولیتی برای انسان، رضایت درونی به همراه دارد. اعتماد به نفس انسان را بالا می‌برد و او را برای قبول مسئولیت‌های بزرگ آماده می‌کند. برایتون،

ص: ۹۵

۱- همان.

۲- امام علی علیه السلام؛ الکافی، ج ۴، ص ۲۸.

۳- الکافی، ج ۲، ص ۵۴۷، دعای بعد از نماز.

۴- امام صادق علیه السلام، همان، ص ۹۵.

۵- همان، ص ۹۴.

جلال و افتخار زندگی حقیقی را این گونه ترسیم می کند:

بزرگی و عظمت واقعی انسان در آن نیست که شخصی در طلب آسایش و لذت یا کسب مقام و شهرت برای نفس خود باشد، بلکه جلال و افتخار حقیقی هر کسی عبارت از آن است که وظایف شخصی خویش را به درستی انجام دهد. (۱)

عوامل نپذیرفتن مسئولیت

اشاره

عوامل نپذیرفتن مسئولیت

عوامل متفاوتی سبب استقبال یا پرهیز از پذیرش مسئولیت در زمینه های فردی، خانوادگی و اجتماعی می شود که برخی از این عوامل عبارتند از:

۱. ناآگاهی از ارزش احساس مسئولیت

۱. ناآگاهی از ارزش احساس مسئولیت

تفاوت برجسته انسان با دیگر موجودات در «عقل و خرد» یا «شناخت و معرفت» است. آنان که خود را در گستره هستی، «انسان» می دانند و انسان را موجودی مسئول نسبت به خود، خلقت و خداوند قلمداد می کنند، زمینه مناسب برای اندیشیدن در مورد آمادگی درک و دریافت مسئولیت های کوچک و بزرگ را در خود احساس می کنند. فراهم ساختن فرهنگ مسئولیت پذیری در پرستاران می تواند انگیزه پاسخ گویی و مسئولیت طلبی را در آنها تقویت کند. در آموزه های دینی، جدی گرفتن این احساس سبب بیداری پیروان پاک اندیش شده است. خالق حکیم به عیسی بن مریم علیه السلامی فرماید:

یا عیسی! إِنَّكَ مَسْئُولٌ فَارْحَمِ الضَّعِيفَ كَرَحْمَتِي إِيَّاكَ وَلَا تَقْهَرِ الْيَتِيمَ. (۲)

ای عیسی! همانا تو مسئول هستی. پس به ضعیف مهربانی کن؛ مثل رحمت من به تو و از یتیم روی مگردان و با او قهر مکن.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره همه نعمت های الهی یک اصل کلی را بیان

ص: ۹۶

۱- چکیده اندیشه ها، ج ۲، ص ۲۷۶ و ۲۷۷.

۲- الکافی، ج ۸، ص ۱۳۱.

فرموده است:

كُلُّ نَعِيمٍ مَسْئُولٌ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَا كَانَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى. (۱)

در روز قیامت از تمامی نعمت‌ها بازخواست می‌شود، مگر آنچه در راه خدا داده شده است.

این بینش بالنده، زینت ساز سخن حکیمانه‌ای است که: «همه ما به فقر و غنا، سلامتی و مرض، غربت و قدرت و علم و جهل مبتلا هستیم و درباره داده‌ها و نداده‌ها مورد امتحان قرار می‌گیریم». (۲)

به یقین، این بصیرت و بینایی معنوی، به روشن شدن راه، برطرف شدن نگرانی و استفاده مناسب از فرصت‌های ارزنده خواهد انجامید تا به تعبیر قرآن از روز نخست، با قوت و قدرت به مسئولیت خویش رو کنند و هرگز دچار روزمرگی، سردرگمی و تردید نشوند و بر اساس سخن معصومان علیهم السلام، عاقبتی زیان‌بار در انتظار آنان نباشد. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است:

آن کس که بدون بینایی و آگاهی لازم عمل می‌کند، همانند کسی است که در غیر مسیر مورد نظر حرکت می‌کند که پی‌آمد حرکت؛ یعنی سرعت، چیزی جز دوری نخواهد بود. (۳)

۲. سستی و تنبلی

۲. سستی و تنبلی

سستی و تنبلی، آفتی جدی در راه رسیدن همه مردم به ویژه پرستاران برای دست‌یابی به کمال است و عزم و اراده بهترین داروی درمان این درد خواهد بود. اگر این واقعیت پذیرفته شود که زندگی دنیا، میدان آزمون و به‌سخنی رساتر، میدان مسابقه‌ای است که افزون بر حرکت، سرعت و مهم‌تر از سرعت، سبقت در آن مطرح است، هرگز ناهنجاری، سستی و مسامحه، جسم و جان را اسیر خطاهای زندگی نمی‌کند. حضرت

ص: ۹۷

۱- بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۵.

۲- فرازی از سخنرانی آیت‌الله عبدالله جوادی آملی.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۴۳.

علی علیه السلام در این باره فرموده است:

لَا تُجْتَمِعُ عَزِيمَةٌ دَوْلِيمَةٌ... مَا نَقَضَ النَّوْمُ لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ. (۱)

عزم و همت [برای کارهای شایسته و چشم گیر] با ولیمه و سورچرانی جمع نمی شود و چه بسیار خواب هایی که عزم و جزم آنان را در انجام امور نقض کرده [و ساعات او را پوچ و هیچ ساخته] است.

بی دلیل نیست که آنان از حالت ویرانگر سستی و بی حالی به خدا پناه برده و گفته اند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَ الْفُسْلِ؛ پروردگارا! همانا به تو پناه می برم از کسالت و بی حالی و سستی و بی توجهی [به حقایق پایدار زندگی]». (۲) امام علی علیه السلام شیوه مناسب مبارزه با این بیماری روحی را چنین بیان می کند: «ضادُوا النَّوَانِي بِالْعَزْمِ؛ با تصمیم و عزم قاطع به مبارزه با سستی برخیزید». (۳)

۳. نداشتن صبر و پایداری در زندگی

۳. نداشتن صبر و پایداری در زندگی

باور این حقیقت گران بها که دست یابی به قله افتخار و سربلندی، با سختی ها و تلخی های بسیاری همراه است و پیمودن این مسیر سنگلاخ جز با بردباری ممکن نمی شود، تمامی سختی ها را آسان و تلخی ها را شیرین می کند. آنان که دریافته اند ریشه و اساس «تکلیف» که مرز میان انسان و حیوان است، از «کلفت» و «سختی» است و انسان با مسئولیتی که دارد، معنا پیدا می کند، می دانند رشد و کمال دستاوردهای مهم آن است. بدین خاطر در راه انجام وظیفه خویش، استقامت و بردباری نشان می دهند و در راه دست یابی به ارزش های والای الهی هرگز احساس خستگی و خمودی یا سستی و کاستی نمی کنند.

امام معصوم علیه السلام چه زیبا فرمود: «کسی که برای خود بردباری در برابر سختی ها و

ص: ۹۸

۱- شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۱۴۲.

۲- مصباح المتهجد، ص ۵۹۷.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۶۳.

ناگواری های روزگار را فراهم نکند، ناتوان خواهد ماند».(۱) حضرت علی علیه السلام نیز در این باره فرموده است: «فردی که بر مرکب راهوار صبر جا می گیرد، به میدان پیروزی راه یافته است».(۲)

چنین آثار و برکت هایی سبب شده است که واژه «اصبر؛ بردباری کن» در سفارش های سبز و آسمانی معصومان علیهم السلام به اصحاب خود، بسیار دیده شود. امیرمؤمنان علی علیه السلام در کلامی چنین می فرماید:

إِصْبِرْ حَتَّى تَأْتِيكَ دَوْلَتُكَ... إِصْبِرْ تَطْفِرُ... إِصْبِرْ تَنْلُ (۳)

صبر و استقامت داشته باش تا دولت [و توانمندی] برای تو فراهم شود... بردبار باش تا پیروز و سربلند شوی... ثبات قدم داشته باش تا به اهداف خود برسی.

ص: ۹۹

۱- امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام، الکافی، ج ۲، ص ۹۳.

۲- بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۹۶.

۳- غرر الحکم، صص ۱۳۹ - ۲۸۳.

بخش دوم: وظایف بیماران و عیادت کنندگان در اسلام

اشاره

بخش دوم: وظایف بیماران و عیادت کنندگان در اسلام

ص: ۱۰۰

فصل اول: وظیفه بیماران

فصل دوم: وظایف عیادت کنندگان

فصل اول: وظیفه بیماران

اشاره

فصل اول: وظیفه بیماران

پیامبر اسلام فرمود: «الْمَرِيضُ تَحَاتُ خَطَايَاهُ كَمَا يَتَحَاتُّ وَرَقُ الشَّجَرِ؛ گناهان بیمار همچون برگ درخت می ریزد».(۱)

براساس تعریف سازمان جهانی بهداشت که در سال ۱۹۸۴ منتشر شده، بیماری حالتی است از نبود تندرستی کامل جسمی، روحی و اجتماعی و همچنین از دست دادن سلامتی.(۲)

انسان با همه توانایی هایش از ناتوان ترین موجودات کره خاکی به شمار می آید. او وقتی قدم به این دنیا می گذارد، برخلاف بسیاری از حیوانات، توان حرکت و حفاظت از خود را ندارد. به همین دلیل، سال ها نیازمند مراقبت و سرپرستی است. او حتی در برابر کوچک ترین حشره ها هم نمی تواند از خود دفاع کند. حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

بیچاره آدمی زاد، اجلش بر او پوشیده است و بیماری هایش، پنهان و کردارش محفوظ است. پشه ای او را دردمند می کند؛ جرعه ای گلوگیر می کشدش و قطره عرقی او را بدبو می سازد.(۳)

انسان از ابتدای زندگی خود مجبور بود با بیماری های گوناگون مبارزه کند. او تلاش می کرد علت بیماری ها را بیابد و آن را از بین ببرد، ولی هنوز از بیماری اولیه رهایی نیافته بود که با بیماری دیگری روبه رو می شد. البته این داستان همچنان ادامه دارد. به گفته حضرت علی علیه السلام: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ نَجَاةٌ مِنْ

ص: ۱۰۱

۱- میزان الحکمه، با ترجمه فارسی، ج ۱۱، ح ۱۸۷۷۵، ص ۵۵۲۴.

۲- well-being

۳- میزان الحکمه، ح ۱۸۷۶۹.

الأسقام؛ بدن ها را از ناخوشی رهایی نیست» (۱).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بیماری، تازیانه خدا در زمین است که با آن، بندگان خویش را ادب می کند» (۲).

با این حال، انسان با کمک اندیشه خود بسیاری از بیماری ها را شناخته و برای هر کدام درمانی یافته است. حضرت امام رضا علیه السلام نیز در مورد بیماری فرموده است:

بیماری برای مؤمن، تطهیر و رحمت و برای کافر، عذاب و لعنت است. بیماری همدم مؤمن می ماند، تا هنگامی که هیچ گناهی بر وی نباشد. (۳)

دیدگاه اسلام درباره بیماری

اشاره

دیدگاه اسلام درباره بیماری

بیماری، حالت ناخوشایندی برای آدمی است که از آن گریزی نیست. در روایت های اهل بیت علیهم السلام به اصل بیماری و جنبه تربیتی آن توجه شده است.

۱. اصل بیماری

۱. اصل بیماری

بیماری در نگاه نخست، نوعی مصیبت و سختی برای انسان است. از این جهت، آن را مشکل و نوعی زندان شمرده اند. مولای متقیان در سخنان گهربار خود به این نکته اشاره کرده است: «المریضُ حبسُ البدل؛ بیماری زندان بدن است» (۴).

بیماری، بدن آدمی را به زندان می کشاند؛ یعنی رنج و مشقت را بر او تحمیل می کند. حضرت علی علیه السلامی فرماید: «لا زَرِيَّةَ أَعْظَمُ مِنْ دَوَامِ سَقَمِ الْجَسَدِ؛ مصیبتی بزرگ تر از ادامه یافتن بیماری نیست» (۵).

ص: ۱۰۲

۱- همان، ح ۱۸۷۶۴.

۲- کنز العمال، ج ۳، ح ۶۶۸۰، ص ۳۰۶.

۳- ثواب الاعمال، ح ۱، ص ۲۲۹.

۴- میزان الحکمه ترجمه فارسی، ج ۱۱، ح ۱۸۷۶۲، ص ۵۵۲۲.

۵- همان، ح ۱۸۷۶۵.

بیماری، زندگی عادی انسان را مختل می کند، به گونه ای که ممکن است شکیبایی و طاقت را از کف بدهد؛ چون کمترین بیماری هم بسیار است: «الْمَرَضُ الْقَلِيلُ مِنْهُ كَثِيرٌ؛ بیماری، اندکش هم بسیار است» (۱).

پیامبر خدا فرمود:

عمل هیچ روزی نیست، مگر که بر آن مهر زده می شود. چون بنده مؤمن بیمار شود، فرشتگان می گویند: پروردگارا! فلان بنده ات را بازداشته ای! خداوند متعال در این هنگام می فرماید: برای او بر عملی همانند آنچه همیشه داشته است، مهر بزنی تا زمانی که از این بیماری بهبود یابد یا بمیرد. (۲)

۲. جنبه تربیتی بیماری

۲. جنبه تربیتی بیماری

بیماری، گرچه پدیده خوبی نیست، ولی می تواند امر مبارکی باشد و نکته هایی را به انسان یادآوری کند و انسان را از خواب غفلت بیدار سازد. اگر بیماری سبب معرفت و بیداری انسان شود، نعمت است. در روایتی از امام باقر علیه السلام می خوانیم:

جسم اگر بیمار نشود، سرمست می شود و در آن بدنی که به سرمستی گراییده است، خیری نیست. (۳)

امام صادق علیه السلام نیز در این مورد می فرماید:

اگر بنا بود هیچ درد و رنجی به انسان نرسد، به کدامین وسیله از زشتی ها دامن درمی کشید و در برابر خداوند، فروتنی می کرد و با مردم، مهربانی می ورزید؟ آیا نمی بینی انسان، آن هنگام که دردی دامن گیرش می شود، فروتن می شود و سر تسلیم فرود می آورد و بر درگاه پروردگار خویش عافیت می جوید و دست به صدقه دادن می گشاید. (۴)

پس اگر بیماری، انسان را متوجه خدا کند، خوب است و اگر سلامتی، انسان را از

ص: ۱۰۳

۱- همان، ح ۱۸۷۶۶.

۲- المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ح ۷۸۵۵، ص ۳۴۴.

۳- مشکاه الانوار، ح ۱۶۲۶، ص ۴۸۷.

۴- بحار الانوار، ج ۳، ص ۸۸.

خدا غافل سازد و او را از راه راست خارج کند، بد است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در مناجاتی می فرماید:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ... مِنْ سُقْمٍ یَشْغُلُنِیْ وَ مِنْ صِحَّهِ تُلْهِنِیْ. (۱)

بار خدایا! من به تو پناه می برم... از بیماری که مرا گرفتار سازد و از تندرستی و سلامتی که مرا سرگرم و غافل گرداند.

حضرت امام سجاد علیه السلام هنگام بیماری چنین دعا می فرمود:

بار خدایا! تو را سپاس به تندرستی ام که پیوسته در آن به سر می برم؛ تو را سپاس بر بیماری که در بدنم پدید آورده ای؛ زیرا نمی دانم ای خدای من، کدام یک از دو حالت (تندرستی یا بیماری) به سپاس گزاری تو شایسته تر و کدام یک از این دو بر ستایش تو سزاوارتر است؛ آیا تندرستی... یا زمان بیماری که مرا به وسیله آن از گناهان پاک کردی؟ (۲)

حکمت بیماری

اشاره

حکمت بیماری

بیمار و بیماری در اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است. بیماری از نگاه دین، وسیله سعادت و رستگاری است، نه باعث بیچارگی و بدبختی. اگر آن را از قلمرو اسلام و ایمان خارج کنیم و در جوامع گوناگونی که قوانین و روح اسلام بر آنها حاکم نیست، بررسی کنیم، با دیدگاه های متفاوت و گاه شگفت انگیز و اندوه باری روبه رو می شویم. در برخی جوامع حتی مسئله کشتن قانونی بیمار مطرح شده است. اگر معیارهای معنوی و الهی را در نظر نیاوریم، کشتن قانونی انسان، امری عادی و حتی پسندیده خواهد بود. (۳)

اکنون در کشورهای متمدن مسئله ای به نام «اوتانازی» (کشتن بیمار از روی ترحم) مطرح است؛ یعنی هرگاه تشخیص داده شد که انسانی از کار افتاده است و دیگر برای

ص: ۱۰۴

۱- میزان الحکمه ترجمه فارسی، ج ۱۱، ح ۱۸۷۹۸، ص ۵۵۲۴.

۲- همان، ح ۱۸۷۶۷.

۳- مهدی رضایی، علی اکبر مظاهری، زیارت خدا، پژوهش پیرامون عبادت در اسلام، مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان، ص

جامعه سودی ندارد یا دارای نوعی بیماری درمان ناپذیر است، به او مهلت زندگی ندهید و او را بکشید تا راحت و آسوده شود یا بهتر است بگوییم دیگران از دست او بیاسایند. برخی نیز در تلاش هستند که به این مسئله، لباس قانون بپوشانند. البته این عمل اکنون نیز انجام می شود، ولی هنوز جرئت نکرده اند آن را قانونی کنند. آنها در تلاشند تا زشتی آن را با تبلیغات مسموم از بین ببرند و زمینه را برای قانونی کردن آن فراهم کنند. در مقابل، بر اساس دیدگاه اسلام، تردیدی وجود ندارد که در نظام هستی، هیچ پدیده ای بی حکمت نیست، هر چند این حکمت بر ما پوشیده مانده باشد. امام صادق علیه السلام درباره حکمت بیماری فرموده است:

إِنَّ الْمَرَضَ عَلَىٰ وَجْهِ شَيْءٍ: مَرَضٌ بَلْوَى، وَ مَرَضٌ عُقُوبَةٌ، وَ مَرَضٌ جُعِلَ عَلَيْهِ لِلْفَنَاءِ. (۱)

بیماری بر چند گونه است: بیماری آزمون، بیماری کیفر و بیماری که به علت مرگ قرار داده شده است.

امام صادق علیه السلام در این سخن، سه حکمت را برای بیماری بیان کرده و این هر سه در دانش پزشکی ناشناخته است. خوب است با توجه به دیدگاه معصومان علیهم السلامه حکمت نهفته در بیماری ها نگاهی داشته باشیم:

۱. تربیت

۱. تربیت

مهم ترین حکمت بیماری، نقش سازنده و تربیتی آن در زندگی انسان است. از پیامبر خدا روایت شده است: «الْمَرَضُ سَوْطُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ يُؤَدِّبُ بِهِ عِبَادَهُ؛ بیماری، تازیانه خدا در زمین است که با آن بندگان خود را ادب می کند». (۲)

آنچه در سخن امام صادق علیه السلام در تبیین نوع نخست از گونه های بیماری؛ یعنی بیماری آزمون آمده است، به همین حکمت اشاره دارد؛ زیرا کلمه «بلوی» در

ص: ۱۰۵

۱- دانش نامه احادیث پزشکی، به نقل از: الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۲۵.

۲- کنز العمال، ج ۳، ح ۶۶۸۰، ص ۳۰۶.

متن عربی روایت به معنای آزمایش است. از سوی دیگر، فلسفه همه امتحان های الهی، تربیت انسان و رشد و شکوفایی استعدادهای نهفته در درون اوست. البته حکمت بیماری ها تنها تحقق امتحان الهی نیست، بلکه فلسفه تندرستی و سلامت نیز همین است. به دیگر سخن، هر یک از دو حالت تندرستی و بیماری، آثار تربیتی مثبتی دارد که برای تکامل انسان لازم هستند. در این باره حکایت جالبی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

امیرمؤمنان علی علیه السلام به بیماری گرفتار شد. جمعی از ایشان عیادت کردند و از حال وی پرسیدند و گفتند: ای امیرمؤمنان شب را به چه حالتی به روز در آوردی؟ امام علیه السلام برخلاف عادت متعارف فرمود: «أَصْبَحْتُ بِشَرٍّ؛ با بدی، شب را به صبح آورده ام.» آنان از این سخن، شگفت زده شدند و گفتند: سبحان الله! آیا این سخن چون تویی است؟ امام در پاسخ آنان فرمود:

خداوند می فرماید: «وَنُبِّئُكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِنَّا تُرْجَعُونَ؛ ما شما را به خیر و شر می آزمایشیم و به سوی ما باز می گردید.» (۱)

[در این سخن خداوند] خیر همان تندرستی و بی نیازی و شر نیز همان بیماری و فقر است که آزمون است. (۲)

در مورد خطا کاران، نقش تربیتی بیماری، پاره کردن پرده های غفلت، بیدار کردن آنها و تزکیه جانشان از ناپاکی ها و آلودگی هاست، چنان که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرموده است:

إِذْ أَبْتَلَى اللَّهُ عَبْدًا مُغِيبًا لَمَّا سَقَطَ عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ بِقَدْرِ عِلَّتِهِ. (۳)

ص: ۱۰۶

۱- انبیاء: ۳۵.

۲- الدعوات، ص ۱۶۸، ح ۴۶۹.

۳- همان، ح ۱۷۶، ص ۲.

چون خداوند، بنده ای را به بیماری دچار سازد، به اندازه بیماری اش از گناهان او فرو می کاهد.

بیماری نیکوکاران و پرهیزکاران، مرتبه آنان را در پیشگاه خداوند بالا می برد و به تکاملشان می انجامد. پیامبر خدا فرمود:

إِنَّ الرَّجُلَ لَهُ الدَّرَجَةُ عِنْدَ اللَّهِ . لَا يَبْلُغُهَا بِعَمَلِهِ حَتَّى يُبْتَلَى بِبَلَاءٍ فِي جَمْعِهِ فَيَبْلُغُهَا بِذَلِكَ. (۱)

برای انسان در نزد خدا درجه ای است که به آن دست نمی یابد جز اینکه در میان گروهی به بلایی گرفتار شود.

با توجه به آثار تربیتی بیماری در زندگی انسان، سلامتی کامل در تمام عمر از دیدگاه معصومان علیهم السلام، پدیده ای نکوهیده است. پیامبر خدا در این باره می فرماید: «كُفِيَ بِالسَّلَامَةِ دَاءٌ؛ دَرْدُ هَمِينَ بَسَ كَمَا [هَمَارَه] سَلَامَتِي بَاشَد.» (۲) همچنین در حدیث دیگری آمده است: «إِنَّ اللَّهَ - يَبْغُضُ الْعَفْرِيَةَ النَّفْرِيَةَ الَّتِي لَمْ يَزُأْ فِي جَسَدِهِ وَلَا مَالِهِ؛ خَدَاوَنَد، آن بدنهاد بد کرداری را که به هیچ بلایی در تن و دارایی خویش گرفتار نمی آید دوست ندارد.» (۳)

باید به این نکته هم توجه داشت که تنها بیماری یا تنها تندرستی، دارای آثار تربیتی مثبتی در انسان نیست. از این رو، موسی علیه السلام در دعای خویش از خداوند طلب می کند:

خداوندا! نه آن بیماری که مرا زمین گیر کند و نه آن تندرستی که به فراموشی [تو] درافکند، بلکه حالتی میانه [می خواهم].
گاه بیمار شوم تا پس از آن شکر تو گویم و گاه تندرست باشم تا سپاس تو بگزارم. (۴)

ص: ۱۰۷

۱- همان، ح ۴۸۳، ص ۱۷۲.

۲- المجازات النبویه، ح ۳۴۹، ص ۴۳۰.

۳- الدعوات، ح ۴۸۲، ص ۱۷۲.

۴- ارشاد القلوب، ص ۴۲.

از داوود نبی علیه السلام نقل شده است که در دعای خویش می گفت:

اللَّهُمَّ لَا صِحَّةَ تُطْعِنِي وَلَا مَرَضًا يُعِينِي وَلَا لَكِنَ بَيْنَ ذَلِكَ. (۱)

خداوندا! نه آن تندرستی را می خواهم که به طغیانم کشاند و نه آن بیماری را که زمین گیرم سازد؛ بلکه حالتی میان این دو را می خواهم.

امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز چنین دعا می کرد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ سُقْمٍ يَشْغَلُنِي وَمِنْ صِحَّةٍ تُلهِينِي. (۲)

خداوندا! به تو پناه می برم... از آن بیماری که به خویش مشغولم دارد و از آن تندرستی که به بازی ام سرگرم سازد.

۲. کيفر

۲. کيفر

در نظام حکیمانه هستی مشاهده می کنیم که بیماری برای کسانی که زمینه تربیتی را در نفس و روان خویش تباه نساخته اند، کنار زدن پرده های غفلت و آگاهی افزون تر و سازندگی است، ولی برای کسانی که به آلودگی روحی دچارند و جانشان اصلاح و تربیت را بر نمی تابند، نوعی کيفر الهی به شمار می رود. امام رضا علیه السلام درباره نقش بیماری برای آنان که استعداد بهره گیری مثبت از آن را دارند و آنان که چنین قابلیت را دارا نیستند، فرموده است: «الْمَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ تَطْهِيرٌ وَ رَحْمَةٌ وَ لِلْكَافِرِ تَعْدِيبٌ وَ لَعْنَةٌ؛ بیماری برای مؤمن، تطهیر و رحمت و برای کافر، عذاب و لعنت است.» (۳)

بیماری همدم مؤمن می ماند تا هنگامی که هیچ گناهی بر وی نباشد.

۳. عامل مرگ

۳. عامل مرگ

گاه در بیماری، نه حکمتی تربیتی نهفته است و نه فلسفه ای کيفری، بلکه مرگ را در پی می آورد. البته در نظام آفرینش، مرگ هم بدون حکمت نیست؛ چون همه باید بمیرند. «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ؛ هر کس طعم مرگ را می چشد.» (انبیا: ۳۵)

ص: ۱۰۸

۱- البيان و التبيين، ج ۳، ص ۱۵۳.

۲- نهج الدعوات، ص ۱۳۲.

۳- ثواب الاعمال، ح ۱، ص ۲۲۹.

از دیدگاه احادیث اسلامی، همه بیماری‌ها درمانی دارند و یگانه‌دردی که هیچ درمانی ندارد، مرگ است.

در حدیث نبوی آمده است:

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُنَزِّلْ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ لَهُ دَوَاءً عِلْمُهُ مَنْ عِلْمَهُ وَ جَهْلُهُ إِلَّا السَّامَ. (۱)

خداوند، هیچ‌دردی را فرو نفرستاده (یا هیچ‌دردی را نیافریده)، مگر اینکه درمانی نیز برایش فرو فرستاده یا «آفریده» است و کسانی از آن آگاهی یافته‌اند و کسانی نیز از آن ناآگاه مانده‌اند مگر مرگ.

در پرتو این رهنمودهاست که می‌گوییم دانش پزشکی به قله کمال خویش دست نمی‌یابد مگر هنگامی که برای همه بیماری‌ها درمانی کشف کند، ولی بی‌گمان با این همه دانش هم نمی‌تواند برای مرگ، درمانی فراهم کند.

از همین جاست که امام صادق علیه السلام در گفت‌وگوی خود با مدعی که می‌پنداشت می‌تواند با مراقبت درست و کامل از بدن و خوردن غذاهای مناسب مانع مرگ شود؛ بر این نکته تأکید می‌کند که آن بیماری که مقرر است به مرگ بینجامد، درمان ندارد. ایشان به تسلیم شدن سه تن از طبیبان و حکیمان بزرگ در برابر مرگ اشاره کرد و فرمود:

ارسطو که استاد طبیبان بود و افلاطون که سرآمد حکیمان بود و جالینوس که پیر و باتجربه بود، ولی نتوانستند مرگ را آن‌گاه که در آستانه وی فرود آمد، از خویش برانند. همه مردند، در حالی که در حفظ خویش و در اندیشیدن به آنچه با بدن سازگار است، از هیچ کوششی فروگذار نکرده بودند. (۲)

ابن مسعود، از یاران پیامبر می‌گوید: روزی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودیم. آن حضرت ناگهان لبخند زد. لب‌هایش مانند شکوفه‌ای که مژده بهار می‌دهد، شکفت. من

ص: ۱۰۹

۱- المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ح ۸۲۲۰، ص ۴۴۵.

۲- الاحتجاج، ج ۲، ح ۲۲۳، ص ۲۲۵.

دانستم که آن حضرت بی جهت لبخند نمی زند. پرسیدم: ای پیامبر خدا! چرا لبخند زدید؟ فرمود:

درشگفتم از بی تابی مؤمن هنگام بیماری. اگر می دانست، بیماری اش چه پاداشی به دنبال دارد، دوست می داشت همیشه بیمار باشد و با آن حالت به ملاقات خدا برود. (۱)

روزی سلمان بیمار شد. رسول گرامی اسلام به عیادت او رفت و پس از سلام و احوال پرسی به او فرمود:

ای سلمان! این بیماری برایت سه نتیجه سودمند دارد: یکی اینکه تو را مورد توجه و عنایت خداوند قرار می دهد. دیگر اینکه دعایت در این حال مستجاب است. سوم اینکه گناهانت را می شوی و آنان را مانند برگ درختان فرو می ریزد. (۲)

وظایف و مسئولیت های بیمار

اشاره

وظایف و مسئولیت های بیمار

زیر فصل ها

۱. اعلام بیماری

۲. مراجعه به پزشک

۳. پنهان داشتن بیماری و پرهیز از شکوه ناروا

۴. رعایت دستورهای پزشک

۵. روی آوردن به توبه

۶. دعا کردن

۷. پاداش احسان با احسان

۸. سپاس گذاری بیمار از پرستار

۱. اعلام بیماری

۱. اعلام بیماری

بهتر است بیمار، اطرافیان را از بیماری خود آگاه کند. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

شایسته است هر کس از شما بیمار می شود، بیماری اش را به برادران خود اعلام کند تا به عیادت او بیایند و بدین وسیله، هم او پاداش ببرد و هم آنان.

پرسیدند: اینکه عیادت کنندگان به خاطر عیادت پاداش می برند، روشن است، ولی بیمار چگونه پاداش می برد؟ امام فرمود: «به سبب ایجاد زمینه انجام کار نیک برای عیادت کنندگان».^(۳)

امام علی علیه السلام در حدیثی فرمود: «هر کس بیماری خود را از طیبیان پنهان دارد، بر بدن

ص: ۱۱۰

۱- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۰۶.

۲- همان، ص ۱۸۵.

۳- همان، ص ۲۱۸.

خویش خیانت روا داشته است»^(۱).

پس بیمار برای اینکه به درمان نزدیک شود، نباید درد خویش را پنهان کند تا از رنجی که بر بدنش تحمیل شده است، رهایی یابد.

۲. مراجعه به پزشک

۲. مراجعه به پزشک

در روایت‌ها به نکاتی اشاره شده است که عقل آن را به خوبی درک می‌کند. از جمله اینکه بیمار باید به پزشک مراجعه کند و اگر چنین نکند از نظر عقل و شرع، کار نادرستی انجام داده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «برای کسی که بیماری خویش را از طیب خود پنهان دارد، درمانی نیست»^(۲).

می‌گویند پیامبری از پیامبران الهی بیمار شد. او گفت: من بیماری خود را مداوا نمی‌کنم تا همان کس که مرا بیمار کرده است، شفا دهد. خداوند به او وحی فرمود: تو را شفا نمی‌دهم تا به مداوای خود پردازی. پس به درستی که شفا از من است»^(۳).

یکی از سنت‌های الهی این است که خداوند، دنیا را بر اساس اسباب و وسایل بنا نهاده است. بر این اساس، یک مسلمان می‌داند که شفا در دست خداست: «هو الشافی». البته او این را هم می‌داند که خدا می‌خواهد ما خود را به وسیله پزشک درمان کنیم؛ چون خدا، شفای خود را در همین درمان قرار داده است^(۴). در این مسیر دعا و توسل هم بی‌تأثیر نیست. صدقه دادن هم از اموری است که به درمان بیماری کمک می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد اهمیت صدقه دادن فرمود: «هیچ بیماری به خیری برتر از صدقه دادن درمان نشده است»^(۵).

ص: ۱۱۱

۱- غرر الحکم، ح ۸۵۴۵.

۲- غرر الحکم، ح ۱۰۵۱۶.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲، ح ۲۴۹۲، ص ۴۰۹.

۴- احمد رضوان فر، فرهنگ اخلاقی معصومین حرف ب، ص ۳۰۲.

۵- الفردوس، ج ۴، ح ۶۳۶۸، ص ۱۱۸.

۳. پنهان داشتن بیماری و پرهیز از شکوه ناروا

۳. پنهان داشتن بیماری و پرهیز از شکوه ناروا

طبیعت بیماری، شکوه برانگیز است. بیمار دوست دارد ناله کند. حتی ممکن است بیمار رنج خود را از آنچه هست، بزرگ تر جلوه دهد تا ترحم و توجه دیگران را جلب کند، به ویژه اگر کمبود محبت هم داشته باشد. از طرفی، شکوه و ناله، تحقیرآمیز است و بیماری می تواند لغزشگاه بیمار باشد؛ لغزیدن از اوج عزت به پرتگاه ذلت و باختن کرامت نفس و پاداش الهی. پس باید چه کرد؟ آیا نباید نالید؟ نباید گره دل را گشود؟ نباید دل را سبک کرد؟ چرا؟

نالیدن عیب نیست. باز کردن گره از دل، ناروا نیست. آنچه نارواست، ناشکری و شکایت از خداوند، ناشکیبایی و باختن روحیه ایمان و صبوری است. آنچه نارواست، آرزوی مرگ کردن و از دیگران عاجزانه طلب ترحم و کمک کردن است و نیز هر آنچه کرامت و بزرگواری انسان را لکه دار کند و به شرافت و عزت انسان آسیب زند. (۱)

انسان عاقل کسی است که احتیاط و مراقبت را از دست نمی دهد. اگر بیماری لغزشگاه است، باید مراقبت کند و خویشتن را از سقوط در گرداب هولناک ذلت برهاند. خداوند در این مورد می فرماید:

وَ إِذَا نَزَلَتْ إِلَيْكَ بَلِيَّةٌ فَلَا تَشْتَكِ إِلَى خَلْقِي مَا لَا أَشْكُوكَ إِلَى مَلَائِكَتِي عِنْدَ صُعودِ مُسَاوِيكَ وَ فَضَائِحِكَ. (۲)

هنگامی که بیماری و مشکلی برایت پیش می آید، به بندگان من شکایت مکن همان گونه که من از گناهان و زشت کاری های تو به فرشتگان خودم شکایت نمی کنم.

ائمه اطهار علیهم السلام نیز سفارش کرده اند که از بیماری شکایت نکنید و نزد هر کس از درد خود سخن به میان نیاورید. شخصی که بیماری و مشکل انسان را می شنود، از چند حالت خارج نیست؛ یا دوست آدمی است یا دشمن یا هیچ کدام. اگر دوست باشد، از

ص: ۱۱۲

۱- زیارت خدا، پژوهش پیرامون عبادت در اسلام، ص ۷۸.

۲- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۳۲.

ناراحتی و مشکل دوست خود دردمند می شود. به ویژه در مواردی که کاری از دوستان بر نمی آید، بیمار نباید بیماری یا مشکل خویش را نزد آنان آشکار کند. اگر دشمن است، از مشکل انسان، خوشحال می شود. بنابراین، نزد او سخن گفتن از بیماری خود فایده ای ندارد. اگر هم آن شخص، انسان بی اعتنایی است، آشکار کردن مشکل و بیماری نزد او سودی ندارد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

کسی که یک شب بیمار شود و پذیرای بیماری باشد، خداوند عزوجل، عبادت شصت سال را برای او منظور می فرماید. (۱)

راوی می گوید: از امام پرسیدم: مقصود و معنای پذیرای بیماری شدن چیست؟ حضرت فرمود: یعنی نزد کسی شکایت نکند.

در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس یک شبانه روز بیمار شود و نزد عیادت کنندگان شکایت نکند، خداوند در روز قیامت، او را با خلیل خود؛ یعنی حضرت ابراهیم خلیل الرحمن محشور می سازد تا مثل برق از پل صراط بگذرد. (۲)

در روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم:

چهار چیز از گنج های بهشت است: پنهان داشتن ناداری؛ پنهان داشتن صدقه؛ پنهان داشتن مصیبت و پنهان داشتن درد. (۳)
پنهان داشتن بیماری، گنجی از گنج های الهی است. (۴)

گنج را هم باید پنهان نگه داشت و سزاوار نیست آشکار شود. خداوند حکیم به عزیر علیه السلام وحی فرمود:

ص: ۱۱۳

۱- الکافی، ج ۲، ح ۴، ص ۱۱۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲، ح ۲۴۸۵، ص ۴۰۷.

۳- میزان الحکمه، ج ۱۱، ح ۱۸۷۸۳، ص ۵۵۲۷.

۴- همان، ح ۱۸۷۸۲.

هر گاه بلایی به تو رسید، نزد آفریدگانم شکوه مکن. همان گونه که وقتی بدی ها و رسوایی هایت فراز آید، از تو پیش فرشتگانم شکوه نمی کنم. (۱)

پنهان داشتن درد از مردم و شکوه نکردن علاوه بر آنکه فضیلت به شمار می رود، آثار خوبی دارد. از جمله اینکه گناهان را پاک می کند و ممکن است خداوند، انسان را زودتر شفا بخشد. در روایتی از حضرت علی علیه السلام می خوانیم:

هر کس دردی را که به او رسیده است، سه روز از مردم پنهان بدارد و به خدا شکایت کند، بر خداست که او را از آن درد بهبود بخشد. (۲)

۴. رعایت دستورهای پزشک

۴. رعایت دستورهای پزشک

بیمار برای رسیدن به بهبودی باید تمام چیزهایی را که برای او زیان دارد، ترک کند. بی توجهی در امر درمان و رعایت نکردن دستورهای پزشک، کار ناپسندی است. برخورد ائمه اطهار علیهم السلام با بیماری، درس بزرگی برای بندگان خدا به شمار می آید. امام صادق علیه السلام می فرماید:

راه رفتن بیمار (در دوران نقاهت) مایه بازگشت بیماری می شود. پدرم وقتی بیمار می شد، او را روی پارچه ای می گذاشتند و برای انجام کارش؛ یعنی وضو حمل می کردند و این برای آن بود که می فرمود: راه رفتن بیمار مایه بازگشت بیماری می شود. (۳)

۵. روی آوردن به توبه

۵. روی آوردن به توبه

اسلام در همه زمینه ها، همیشه یک پله بالاتر قرار دارد. غیرمسلمان هنگامی که بیمار می شود، اطرافیانش به او می گویند نزد پزشک برو و دستورهای او را به کار بند و بهداشت را رعایت کن. در مقابل، اسلام، زندگی انسان را همیشه با دید آخرتی می نگرد و به بیمار سفارش می کند حال که نعمت سلامتی را بهتر درک کردی، به سوی اخلاص

ص: ۱۱۴

۱- همان، ح ۱۸۷۸۵.

۲- همان، ح ۱۸۷۸۸.

۳- همان، ح ۱۸۵۲۳.

روی آور و از گناهان و اشتباه های گذشته توبه کن و از خدا سلامتی بخواه تا بتوانی کار خوب بیشتری انجام دهی. حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلامی فرماید: «مؤمن هرگاه بیمار شود، به اخلاق و توبه روی می آورد».(۱)

۶. دعا کردن

۶. دعا کردن

دعا کردن در هر حالی خوب است، ولی زیباتر است که بیمار، خدایش را بخواند. زمانی که بیمار به خدا نزدیک تر است، پس چرا با او سخن نگوید. زمانی فرزند امام صادق علیه السلام بیمار شد. حضرت به او فرمود:

پسرم ده بار «یا رب، یا رب» بگوی؛ زیرا هر گاه آدمی، خدایش را ده بار صدا زند، خداوند فرماید: لبیک، نیاز تو چیست؛ بگو.(۲)

حضرت علی علیه السلام فرمود:

بیمار شدم و پیامبر خدا به عیادت آمد و فرمود: بگو خداوندا! از تو می خواهم عافیتی را که می دهی، پیش اندازی. بر امتحان خویش، بردباری ام بخشی و مرا به سوی رحمت خویش ببری. من این دعا را خواندم و پس از آن، از بستر بیماری برخاستم. گویا از بندی رسته باشم.(۳)

امام سجاد علیه السلام در دعای خویش به گاه بیماری فرموده است:

خداوندا! بر سلامت تنم که پیوسته با آن به کار خویش پرداخته ام، تو را سپاس می گویم و [نیز] بر آن بیماری که بر تنم عارض کردی، تو را سپاس می گویم. اکنون ای خدای من! نمی دانم کدام یک از این دو حال سزاوارتر برای سپاس گزاردن توست و کدام یک از این دو وقت، سزاوارترست برای ستودن تو: زمان تندرستی که در آن روزی های پاک خویش را گوارايم ساختی و مرا به آنها برای جستن خشنودی و فضل خود، شور و نشاط بخشیدی و با

ص: ۱۱۵

۱- همان، ح ۱۸۸۲۰.

۲- الکافی، ج ۲، ح ۲، ص ۵۲۰.

۳- مسند زید، ص ۱۸۱.

برخورداری از آنها بر آن اطاعت ها که توفیقش را ارزانی ام داشتی، توانا ساختی؟ یا زمان بیماری که مرا بدان آزمودی؟ و نعمت هایی که به من ارمغان دادی تا مایه سبک شدن بار گناهانی شود که پشتم را سنگین کرده بود و مایه طهارت از آن گناهانی باشد که در آن غوطه ور شده بودم و توجه دهنده ای باشد که به تو بازگردم و یادآوری باشد که گناه را به برکت نعمت دیرین تو بزدایم.

در این مدت بیماری، کاتبان اعمال برایم آن اندازه اعمال پاک نوشتند که نه به دلی خطور کرده است، نه بر زمانی گذشته و نه اندامی توان انجام دادنش را یافته، بلکه این همه فضل تو بر من بوده است و احسان و نیکی که بر من روا داشته ای. پروردگارا! پس بر محمد و خاندانش درود فرست و آنچه را برایم بدان خرسندی، محبوبم بدار. آنچه را بر من وارد آورده ای، آسان و گوارایم ساز و مرا از آلودگی هایی که پیش تر انجام داده ام، پاک بدار و بدی هایی را که پیش فرستاده ام، [از نامه عملم] بزدای و شیرینی عافیت و خنکای سلامت را به من بچشان.

برون شد مرا از بیماری به سوی عفو خویش، بازگشت مرا از درون بسترنشینی ام به سوی چشم پوشی خویش، رهایی از درد و رنجم را به فراخنای رحمت خویش و سلامت یافتنم از این سختی را به آستان گشایش خویش، قرار ده! تویی که نیکی ات سرشار است و دست منتت بر همه گشاده. بخشنده و بزرگوار و صاحب جلال و اکرامی. (۱)

۷. پاداش احسان با احسان

۷. پاداش احسان با احسان

در آموزه های دینی، همان گونه که احسان به بیمار وظیفه عیادت کننده است و خداوند به عیادت کننده پاداش می دهد، پاسخ دادن به احسان نیز وظیفه عیادت شونده است. درست است که عیادت کننده، مسئولیت الهی _ انسانی خود را انجام می دهد و پاداش او بر خداوند است، ولی عیادت شونده نیز در مقابل مسئولیتی دارد. قدردانی از عیادت کننده

ص: ۱۱۶

و احترام او به وسیله بیمار و خانواده اش نخستین پاداش است. دعای بیمار برای او نیز زیباترین پاسخ به احسان است و عیادت متقابل از عیادت کننده هنگام بیماری او در آینده، خود نمونه ای از این احسان است. (۱)

۸. سپاس گزاری بیمار از پرستار

۸. سپاس گزاری بیمار از پرستار

در برخورد های اجتماعی، یکی از عوامل محبت آفرین، روحیه سپاس گزاری، قدردانی و حق شناسی است. از آنان که در خوب شدن ما سهمی داشته اند، آنان که در گرفتاری ها به کمک ما می شتابند و در مشکلات با ما هم دردی می کنند، باید سپاس گزاری کرد. فرهنگ سپاس و حق شناسی از نیکی ها و نیکوکاران، جزئی از آموزه های اسلام و برنامه های دینی است و هر چه این فرهنگ فراگیرتر شود، نیکوکاری نیز تداوم بیشتری می یابد. از حضرت علی علیه السلام روایت است که فرمود:

کسی که به او انعام و احسانی شده است، باید به خوبی و شایستگی بر نعمت دهنده نیکی کند و نعمت و احسان او را جبران کند. اگر از جبران عملی ناتوان بود، با ستایشی شایسته و ثنای نیک برخورد کند. اگر از ستایش زبانی هم ناتوان بود، حداقل نعمت را بشناسد و به نعمت دهنده محبت داشته باشد و اگر این را هم ندارد و نتواند، پس شایسته آن نعمت نیست. (۲)

از حضرت رضا علیه السلام هم نقل است: «من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزوجل؛ هر کس مخلوق های نعمت دهنده را سپاس نگوید، خدای را سپاس نگفته است». (۳)

به فرموده امام کاظم علیه السلام، خداوند، بنده سپاس گزار را دوست دارد. در قیامت به برخی از بندگانش خطاب می کند: آیا فلانی را سپاس گفتی؟ می گوید: پروردگارا! من تو را شکر کردم. خداوند می فرماید: اگر از او تشکر نکرده ای، پس مرا هم سپاس نگفته ای. (۴)

ص: ۱۱۷

۱- زیارت خدا، پژوهشی پیرامون عیادت در اسلام، ص ۷۴.

۲- بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۵۰.

۳- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۵۳.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۹۹.

سفارش امام سجاد علیه السلام را در رساله الحقوق از یاد نبریم که در مورد حق کسی که به ما نیکی کرده است، می فرماید:

حق کسی که صاحب نیکی بر توست، این است که سپاس گزار او باشی و کار نیک او را یاد کنی و خالصانه بین خود و خدایت در حق او دعا کنی و درباره او گفتار نیک داشته باشی. اگر چنین کنی، در نهان و آشکار، او را سپاس گفته ای و اگر هم روزی قدرت جبران داشته باشی، نیکی او را جبران کنی.

چه خوب است که گله و انتقاد از بدی ها و نارسایی ها هیچ گاه در دستور کار ما نباشد، بلکه چشم نیک بین داشته باشیم و از خوبی ها و خوش رفتاری های خدمت گزاران به ویژه در محیط بیمارستان ها و مراکز درمانی، به هر زبانی که می توانیم تشکر کنیم. همچنین سخن امام صادق علیه السلام را به کار بندیم که فرمود:

أَشْكُرُ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيَّكَ، وَأَنْعَمُ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنَّعْمَاءِ إِذَا شَكَرَتْ وَلَا تَقَاءَ لَهَا إِذَا كَفَرَتْ وَالشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النَّعْمِ وَ
أَمَانٌ مِنَ الْغَيْرِ. (۱)

نسبت به کسی که بر تو نعمتی داده است، سپاس گذاری کن و نسبت به کسی که از تو سپاس گذاری کرده است، احسان و انعام کن؛ چون اگر از نعمت ها سپاس گذاری شود، زوال نمی پذیرد و اگر ناسپاسی شود، دوام نمی یابد. شکر و سپاس موجب افزایش نعمت ها و ایمنی از تغییر و دگرگونی است.

داشتن زبان سپاس، نرم کننده دل ها، افزایش عواطف و زداینده کدورت ها و دشمنی هاست.

ص: ۱۱۸

فصل دوم: وظایف عیادت کنندگان

زیر فصل ها

اهمیت و ارزش عیادت

حکمت عیادت

عیادت برای خدا

آداب عیادت بیمار

آثار عیادت

اهمیت و ارزش عیادت

اهمیت و ارزش عیادت

در آموزش های اسلامی، عیادت بیمار ارزش ویژه ای دارد. پاداش هایی که اسلام برای عیادت بیمار در نظر گرفته، چنان زیاد است که شمارش آنها را ناممکن می سازد. این پاداش ها انگیزه ای بسیار قوی برای عیادت بیماران است. (۱)

هر کس ممکن است با بیماری روبه رو شود. در چنین حالتی، بیمار به تقویت جسمی و روحی نیازمند است تا سلامت کامل خود را بازیابد و به زندگی و فعالیتش ادامه دهد. بدیهی است اگر اطرافیان بیمار از کنار او بی اعتنا بگذرند و به بهبود او توجهی نداشته باشند، روحیه خود را از دست می دهد و بیماری اش به درازا می انجامد. اگر بی اعتنایی در بین افراد جامعه شدت یابد، صفا و صمیمیت و هم دردی و برادری از میان می رود و در نهایت، جامعه ای بی روح و به دور از ارزش ها شکل می گیرد. آیین مقدس اسلام به ارزش های والا و باروری آن در جامعه توجه خاصی دارد. از این رو، عیادت از بیمار را به عنوان یک رفتار اخلاقی، انسانی و الهی مورد تأکید قرار داده است. در مکتب انسان ساز اسلام، عیادت از بیمار و دیدار او از اهمیت و ارزش ویژه ای برخوردار است؛ چون این رفتار نیک اخلاقی مورد خشنودی خداوند است و در تحکیم روابط انسانی و صمیمیت و دوستی در جامعه نقش بسزایی ایفا می کند.

ص: ۱۱۹

از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

مَنْ عَادَ مَرِيضًا شَيْعُهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يَرْجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ. (۱)

هر کس بیماری را عیادت کند، هفتاد هزار فرشته، او را مشایعت می کنند و برای او تا زمانی که به خانه اش برگردد، استغفار می کنند.

ایشان در حدیثی دیگر می فرماید:

أَيُّمَا مُؤْمِنٍ عَادَ مُؤْمِنًا فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي مَرَضِهِ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا مِنَ الْعُودِ يَعُودُهُ فِي قَبْرِهِ وَ يَسْتَغْفِرُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (۲)

هرگاه مؤمنی، مؤمن دیگر را برای رضای خدا در حال بیماری اش عیادت کند، خداوند، فرشته ای از عیادت کنندگان را موکل می سازد. آن فرشته، او را در قبرش عیادت و تا روز قیامت برای او استغفار می کند.

از سوی دیگر، امام علی علیه السلام، اهمیت عیادت بیمار را نسبت به دیگر اعمال چنین بیان می دارد: «مِنْ أَحْسَنِ الْحَسَنَاتِ عِيَادَةُ الْمَرِيضِ؛ عیادت بیمار، پسندیده ترین کارهای نیک است». (۳)

امام صادق علیه السلام در حدیثی درباره پاداش عیادت می فرماید:

هر کس بیماری از مسلمانان را عیادت کند، خداوند برای همیشه، هفتاد هزار فرشته را با او می گمارد که به خانه او درمی آیند و در آن تا روز قیامت تسبیح و تقدیس خداوند و «لا اله الا الله» و «الله اکبر» می گویند و نیمی از نماز آنان برای عیادت کننده بیمار است. (۴)

هدف اصلی عیادت، تکریم بیمار است و مرهم نهادن بر زخم های دل او. هر کار مشروعی که در تخفیف بار اندوه بیمار مؤثر باشد و روحیه او را تقویت کند و امید از

ص: ۱۲۰

۱- وسائل الشیعه، ج ۲، ح ۲۵۱۰، ص ۴۱۵.

۲- الکافی، ج ۳، ح ۶، ص ۱۲۰.

۳- الجعفریات، ح ۲۴۰.

۴- الکافی، ج ۳، ح ۵، ص ۱۲۰.

دست رفته اش را به او بازگرداند، پسندیده است؛ حتی اگر یک احوال پرسی صمیمانه یا یک لبخند امیدبخش باشد. هر سخن و رفتاری که مایه تضعیف روحیه او شود و دورنمایی تاریک از آینده، پیش رویش ترسیم کند، ناپسند است. تلقین ناامیدی و ضعف می تواند انسان سالم را به بستر بیماری بیندازد و تلقین امید و ایمان و نشاط می تواند انسان را از بستر بیماری بیرون کشاند. (۱)

بیمار بیش از آنکه در انتظار پزشک و دارو باشد، چشم به راه انسانی پرعاطفه و باایمان و مثبت نگر است. او منتظر است تا پرستاری مهربان در کنار بسترش بنشیند و چشمان سرشار از محبت و امیدش را به دیدگان بی فروغ او بدوزد و با لبخندی که پیام حیات و نشاط را همراه دارد، سخنانی امیدبخش را که از آهنگ لطافت و مهربانی آکنده است، در گوش جاننش زمزمه کند. اگر چنین باشد، احساس تازه ای به بیمار دست می دهد؛ حالش بهتر و بهتر می شود و ابرهای تیره ناامیدی و رنجوری از آسمان دلش دور می گردد. افق های جدیدی پیش دیدگانش گشوده می شود و ناگاه به خود می آید که سالم و شاداب شده است و نیروی تازه ای برای ادامه زندگی یافته است.

علاوه بر مرهم نهادن بر دل بیمار و ترمیم زخم های عاطفی و روانی او، از کمک های دیگر نیز نباید کوتاهی کرد، مانند کمک مالی، معرفی پزشک باتجربه، توصیه به ادامه درمان، راهنمایی و بیان تجربه های خود در زمینه بیماری و هر آنچه در بهبود بیمار مؤثر است و برای عیادت کننده امکان پذیر است. نیاز به بیان نیست که هر کاری در این رهگذر، محبوب خداوند است و پاداشی گران قدر در پی دارد. (۲)

امام صادق علیه السلام، جایگاه عیادت کننده را در پیشگاه خداوند چنین بازگو می کند:

روز قیامت، بنده مؤمنی به سوی خدای تعالی خوانده می شود و حسابش به آسانی انجام می پذیرد. آن گاه خداوند خطاب به او می فرماید: ای مؤمن! چه

ص: ۱۲۱

۱- زیارت خدا، پژوهش پیرامون عیادت در اسلام، صص ۳۴ و ۳۵.

۲- همان، ص ۳۶.

چیز تو را مانع شد هنگامی که بیمار بودم، به عیادت بیایی؟

او می گوید: تو پروردگار من هستی و من بنده تو هستم. تو زنده و پایداری و درد و ناراحتی به تو نمی رسد. خدای عزوجل می فرماید: کسی که مؤمنی را عیادت کند، مرا عیادت کرده است. پس می فرماید: آیا فلانی، پسر فلانی را می شناسی؟ می گوید: بلی! چه چیز تو را مانع شد که هنگام بیماری اش، او را عیادت کنی؟ همانا اگر او را عیادت می کردی، مرا عیادت کرده بودی و مرا نزد وی می یافتی. آن گاه اگر از من درخواست برآوردن حاجت را داشتی، برایت برآورده می ساختم و آن را رد نمی کردم. (۱)

مولوی این حدیث را به نظم درآورده است. با این تفاوت که می گوید: خداوند به حضرت موسی علیه السلام وحی کرد. آن گاه قسمت اول حدیث را با این عنوان آغاز می کند: «چرا به عیادت من نیامدی».

آمد از حق سوی موسی این عتیب

کای طلوع ماه تو دیده ز جیب

مشرق کردم ز نور ایزدی

من، حقم، رنجور گشتم نامدی

گفت: سبحانا! تو پاکی از زیان

این چه رمز است این بکن یا رب بیان

باز فرمودش که در رنجوری آم

چون نپرسیدی تو از روی کرم

گفت: یا رب! نیست نقصانی تو را

عقل گم شد، این گره را بر گشا

گفت: آری، بنده خالص کزین

ص: ۱۲۲

گشت رنجور او منم، نیکو بین

هست معذوریش معذوری من

هست رنجوریش رنجوری من

هر که خواهد هم نشینی با خدا

او نشیند در حضور اولیا(۱)

به خاطر همین وظیفه سنگین و واجب است که حضرت سجاد علیه السلام، آن گاه که همسایگان و دوستان خود را یاد می کند، از خداوند به استغاثه می خواهد به آنان توفیق دهد تا از بیماران خود عیادت کنند:

خداوند! به روان مقدس محمد و آل محمد رحمت فرست و مرا در ادای حقوق همسایگان و دوستانم که شناسای حق مایند و با دشمنان ما در ستیز هستند؛ به برترین صورت یاری ده و توفیق شان عطا کن تا سنت های مقدس تو را برپای دارند و به آداب پسندیده تربیت شوند و به آنان توفیق ده تا دست حمایت به سوی مستمندان پیش آورند و قوت خویش را در راه کمک به ناتوان به کار برند، به دوستی تیره بختان برخیزند و از بیمارانشان عیادت کنند.(۲)

حکمت عیادت

حکمت عیادت

انسان هنگامی که از نعمت سلامتی برخوردار است، ارزش آن را نمی داند و گاهی دچار غفلت می شود و چیزی که این غفلت را از انسان دور می کند، عیادت و دیدار از بیمار است. اگر انسان بیمار شود، بیماری سبب بیداری انسان می شود و اگر به عیادت بیماری رود، این عیادت عامل یادآوری است. انسان با عیادت بیمار، نعمت های الهی را یاد می کند. به ناتوانی خود پی می برد، از بی ارزشی دنیا آگاه می شود و به یاد آخرت می افتد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «عُودُ وَالْمَرِيضِ وَاتَّبِعُوا الْجَنَائِزَةَ يَذَكِّرْكُمْ

ص: ۱۲۳

۱- مثنوی معنوی، دفتر دوم، صص ۲۰۰ و ۳۰۱.

۲- صحیفه سجاده، دعای ۲۶.

الأخِرَة؛ به عیادت بیمار بروید و در تشییع جنازه شرکت کنید که شما را به یاد آخرت می اندازد» (۱).

از سوی دیگر سفارش شده است که بیمار از ناراحتی خود شکایت نکند. پیامبر اسلام می فرماید:

از مؤمن و بی تابی او از بیماری، تعجب می کنم. اگر می دانست چه ثوابی در بیماری هست، بی گمان دوست می داشت پیوسته بیمار باشد تا آن گاه که پروردگار عزوجل خود را دیدار کند. (۲)

ایشان در روایتی دیگر می فرماید:

خدای عزوجل فرمود: هر که سه روز بیمار شود و از آن به هیچ یک از عیادت کنندگانش شکوه نکند، گوشت و خونی بهتر از آن گوشت و خونی که دارد، جای گزینش کنم. پس اگر او را عافیت بخشم، عافیتی بدون گناهش دهم و اگر جاننش بستانم، او را در جوار رحمت خود برم. (۳)

امام صادق علیه السلام نیز در توضیح روایت پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

شکایت از بیماری این نیست که آدمی بگوید دیشب بیمار شدم یا دیشب دردمند و ناخوش بودم، بلکه شکایت این است که بگوید: به چنان دردی گرفتار شدم که هیچ کس گرفتار آن نشده است. (۴)

عیادت برای خدا

عیادت برای خدا

از نمونه های برجسته خوش اخلاقی، عیادت بیماران است؛ چه از خویشان و اقوام باشند یا دوست و آشنا یا حتی غریب و ناآشنا. به قول سعدی: «قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید».

تندرستی از نعمت های ناشناخته الهی است. آن که بیمار می شود، چشم به راه دیدار و

ص: ۱۲۴

۱- میزان الحکمه، ج ۱۱، ح ۱۸۸۵، ص ۵۵۳۰.

۲- همان، ح ۱۸۷۷۶، ص ۵۵۲۲.

۳- همان، ح ۱۸۷۸۶.

۴- همان، ح ۱۸۷۹۱.

احوال پرسی دوستان و بستگان است و از دل جویی آنان خرسند می شود. رفت و آمد به خانه بیماران و عیادت از آنان از اخلاق پیامبران و سبب تحکیم رابطه ها و تقویت دوستی هاست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عیادت بیماران می رفت. حتی یک بار از یک یهودی که از همسایگان ایشان بود، عیادت کرد.^(۱)

آنچه به عیادت ارزش می بخشد، اخلاص در عیادت است. عیادت از بیمار بی کس و ناآشنایی که بیش از دیگران چشم به راه دیدارکنندگان است، پاداش بسیاری دارد و مایه آسانی حساب قیامت است؛ زیرا با این کار در حقیقت، انسان به دیدار خداوند می رود.

در حدیث قدسی آمده است: «مَنْ عَادَ مُؤْمِنًا فَيَّ فَقَدَ عَادَنِي؛ هر کس در راه من (به خاطر خدا) مؤمنی را عیادت کند، مرا عیادت کرده است.»^(۲) این کار تنها برای خداست. بنابراین، نباید در دادن هدیه و رفتن به عیادت بیمار انتظار جبران آن را داشته باشیم و بگوییم که چرا ما به عیادتش رفتیم، ولی او به عیادت ما نیامد. رسول گرامی اسلام فرمود:

به عیادت کسی برو که از تو عیادت نکرده است و برای کسی هدیه ببر که برای تو هدیه و سوغات نیاورده است.^(۳)

نکته دیگر اینکه برخی به هر دلیل، عیادت و احوال پرسی شان غیرحضور است. می کوشند تا به وسیله این و آن یا از راه تلفن و نامه، احوال پرسی کنند. گرچه با این روش هم می توان از کسی خبر یافت، ولی دیدار رویارو و چهره به چهره، شیرینی و برکت دیگری دارد. امام هادی علیه السلام می فرماید:

مُلاقاهُ الْإِخْوَانِ نَشْرَةٌ وَ تَلْقِيحُ الْعَقْلِ وَإِنْ كَانَ نَزْرًا قَلِيلًا.^(۴)

دیدار برادران، سبب انبساط خاطر و باروری اندیشه است، هر چند کوتاه و

ص: ۱۲۵

۱- مکارم الاخلاق، ص ۳۵۹.

۲- همان، ص ۳۶۰.

۳- کنز العمال، ح ۲۵۱۵.

۴- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۹۸.

اندک باشد.

با این همه آثار و برکات، دیگر چه جای درنگ و بهانه آوردن برای دیدار و عیادت بیماران باقی می ماند. مردم به ویژه بیماران، گرفتاران و دردمندان نیازمند احوال پرسی و رسیدگی هستند، ولی تمام این کارها باید رنگ خدایی داشته باشد و برای خشنودی خداوند مهربان انجام پذیرد.

آداب عیادت بیمار

اشاره

آداب عیادت بیمار

«عیادت» عبادت است و نیازمند اخلاص و هدف پاک. عیادت؛ یعنی به دیدار بنده ای از بندگان خدا رفتن؛ زخم های عاطفی و جسمی اش را التیام بخشیدن؛ نیازهایش را در حد توان برآوردن؛ کرامتش را پاس داشتن؛ شرافتش را ارج نهادن و چشم داشتی جز خشنودی خداوند نداشتن. آن گاه است که لطف و پاداش خدا، برتر از انتظار و پندار انسان است و همانند باران رحمت بر جان عیادت کننده سرازیر می شود. توجه به این سخن امام صادق علیه السلام، جان را از شوق سرشار می کند: (۱)

کسی که از برادر دینی خود در بیماری و یا سلامتی عیادت کند و این دیدار از روی نیرنگ و فریب و سودجویی نباشد، خداوند، هفتاد هزار فرشته را مأمور می کند تا از پشت سر او ندا دهد: پاک گشتی و بهشت برایت گوارا شد؛ شما زائران و مهمانان خدا هستید. فرشتگان این ندا و بشارت را ادامه می دهند تا عیادت کننده به خانه اش باز گردد. (۲)

کسی که به عیادت بیمار می رود، می تواند با گفتار و رفتارش تأثیر بسزایی در بهبودی و سلامتی بیمار بگذارد. بیمار ممکن است از نظر روحی دچار ضعف شده باشد. پس بهترین دارو، روحیه بخشیدن به اوست. بنابراین، نیکوست که اطرافیان و

ص: ۱۲۶

۱- زیارت خدا، پژوهشی پیرامون عیادت در اسلام، ص ۴۲.

۲- بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۱۸۸.

عیادت کنندگان، وی را به بهبودی امیدوار کنند و از رحمت و عنایت حضرت حق سخن بگویند. معصوم علیه السلام در این باره می فرماید:

سزاوار است در حالت بیماری به ویژه بیماری که ممکن است به مرگ بیانجامد، امید او نسبت به ترس بیشتر شود. (۱)

امید به رحمت الهی و امید به زندگی همانند داروی شفابخشی عمل می کند. هر چه بیمار از نظر روحی و روانی، خوشحال تر و امیدوارتر شود، عیادت کننده هم بیشتر مورد توجه پروردگار قرار می گیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «عَائِدُ الْمَرِيضِ يَحُوضُ فِي الرَّحْمَةِ؛ عیادت کننده از بیمار، در رحمت خدا غوطه ور است». (۲)

و در جای دیگر رسول گرامی اسلام می فرماید:

گام هایی که عیادت کننده بیمار از خانه خود تا نزد او برمی دارد، در باغ های بهشت برداشته می شود. (۳)

اسامه بن زید که از مسلمانان شجاع و کاردان صدر اسلام بود، بیمار شد. امام حسین علیه السلام به عیادت او رفت و پس از احوال پرسی، وی را غمگین دید. به او فرمود: چرا غمگین هستی؟ عرض کرد: به اندازه شصت درهم بدهکاری دارم. امام حسین علیه السلام فرمود: ادای آن با من. عرض کرد: می ترسم پیش از ادای قرض بمیرم. امام فرمود: نمی میری تا آن را ادا کنم و همان گونه که فرموده بود، آن حضرت پیش از مرگ اسامه، قرض او را ادا کرد. (۴)

دیدار از بیمار آدابی دارد که باید آنها را رعایت کرد. از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

ص: ۱۲۷

۱- مستدرک الوسائل، ج ۲، ح ۱۵۸۹، ص ۱۱۸.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۵۳.

۳- الفردوس، ج ۲، ح ۲۹۶۲، ص ۱۹۳.

۴- داستان ها و پندها، ج ۵، ص ۱۱۵.

۱. دل جوئی و ہم دردی

عیادت از بیمار، کاری ظریف و دقیق است. هر گفتار و رفتار عیادت کننده، واکنش عیادت شونده را در پی دارد. حتی نگاه ها و حالت های چهره او نیز در روحیه بیمار اثر می گذارد. بنابراین، مراقبت و دقت در گفتار و رفتار، از وظایف ضروری عیادت کننده است. بیمار بر اثر ضعف جسمی و روحی ممکن است بیماری خود را از آنچه هست، بزرگ تر و سخت تر انگارد. این پندار بر شدت بیماری اش می افزاید. وظیفه عیادت کننده است که پس از نشستن کنار بیمار، حال او را بپرسد و از او دل جوئی کند. همچنین بیماری اش را کوچک جلوه دهد و سبب آرامش خاطر و تسکین دردش شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله، رفتاری را که بیانگر دل جوئی از بیمار و محبت به اوست، مشخص کرده است و می فرماید:

تَمَامُ عِيَادَةِ الْمَرِيضِ أَنْ يَضَعَ أَحَدُكُمْ يَدَهُ عَلَيْهِ وَيَسْأَلُهُ كَيْفَ أَنْتَ؟ كَيْفَ أَصْبَحْتَ؟ وَ كَيْفَ أَمْسَيْتَ؟ (۱)

کمال عیادت بیمار آن است که دست بر سر او ب نهی، حالش را بپرسی و از اینکه شب و روز خود را چگونه گذرانده است، بپرسی.

شاید بیماری که به عیادتش رفته ایم و می پنداریم تنها مشکل او بیماری است، مشکل های دیگری نیز داشته باشد که بسا از بیماری اش سخت تر باشد یا دردی در دلش باشد که او را بیش از بیماری اش رنج دهد. گاهی ممکن است بیمار، ناراحتی پنهانی اش را آشکار کند و گاهی کرامت نفس و متانت طبع او مانع از آن شود. شاید در پس چهره آرام بیمار، اندوهی سنگین نهفته باشد، ولی نگذارد ما آن را ببینیم یا در دل او دلهره و اضطرابی جان کاه باشد که آن را نمایان نمی کند.

وظیفه عیادت کننده علاوه بر مرهم نهادن بر درد آشکار بیمار، توجه به رنج ها و نیازهای پنهانی اوست. گره گشایی از کار نیازمندان از مهم ترین رسالت های مردمان متدین و متعهد است که ارزش پاداش الهی آن جز با معیارهای والای الهی قابل سنجش نیست.

ص: ۱۲۸

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «وَاللَّهِ لَقَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَاعْتِكَافِهِ؛ به خدا سوگند، بر آوردن نیاز مؤمن بهتر از یک ماه روزه و اعتکاف است.» (۱)

۲. کوتاه کردن زمان عیادت

۲. کوتاه کردن زمان عیادت

از نکته های دیگری که باید هنگام عیادت بیمار رعایت شود، کوتاه کردن زمان عیادت است. نشستن بیش از حد نزد بیمار، او را ناراحت می کند. بنابراین، خوب است عیادت از بیمار کوتاه باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «خَيْرُ الْعِيَادَةِ أَحْفَاهَا؛ بهترین عیادت آن است که سبک تر برگزار شود.» (۲) ایشان در جای دیگر می فرماید: «أَعْظَمُ الْعِيَادَةِ أَجْرُهَا؛ پُراچ ترین عیادت، سبک ترین آنهاست.» (۳)

گاهی اوقات که انسان به عیادت بیمار می رود، ممکن است از روی نادانی یا غرض ورزی، چنان بیمار را خسته کند که عیادت او از خود بیماری رنج آورتر باشد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «فَإِنَّ عِيَادَةَ النَّوْكَى أَشَدُّ عَلَى الْمَرِيضِ مِنْ وَجَعِهِ؛ دیدار نادان و احمق برای بیمار از خود بیماری دشوارتر است.» (۴)

استراحت و آرامش از جمله نیازهای اساسی بیمار است که در بهبودی اش تأثیر قابل توجهی دارد. از این رو، عیادت کننده باید زمان دیدار را کوتاه کند تا بیمار بتواند به استراحت پردازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زمان عیادت را چنین تعیین کرده است: «یک روز در میان در صورتی که بیماری سخت و سنگین است، یا هر سه روز، یک بار، بیمار را عیادت کنید.» (۵)

ص: ۱۲۹

۱- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۵.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۱، ح ۱۸۸۰۶، ص ۵۵۳۰.

۳- همان، ح ۱۸۸۰۷.

۴- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۴۲.

۵- محجه البیضاء، ج ۳، ص ۴۱۰.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز بیشترین پاداش را برای کسی می داند که زمان عیادتش کوتاه باشد، مگر آنکه خود بیمار از او درخواست ماندن کند:

إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْعُودِ أَجْرًا لِلَّهِ لِمَنْ إِذَا أَعَادَ أَخَاهُ خَفَّفَ الْجُلُوسَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ الْمَرِيضُ يُحِبُّ ذَلِكَ وَ يُرِيدُ وَيَسْأَلُهُ ذَلِكَ. (۱)

همانا پاداش عیادت کننده ای در پیشگاه خدا بیشتر است که هنگام عیادت از برادر دینی اش، تنها اندکی نزد او بنشیند، مگر آنکه خود بیمار آن را دوست داشته باشد و از او بخواهد که زمان بیشتری در کنارش باشد.

در روایتی آمده است که مسلمانان دیدند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سر به آسمان برداشت و لبخندی زد. علتش را پرسیدند. فرمود: از دو فرشته ای تعجب کردم که از آسمان به زمین فرود آمدند و به سراغ بنده مؤمن و درست کاری رفتند که در مصلاش نماز می خواند تا عمل روز و شب او را بنویسند. وی را در محل نمازخواندنش نیافتند. پس به آسمان رفتند و عرض کردند: پروردگارا! ما به سراغ فلان بنده ات در مصلاش رفتیم تا عمل شبانه روز او را بنویسیم، ولی پیدایش نکردیم، بلکه او را در دام بیماری یافتیم. خدای عزوجل فرمود: برای بنده من، تازمانی که در دامن من است، مانند خیر و ثواب کاری را بنویسید که در زمان سلامتی اش در شب و روز انجام می داد؛ زیرا بر من است که وقتی سلامتی را از او باز می گیرم، پاداش کاری را که در زمان تندرستی اش می کرد، برایش بنویسم. (۲)

۳. هم دردی و همراهی

۳. هم دردی و همراهی

همراهی و هم دردی با مسلمان بیمار که درد و رنج، وجودش را فرا گرفته است، از وظایف مهم عیادت کننده و جامعه اسلامی به شمار می رود. جامعه را چون پیکر واحدی می داند که در یک مسیر به سوی خداوند در حرکت و تکاپوست، به گونه ای که اگر عضوی از آن دچار مشکل و ناراحتی شود، دیگر اعضا به یاری اش می شتابند و با

ص: ۱۳۰

۱- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۷۹.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۱، ح ۱۸۷۷، ص ۵۵۲۵.

محبت و کمک خود، درمانش می کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اشاره به جامعه اسلامی و تشبیه آن به یک پیکر، هم دردی با بیمار را مورد تأکید قرار داده است:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ فِي تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ بِمَنْزِلَةِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا شَتَكَ مِنْهُ عَضْوٌ وَاحِدٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْحَمَى وَالسَّهْرِ. (۱)

همانا، مؤمنان در مهربانی و عطف به یکدیگر همانند یک پیکرند که وقتی عضوی از آن به درد می آید، دیگر اعضا در تب داری و بیداری با او همراهی می کنند.

در واقع، غم ها و ناراحتی ها در جسم انسان هم اثر می گذارد و او را بیمار می کند. امام صادق علیه السلامی فرماید: «حضرت مسیح علیه السلام همیشه می گفت: هر کس هم و غمش زیاد بشود، بدنش هم ناخوش و بیمار می گردد». (۲)

بنابراین، شایسته است با هم دردی و عیادت از بیمار، شادابی و نشاط روحی را به او بازگردانیم. هدف از عیادت بیمار، اظهار محبت و ادای حقوق برادری و به دست آوردن پاداش است. پس کسی هم که به عیادت بیمار می رود، نباید از او انتظار پذیری داشته باشد، بلکه باید به کمک بیمار بشتابد و با بیمار و خانواده هم دردی کند. پیامبر از خوردن چیزی نزد بیمار نهی کرده است؛ زیرا عیادت کننده با این کار، پاداش خود را از بین می برد. (۳)

۴. هدیه دادن

۴. هدیه دادن

در قلمرو عیادت، هدیه جایگاه ویژه ای دارد. زدودن سایه های اندوه از چهره بیمار و گشودن پنجره امید در مقابل چشمان او از والاترین ارزش هاست. هدیه دادن به بیمار در

ص: ۱۳۱

۱- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، انتشارات اسوه، ج ۱، ص ۵۶.

۲- بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۷.

۳- نهی رسول الله صلی الله علیه و آله أَنْ يَأْكُلَ الْعَائِدُ عِنْدَ الْعَلِيلِ فَيَجْبُطَ اللَّهُ أَجْرَ عِيَادَتِهِ؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۸.

آفرینش این ارزش، نقش بسزایی دارد. هدیه دادن، پیام دوستی و مهر و وفا و زدودن کینه ها را در خود دارد. پیام امید و صمیمیت و یک رنگی و اخلاص است که سبب خشنودی محبوب متعال خواهد شد. بیش از آنکه جنبه مادی هدیه مورد نظر باشد، ارزش معنوی آن مورد توجه است. اثر هدیه، پیوند دل ها، تحکیم دوستی ها، زدودن کینه ها و تکریم شخصیت هدیه گیرنده است.

هدیه بیش از آنکه شیئی مادی باشد، مرهمی است شفا بخش بر رنج های دل بیمار و بیش از آنکه شکاف مادی زندگی اش را پر کند، خلأ معنوی و احساسی او را هر چند اندک جبران می کند و سبب تقویت روحیه او می شود. (۱)

امام صادق علیه السلام فرموده است:

تَهَادُوا تَحَابُّوا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تُدْهِبُ بِالضَّغَائِنِ. (۲)

به یکدیگر هدیه دهید تا پیوندهای محبت را استوار سازید. همانا هدیه، کینه ها و کدورت ها را می زداید.

هدیه دادن، نشانه محبت و توجه خاص به طرف مقابل است. عیادت کننده با دادن هدیه ای اگرچه ناچیز، صفا و صمیمیت قلبی اش را به بیمار نشان می دهد. یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: ما به عیادت فردی از دوستان ایشان می رفتیم که بیمار بود. در بین راه آن حضرت به ما برخورد و فرمود: کجا می روید؟ گفتیم: به عیادت فلانی. فرمود: بایستید! چون ایستادیم، فرمود: آیا قدری سیب، گلابی، بالنگ یا اندکی عطر و عود به همراه دارید؟ گفتیم: خیر، چیزی از اینها با خود نداریم. فرمود: آیا نمی دانید که بیمار به خاطر آنچه برایش می آورند، خوشحال می شود. (۳)

۵. دعا کردن برای یکدیگر

۵. دعا کردن برای یکدیگر

ص: ۱۳۲

۱- زیارت خدا، پژوهشی پیرامون عیادت در اسلام، ص ۴۵.

۲- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۴.

۳- محجبه البيضاء، ج ۳، ص ۴۱۱.

از آداب مهم عیادت و وظایف عیادت کننده در مجلس عیادت، دعا برای بیمار است. پیشوایان اسلام این ادب و وظیفه دینی را با گفتار و رفتار خود بیان کرده اند. پیامبر اسلام فرمود:

بیماران را عیادت کنید و برای بیمار این گونه دعا کنید: خداوندا! او را به لطف خویش شفا بخش و با دواى خود مداوا کن و او را از بلایت در عافیت دار. (۱)

از دیدگاه اسلام، مراجعه به پزشک و استفاده از دارو گرچه برای سلامتی بیمار مؤثر است، ولی شفای کامل به دست خداوند است. از این رو، نباید در هیچ حالی خداوند را فراموش کرد و از دعای عیادت کنندگان در حق بیمار غفلت ورزید. امام کاظم علیه السلام با توجه به تأثیر دعای عیادت کننده از بیمار می خواهد که اجازه دهد تا مردم به دیدارش آیند و برای شفا و سلامتی اش دعا کنند:

وَ إِذَا مَرَضَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْذِنِ لِلنَّاسِ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ لَهُ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ. (۲)

هر زمانی که یکی از شما بیمار شد، به مردم اجازه دهد تا به دیدارش بیایند؛ زیرا کسی از (عیادت کنندگان) نیست مگر آنکه دعای اجابت شده ای (برای بیمار) در پیشگاه خدا دارد.

امام صادق علیه السلام نیز به شیوه دعا کردن اشاره فرموده است:

دست خود را بر سر بیمار نهاده، می گویی «بِسْمِ اللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». آن گاه آیه الکرسی، سوره های حمد، فلق، ناس و ده آیه از آغاز سوره یاسین می خوانی و پس از آن می گویی: اللَّهُمَّ اشْفِهِ بِشَفَائِكَ وَ دَاوِهِ بِدَوَائِكَ وَ عَافِهِ مِنْ بَلَائِكَ. آن گاه به حق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله، استجابت دعا را از خدای متعال درخواست می کنی. (۳)

ص: ۱۳۳

۱- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۲۴.

۲- فروع کافی، ج ۳، ص ۱۱۷.

۳- بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۱۶.

از سوی دیگر، دعای بیمار نیز به اجابت نزدیک است. حضرت امام صادق علیه السلام در روایتی درباره به اجابت رسیدن دعای بیمار می فرماید:

ثَلَاثَةٌ دَعْوَتُهُمْ مُسْتَجَابَةٌ الْحَاجُّ وَالْغَازِي وَالْمَرِيضُ فَلَا تَغِيظُوهُ وَلَا تَضْجُرُوهُ. (۱)

دعای سه نفر مستجاب است: حاجی، جنگ جوی در راه خدا و بیمار. پس او را به خشم نیاورید و آزارش ندهید. همچنین ایشان می فرماید:

آن گاه که به عیادت مریض رفتید، از او طلب دعای خیر کنید؛ چون هر کس بیماری را برای خدا عیادت کند، آن بیمار برای عیادت کننده از خداوند چیزی نخواهد، مگر آنکه دعایش را استجابت کند. (۲)

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است:

عُودُوا مَرْضَاكُمْ وَ سَلُّوهُمْ الدُّعَا فَإِنَّهُ يَعْدِلُ دُعَاءَ الْمَلَائِكَةِ. (۳)

به عیادت بیمارانتان بروید و از آنان درخواست دعای خیر کنید. به یقین، دعای آنان با دعای فرشتگان الهی هم تراز است.

از این روایت ها برمی آید که دعا بر بالین بیمار به اجابت نزدیک تر است؛ زیرا لطف و عنایت خداوند همراه دل های شکسته است و مؤمن بیمار از این فضیلت برخوردار است.

۶. رسیدگی غذایی به بیمار

۶. رسیدگی غذایی به بیمار

بیماری، سبب ناتوانی فرد در انجام کارهای شخصی اش می شود و در نتیجه، او را از فعالیت بازمی دارد. در این حال، فراهم کردن نیازهای غذایی بیمار و کمک به او در صرف غذا بسیار پسندیده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

مَنْ أَطْعَمَ مَرِيضًا شَهْوَتَهُ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ. (۴)

ص: ۱۳۴

۱- وسائل الشیعه، ج ۲، ح ۲۵۲۵، ص ۴۲۰.

۲- ثواب الاعمال، ص ۲۳۰، ح ۳.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲، ح ۲۵۲۸، ص ۴۲۰.

۴- بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۶.

هر کس بیماری را بنابر خواسته اش اطعام دهد، خداوند با میوه های بهشتی از او پذیرایی خواهد کرد.

از سوی دیگر سفارش شده است در مقابل بیماران از خوردن چیزهایی که بیمار نمی تواند آن را بخورد، خودداری شود. امام علی علیه السلام با بیان روایتی سخن پیامبر را در این زمینه چنین بازگو می کند:

نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَأْكُلَ الْعَائِدُ عِنْدَ الْعَلِيلِ فَيَحْبِطَ اللَّهُ مَا أُجْرَ عِيَادَتِهِ. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله، عیادت کننده را از خوردن چیزی (به ویژه اگر برای بیمار زیان داشته باشد) نزد بیمار نهی فرموده است؛ زیرا این کار موجب از میان رفتن پاداش عیادتش می شود.

آثار عیادت

آثار عیادت

عیادت و دل جویی از بیمار به عنوان یک رفتار پسندیده اخلاقی و اجتماعی که با عواطف و احساسات درونی و فطری انسان نیز هماهنگ است، آثار و برکات دنیوی و اخروی فراوانی دارد؛ زیرا از سویی سبب تقویت روحیه بیمار می شود و از بار سنگین بیماری که جسم و جانش را فرا گرفته است، می کاهد. از سوی دیگر، دل های افراد جامعه را به هم نزدیک تر می کند و دوستی و همدلی شان را افزایش می دهد تا آنجا که هم فرد و هم جامعه به وسیله این رفتار الهی و انسانی مورد لطف و رحمت پروردگار قرار می گیرند.

رسول گرامی اسلام با تأکید بر عیادت از بیمار، پاداش آن را در پیشگاه خداوند چنین یادآور می شود:

مَنْ عَادَ مَرِيضًا فَجَلَسَ عِنْدَهُ سَاعَةً أُجْرِي اللَّهُ لَهُ مِثْلَ أَلْفِ سَنَةٍ لَا يَعْصِي اللَّهُ -

ص: ۱۳۵

فِيهَا طَرْفَةٌ عَيْنٍ. (۱)

کسی که بیماری را عیادت کند و ساعتی نزد او بنشیند، خداوند، پاداش عمل هزار سال را که لحظه ای در آن معصیت نکرده باشد، به او ارزانی می دارد.

امام صادق علیه السلام، غوطه ور شدن عیادت کننده در رحمت الهی و استغفار فرشتگان برای او را از آثار عیادت می شمارد:

أَيُّمَا مُؤْمِنٍ عَادَ أَخَاهُ فِي مَرَضِهِ فَإِنَّ كَانَ حِينَ يُصْبِحُ شَيْعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فَإِذَا قَعَدَ عِنْدَهُ عَمَرَتْهُ الرَّحْمَةُ وَاسْتَغْفَرَ لَهُ حَتَّى يُمَسِيَ وَإِنْ كَانَ مَسَاءً كَانَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ حَتَّى يُصْبِحَ. (۲)

هر مؤمنی که برادر دینی اش را هنگام بیماری عیادت کند، اگر صبح باشد، هفتاد هزار فرشته او را همراهی می کند و هنگامی که کنار بیمار بنشیند، رحمت الهی او را فرا می گیرد. تمامی آن فرشتگان تا شب برایش طلب آمرزش می کنند و اگر شب باشد، همین پاداش (رحمت و استغفار) تا صبح ادامه خواهد داشت.

در جای دیگر با اشاره به نیت خالص عیادت کننده، دعای بیمار برای او را اجابت شده قلمداد می کند:

مَنْ عَادَ مَرِيضًا فِي اللَّهِ لَمْ يَسْأَلِ الْمَرِيضُ لِلْعَائِدِ شَيْئًا إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ. (۳)

کسی که برای رضای خدا، بیماری را عیادت کند، هر چیزی را بیمار برای او درخواست کند، خداوند برآورده خواهد کرد.

امام خمینی رحمه الله نیز عیادت بیمار و محبت کردن به او را از جمله عوامل مؤثر در بهبودی سریع بیمار دانسته است:

شما با این مریض ها، هرچه محبت بکنید. این در روحیه بیمار مؤثر است و بر

ص: ۱۳۶

۱- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۷۹.

۲- مکارم الاخلاق، ص ۳۶۱.

۳- محجبه البيضاء، ج ۳، ص ۴۱۱.

خوب شدن و سرعت خوب شدن بیماران نیز مؤثر است. (۱)

ص: ۱۳۷

۱- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۶۷.

بخش سوم: تکاپوی قلم در ستایش سپیدپوشان مهربان

اشاره

بخش سوم: تکاپوی قلم در ستایش سپیدپوشان مهربان

زیر فصل ها

ص: ۱۳۸

فصل اول: در ستایش بانوی صبر؛ زینب کبرا علیهاالسلام

فصل دوم: در ستایش پرستاران زینب تبار و سپیدپوشان دیار محبت

فصل اول: در ستایش بانوی صبر؛ زینب کبرا علیهاالسلام

اشاره

فصل اول: در ستایش بانوی صبر؛ زینب کبرا علیهاالسلام

زیر فصل ها

پرستار نگاه های تب دار(۱)

ستاره آسمان کربلا(۲)

دختر آسمان(۳)

اینک خورشید زینب(۴)

مهر جاودانه(۵)

زینت پدر(۶)

زینب، عقيله بنی هاشم(۷)

بانوی استقامت(۸)

پرستار نگاه های تب دارا

پرستار نگاه های تب دار(۹)

امروز را به یاد تمام شب های بی خوابی ات در پرستاری از نگاه های تب دار و صورت های سیلی خورده، به نام تو رقم زده اند. گویی در تقدیر تو نوشته بودند که پرستار صورت های کبود باشی و التیام بخش دستان تازیانه خورده!

کودک بودی که پیش چشمان معصومت، مادرت در بستر بیماری افتاد؛ یک بیماری غریب! تو با همه کودکی ات خوب می دانستی که پهلوی شکسته و سینه ضرب دیده را با اشک چشم نمی توان مداوا کرد، ولی از تو که صدای شکسته شدن استخوان پهلوی مادر را بین در و دیوار شنیده و جای زخم میخ را بر سینه دیده بودی، چه کاری برمی آمد جز گریه و دعا!

همان طور که برای سر شکافته پدر نیز نتوانستی کاری بکنی، جز اینکه کتاب خدا را بر سر بگذاری و دل به کلام حق آرام سازی.

وقتی هم که بالای تشتی رسیدی که به خونابه جگر پاره پاره برادرت، حسن علیه السلام آغشته بود، فقط توانستی از عمق دل گریه سر دهی و پا به پای زرد شدن روی حسن علیه السلام، تو نیز رنگ بازی و از پا بیفتی.

در کربلا نیز در مهممه حمله سپاه دشمن به خیمه های آتش گرفته و هجوم تازیانه های سرگردان، بیش از همه در اندیشه آن تن تب دار و بیمار بودی که گلیم کهنه از زیر پایش به غنیمت می بردند و شمشیر بر گردنش می نهادند تا ثمره اهل بیت از ریشه

ص: ۱۳۹

-۱

-۲

-۳

-۴

-۵

-۶

-۷

-۸

-۹- نزهت بادی.

قطع شود.

از همه سخت تر، شب های خرابه بود که تو هیچ نداشتی برای تیمار چشم کبود دخترک سه ساله که با گلوی خشکیده اش در هر نفس هزار بار بابا می گفت.

زخمی ترین پرستار عالم!

تو از کجا می توانستی مرهمی بیابی برای داغ دل مادرت که کودک ۶ ماهه اش را پشت در به ضرب لگد پرپر کردند؟

تو چگونه می خواستی فرق شکافته پدر را دوباره مرهم نهی، در حالی که دلش به تیغ نفاق و دورویی امتش، هزار چاک شده بود؟

تو با کدام تاب و توان می خواستی جگر سوخته حسن علیه السلام را که در خلوت خانه اش هم غریب بود، التیام بخشی یا جای زخم غل و زنجیر بر بدن سجاد علیه السلام را مرهم بگذاری، در حالی که از دستان سوخته و کبودت خون تازه می چکید؟

رقیه علیهاالسلام اگر در دامان تو جان داد، جای دیگری نداشت برای باز کردن عقده دلش که تاب یتیمی نابه هنگامش را نمی آورد.

زینب جان! هنوز هم تو پرستار همه دل های زخم خورده ای و تسلاهی قلب های شکسته از سرانگشتان با کرامت توست. به جز سوخته دلی چون تو، چه کسی می تواند دل های سوخته مردمان را شفای دوباره ببخشد؟

ستاره آسمان کربلا

ستاره آسمان کربلا(۱)

در ناگهان صبر خدا پلک گشودی در مدینه، تا ستاره ثابت شب های آسمان کربلا باشی. در ابتدای حسین علیه السلامو آغاز آوازهای خونین کربلا دیده باز کردی به دیدار خانه ای که گوشه گوشه اش در مهربانی گلیم ها و ظرف های سفالین پوشیده بود. آمدی تا شکوه زنانگی را چون مَهْری بر صفحه تاریخ بکوبی و چشمان همیشه تاریک شب های ظلم را به گوشه هایی از نور بزرگواری ات روشن کنی.

سلامت باد ای قصیده بلیغ خدا در دفتر علی و ای کلمه بزرگ «زن»! سلامت باد و

ص: ۱۴۰

بر آنان سلام که بر شکوه هماره ات، بر ضریح مقدست و بر آن همه شوکت و زنانگی ات بوسه می زنند!

تو آینه دار صبری بودی که از قرن ها پیش و از آغازین تپش نبض خلقت چون خونی مضطرب در رگ های تاریخ می دوید و به صبوری می آمد تا تو را باز یابد و من امروز از تو چه می توانم گفت جز اینکه به نامت _ که بلندتر و بشکوه تر باد! _ بخوانمت: «زینب! دختر علی».

می بینمت امروز از پس این همه سال ها و قرن ها که سرافراز و بلندقامت بر آستانه خدا ایستاده ای و ترانه های ملکوتی آسمان را زمزمه می کنی.

می بینمت که در خانه آسمانی علی چشم می گشایی و چشمان مهربان بزرگ ترین زنان عالم، به اشتیاق، جست و جویت می کنند.

می بینمت که در آغوش مهربان فاطمه نفس می کشی و در دستان مهربان علی جابه جا می شوی.

می بینمت که در خانه صمیمی وحی بزرگ می شوی و بزرگ تر و بر قله های جلال و کمال می ایستی.

می بینم که مولود مبارک خانه علی، پا به پای برادر، خاک های بادیه را می پیماید تا پرچم دار بزرگ ترین حماسه روشن خون و عشق در تاریخ باشد.

می بینمت بلند و باشکوه، ایستاده بر آستانه میدان و سر به زیر و نجیب و مهربان با همراهان و کودکان.

می بینمت که حسین را در آغوش می گیری، بی آنکه سر برداری و به آن صورت قشنگ، آن یادآور علی، بنگری؛ مگر خجالت، حاجب صمیمیت شود.

می بینمت که تلخ و تند در میانه خیمه ها می گردی و کودکان پریشان و مضطرب را از میانه پاره چادرها و عمودهای فروافتاده خیمه ها می جویی.

می بینمت که به جست و جوی حسین، نیزه های شکسته را با دست کنار می زنی و می بینمت که بر گلوگاه تشنه حسین ...

زینب! ای کلمه بزرگ صبوری و ای پرچم برافراشته صبر در برهوت ظلم و شقاوت!

جز تو کدام جان آگاه می توانست کلمه بزرگ «عاشورا» را در ذهن تاریخ به روشنی جان بخشد و جز تو کدام کس می توانست آن گونه با کلمات محکم و آیه های قاطع سخن، در مجلس یزید، مهمه و آشوب دراندازد؟

آیا تولدت، آینه روشن کربلا نیست و تفسیر میلادت می تواند جز معنای خونی باشد که بر خاک تشنه نینوا ریخت؟

آیا از خانه مهربان علی، با آن صمیمیت و صفای آسمانی، کلمه ای جز تو می توانست بروید که خاکریزهای بزرگ زنانگی و عفت و شجاعت و رادی را فتح کند و بر صدر قله های شرف و عزت بایستد؟

آیا تولدت به معنای رویش سرخ ستاره ای از ستارگان ثابت آسمان کربلا نبود، آن گاه که در ناگهان صبر خدا پلک گشودی، در مهربانی حصیرها و سفال ها؛ در خانه کوچک علی و فاطمه؟

دختر آسمان

دختر آسمان (۱)

شجره طیبه خاندان وحی در انتظار گلی دیگر است و از خانه پر عظمت علی و فاطمه گوهری در آستانه پیدایش.

عالم وجود، فرش ره گشته و هستی از خاک تا افلاک به پاس آمدنش آذین بسته است.

کروبیان سرود می خوانند و ستارگان با چشم اشتیاق به زمین می نگرند.

امشب آسمان، شفاعت می بارد و زمین در رحمت حق غرق می شود.

دختر فاطمه در راه است. دختری آسمان منصب که نور از رخ آفتاب و ماه می گیرد.

زینب می آید. «زینب اب»، خنکای دل حیدر و نور چشم بوتراب. آن که در پرتو وجودش آبشار عاشقی جریان خواهد یافت و قصه خون پر حرارت حسین علیه السلام ناتمام

ص: ۱۴۲

نخواهد ماند.

استوار زنی می آید که به ابهت کلامش، یک جماعت دل زنگار گرفته در کوفه و شام سر به تعظیم فرو خواهند آورد. امشب، رونق خانه علی می آید.

اینک خورشید زینب^۱

اینک خورشید زینب^(۱)

...و آن گاه پنجره ای به سمتِ باغ گشوده گشت. ناگاه آسمانِ آبی، افق های روشن، نخل های سبز و آفتابی گرم... اکنون در کنار آسمان مدینه، پرواز پرستوهاست و چشم های فرشتگان الهی که با اشتیاقی شگرف، میلادِ شگفت نور را به تماشا نشسته اند.

ستاره ای از سلاله نور و از تبار آینه های روشن عصمت در آسمان ولایت درخشیدن گرفته است. او «زینب» است؛ زینب زمان. قهرمان کهن ترین واقعه قرن. میوه دل فاطمه! همو که آب تجلی، از سرانگشت پاکش می چکد. زینب که نامش رجعتی است به سوی نور... .

آن گاه که فاطمه، کودکش را در حاله ای از نور بر بی کرانگی دست های علی جاری می کرد، در چشم های بی قرارش چه سرنوشت شگفتی را دید که او را «زینب» _ زینت بخش خاندان نبی صلی الله علیه و آله _ خواند؟

ای بانوی آینه و آفتاب! ای اتفاق دوباره بهار در ذهن بارور درخت!

آن روز پیامبر رحمت، از ضمیر چشم هایت و از آهنگ دل نشین گریه هایت، وقوع چه حادثه ای را پیش بینی کرد که سرخ تر از غروب، ستاره های اشک در آسمان چشم هایش پدیدار گشت؟

زینب! ای بانوی روشن ضمیر آینه پوش!

دریا وقتی از تو می گوید دچار تلاطم می شود. آسمان از شنیدن نامت به خون می نشیند و عشق در ترنم گرم نگاهت، دچار التهاب می شود.

ص: ۱۴۳

کتاب آفرینش جز با نام تو، با کدامین واژه می توانست شکوه قدسی شهامت را در کوچه پس کوچه های مدینه جاری سازد. اکنون آسمان مدینه با نغمه های روشنِ قدسیان که میلاد نور را به جشن و سرور نشسته اند، غرق در روشنائی حیرت انگیز امید و آرامش است؛ چرا که ستاره نیک بختی از تبار آفتاب در آسمانِ خاندان نبی صلی الله علیه و آله درخشیدن گرفته است. اکنون به یمن قدم های آفتاب زینبی، آسمان، غرق در نور و شادی است به همان عظمت که روز میلاد خورشید محمدی را جشن می گیرد.

مهر جاودانه ۱

مهر جاودانه (۱)

خجسته باد قدوم تو، ای که بدر تمامی

فروغ دیده ما، مهر جاودانه شامی

شکفتی ای گل صبر و شکیب دامن زهرا

تو زینبی و چو نام تو نیست نادره نامی

زینب؛ زنی سر برآورده از خانه خطابه و شمشیر. زینب، تفسیر عاشورا. زینب، حسینی دیگر و زینب، پاسبان خون: خون خدا.

پایان روز عاشورا، آغاز زینب است؛ آغاز حضور یگانه زنی که بی حضور او داستان کربلا بی سرانجام رها می شد.

آری، زینب... آن گاه که گرد و خاک میدان فرو نشست، به پا خاست تا حسین و مرام حسینی را به ابدیت پیوند زند.

زینب... خطابه بلندی که طنین آن همچنان از گوشه های مسجد پیامبر به گوش می رسد.

زینب... حافظ یاد حسین و یاور بازماندگانی که ضربت تازیانه ها را تاب می آورند.

ص: ۱۴۴

زینب... خطابه خوان کوفه که وقتی لب می گشاید، پرده های پندار کوفیان می دَرَد:

«ای گروه دغا و دَغَل! با شما سخن می گویم! با شما نامردانی که جز حيله نمی دانید و جز نیرنگ نمی شناسید، با شما دست های پیمان شکن و قلب های پیوند گسل... اشکتان خشک مباد! به پیرزنی می مانید که تار همی داشت و بود همی گسیخت. شما هرچه پیوند و پیمان است به بازی گرفته اید».

و اینها نخستین ضربت شمشیر سخنان زینب بی حسین بود که بر فرق پیمان شکنان کوفی فرود آمد و کوفیان دریافتند که زینب؛ یعنی خون جوشان حسین که چونان جویباری به راه می افتد. دریافتند که زینب؛ یعنی صدای خون حسین. دریافتند که زینب؛ یعنی حسینی دیگر.

و اینک، این فریاد زینب است که چونان مشتی بر دهان یزید فرود می آید:

«ای یزید! آنچه می توانی در راه دشمنی با ما به انجام رسان و آنچه می خواهی فریب در کار کن! به خدا قسم، تو نمی توانی نام ما را محو کنی و ما را از یاد مردم ببری. تو نمی توانی فروغ وحی ما را خاموش کنی و به آرزوی خود برسی. این ننگ تا همیشه بر دامن تو خواهد ماند. خدای را سپاس می گویم که ابتدای کار ما را به سعادت قرار داد و پایان آن را به شهادت».

آری... زینب؛ یعنی زنی ماندگار در تاریخ که تا همیشه الگوی زنان ماست.

اینک از خود می پرسیم که چه رازی در نام لاهوتی تو نهفته است ای زینب که در روز میلادت نیز به یاد اندوه تو می افتیم. نام تو نیمی لبخند و نیمی اشک است. در ضیافت روحانی تولدت، جان را به یاد عزیز تو متبرک می کنیم و دل بی قرار خود را به سرزمین حضور جاویدان تو می آوریم.

میلاد تو ای بانوی بزرگوار و الگوی شجاعت و غیرت مبارک باد!

زینت پدر ۱

زینت پدر (۱)

ای زینب! ای آینه فاطمه نما!

ص: ۱۴۵

ای تندیس صبر و وفا، ای چکیده فضیلت ها و عصاره خوبی ها!

زادروز تو میلاد عفاف و شهامت است و خاطره حماسه آفرینی هایت، زینت بخش تاریخ کربلا.

تو آموزگار جهاد و صبوری و حیا و عفتی. تو همانی که از دریای خون گذشتی و شهادت هفتاد و دو ستاره را با چشم دیدی و بر پیکر خورشید و حنجر خونین بوسه زدی. در اوج قدرت دشمن، علی وار خطبه خواندی و غرور امویان را در هم شکستی و یزید را به هراس افکندی.

«نهضت حسینی» جدا از کتاب «صبر زینبی» قابل مطالعه نیست. تو بودی که موج خون های کربلا را فراتر از آن دشت سرخ، تا ساحل بیداری ملت ها رساندی. تو بودی که با اسارت آزادی بخش خویش، سند جنایت آل امیه را به همگان نشان دادی و «کتاب شهادت» را تفسیر کردی و پیام رسان خون های عاشورا شدی.

تو هنوز هم به تاریخ بشریت درس می دهی. هنوز هم زنان و دختران ما به درس های حجاب و عفاف از زبان تو محتاجند. تو، هم دختر شهید بودی، هم مادر شهید، هم خواهر شهید. «شهادت»، میراث گران بهای شما خاندان شرف بود و کرامت و بزرگواری، درسی که هرگز از یاد نمی رود.

کدام بانوی نجیب و باعفاف است که در پاکدامنی و تدین، وام دار تو نباشد؟

کدام مادر شهید و خواهر شهید است که شکوه صبر و طاقت تو را آرام بخش دل داغ دیده خویش نسازد؟

کدام خانواده جانباز است که از تو راه و رسم پرستاری و فداکاری نیاموزد؟

نامت، همواره درس آموز باد و... یادت همیشه الهام بخش «عزت» و «شرف»!

زینب، عقیده بنی هاشم

زینب، عقیده بنی هاشم (۱)

«زینب»، زینت پدر بود و یار برادر و رسول خون شهید؛ مفسر کتاب کربلا و مبین درس های عاشورا... .

ص: ۱۴۶

گرامی باد طلوع زینب از افق نورانی دامن زهرا علیهاالسلام.

در خانه ای که پدر، علی بن ابی طالب باشد و مادر، فاطمه اطهر و برادر، حسن و حسین، مولودی به دنیا می آید که درس وفا می آموزد، طبل رسوایی باطل و بیداد را بر چهار سوی تاریخ به صدا درمی آورد و تشت افتضاح یزیدیان را از بام زمان به زمین می اندازد.

دو دریا به هم پیوسته اند: فاطمه و علی. از تلاقی این دو دریا، لؤلؤها و مرجان های گران قدر پدید آمده است که یکی از این گوهرها، «زینب کبرا»ست. (۱)

زینب با کاروان شهادت، از مدینه به مکه و از آنجا به کربلا می آید و در راه انجام رسالت بزرگ خویش با برادر همراه می شود؛ چرا که از آغاز با حسین، «همراه» بوده است و با شهادت، هم پیمان!

اسیران اهل بیت را قافله سالاری می کنند. در کوفه، با بیان علی گونه اش خفتگان را بیدار می کند. به شام می رود و شام عیش و عشرت را شام غریبان می کند و شادی یزیدیان را به سوگ بدل می کند و آرامش امویان را به وحشت و اضطراب می نشاند.

دروود بر زینب، این مفسر بزرگ «کتاب شهادت».

سلام بر زینب، این مبین فصیح «نامه خون».

بانوی استقامت ۱

بانوی استقامت (۲)

میلاذ بانوی استقامت، حادثه ای نورانی بود که در ذهن خواب زده سپیده دمان اتفاق افتاد. آسمان در نجابت جاری خویش، صبح تازه ای را بر خاک بی جان زمین فرو می بارید. زمین در جنبش ناگزیر خود، صلابت قدم هایی را حس می کرد که از شکوه ایمان موج می زد. از امتداد رویش بهار، صبح بارید و چون نیلوفرهای کوچک عاطفه، بر

ص: ۱۴۷

۱- مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لايبغيان يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان... الرحمن: ۱۹

۲- فاطمه پورحسین.

قامت دست دعا پیچید و بالا رفت.

از امتداد رویش بهار آمد و عطر دل انگیز ایثار را در فضای باغ سرخ رشادت منتشر ساخت. آمد و نام خود را تا لحظه لحظه تاریخ معصومیت و مظلومیت با رشته های محکم صبر گره زد.

زینب اسطوره نجابت و بردباری!

و تنها نام اوست که در لاله زار ایثار، خاک سرخ ایمان را آبیاری خواهد کرد.

و تنها نام اوست که در دشت شقایق های بی سر، بار اندوه جدایی ها را بر شانه های خسته عصر بی عدالتی خواهد کشید.

و تنها نام اوست... که یاد او بر کویر دل های بی عاطفه، روح تازه عاطفه را خواهد بارید و دفتر سرخ تاریخ کربلا را از جوانه های سبز شکیبایی پر خواهد کرد.

یاد او روان خواهد شد و در ذهن عطشناک لحظه های ماندگار خواهد وزید، آن گاه که در سرزمین خون و عاطفه، بوسه بر گلوی عشق خواهد زد و غم گلوی پاره پاره عزیزش را در صحرای سوزان نامردی ها بر دوش زخمی خود خواهد کشید.

زینب، هدیه ای است از بهشت زیبای پروردگار بر خاکیان بالانشین.

زینب همان است که در صلابت کلامش، پیام استقامت و شکیبایی شکوفه ها را در هجوم بادهای خزان آور، بر لوح ماندگار انسانیت به ثبت رساند.

به نشانه سپاس از نزول رحمت بی منتهای الهی، پیشانی خویش بر خاک می ساییم و از ذات بی همتای او دلی را می طلبیم که سرشار از عطر جوانه های شکیبایی باشد.

ص: ۱۴۸

فصل دوم: در ستایش پرستاران زینب تبار و سپیدپوشان دیار محبت

اشاره

فصل دوم: در ستایش پرستاران زینب تبار و سپیدپوشان دیار محبت

زیر فصل ها

زیر سایه بانوی صبر(۱)

مهر آفرین شام گاهان درد(۲)

فرشته مهربانی(۳)

خسته نباشی پرستار!(۴)

سفید پوش(۵)

بانوی سپید پوش(۶)

وام دار مهربانی(۷)

نبض «آرامش»(۸)

بیرون از یارای کلمات(۹)

گل های آبی(۱۰)

پرنده ایثار(۱۱)

نسیمی یک دست(۱۲)

فرشته صبور(۱۳)

فرشته(۱۴)

خسته، ولی سبز(۱۵)

صبور(۱۶)

ارزش پرستاری (۱۷)

عاطفه الهی (۱۸)

افتخار پرستاری (۱۹)

از دیار خوبی ها (۲۰)

سایه مهر

باغبان غنچه خشکیده (۲۱)

زیر سایه بانوی صبرا

زیر سایه بانوی صبر (۲۲)

من پرستارم؛ پرستاری با دست های لبریز از زخم نیلوفران و دلی سرشار از مهربانی. هر لحظه بر دل های زخمی، مرهمی از گل سرخ می گذارم و بر لب هاشان گل لبخند می کارم و در گلستان چشمانشان، عطر گل یاس می پراکنم.

من پرستارم؛ آرام، مهربان، صبور. از نگاهم، باران محبت می بارد. من بر سکوت چشمان بیماران آواز می شوم. من پرستارم؛ آزاد، رها، رهاتر از آبخاران و صاف تر از چشمه ساران.

من پرستارم؛ بر خود می بالم از اینکه پناه دل های اندوهگین هستم و راز دل پروانه های شکسته بال را می دانم. در من رازهایی جوانه می زند که رمز ماندگاری من است. من پرستارم و در این راه، آفتاب وجودم را نثار چهره های پژمرده خواهم کرد. من درس آموز مکتب پرستارترین بانوی صبرم.

نشان لیاقت از بانوی صبر و پرستار غنچه های کربلا، حضرت زینب علیهاالسلام دارم.

من پرستارم.

مهر آفرین شام گاهان درد

مهر آفرین شام گاهان درد (۲۳)

بیداری هایت را سپاس که آسایش دیگران را برتر از رنج خویش می دانی! آسایشت فراهم و خستگی ات همراه با آسایش باد، ای پرستار، ای گرمابخش نگاه های خسته از

- ۱
- ۲
- ۳
- ۴
- ۵
- ۶
- ۷
- ۸
- ۹
- ۱۰
- ۱۱
- ۱۲
- ۱۳
- ۱۴
- ۱۵
- ۱۶
- ۱۷
- ۱۸
- ۱۹
- ۲۰
- ۲۱

۲۲- شکیبا سادات جوهری.

۲۳- سیدعلی اصغر موسوی.

لباس سفیدت که بی شباهت به بال های پرندین فرشتگان نیست، برازنده ات باد! برازنده نامت، فرشته بودن و برازنده نگاهت، تبسم گرم امید!

شب هنگام که سکوت در فضای بیمارستان می پیچد و فرشته سلامتی در رؤیاهای کوچک و بزرگ، به پرواز درمی آید، تنها چشم هایی که فضای تکراری تخت ها را می پاید، چشم های توست. هیچ لحظه ای برای تو تکراری نیست که مهرآفرین تبسم در تیره شبان درد و رنجی!

تنها نامی که همیشه برازنده ات بوده و خواهد بود، همان پرستار مهربانی است که فانوس آرزو در دست، تا عمق دردها نفوذ می کند و شعله های امید را در دل ها روشن می سازد.

چه روز فرخنده ای با نامت عجین شده است؛ روزی به شکوه عاشورایی زینب علیهاالسلام؛ روزی به زیبایی نخستین تبسم کودکان در گاهواره؛ روزی سرشار از اخلاص و کرامت؛ اخلاص دست هایی که تب سوزان درد را در دل ها خاموش می کنند و کرامت تبسم هایی که فانوس امید را در دل دردمندان روشن می کنند.

امشب و امروز، گویی دست عنایت زهرایی حضرت زینب علیهاالسلام بر جبین دردمندان است که هرکسی به یاد و نام غریبانه او دخیل بسته است!

امشب بیمار و پرستار باید به ترم یاد کسی دل ببندند که فارغ از زخم های بی شمار دلش، صبح آفرین شام غریبان کربلا شد؛ پرستاری که زخم های دلش افزون از ستاره ها و داغ های نهانش افزون از تمامی خشم و آتش تازیانه ها بود.

چرا به خود نبالد پرستاری که دل به کرامت زهرایی بانویی دوخته است که از عظمت نامش، تمامی دردها درمان و تمام ناشکیبایی ها، لباس صبر می پوشد.

کافی است در تلخ ترین لحظه ها، از عمق دل فریاد زند: یا زینب علیهاالسلام!

روز شکوهمند پرستار بر فرشتگان امید و آرزو، سپیدپوشان مهربان، صبح آفرینان شام تلخ بیماری، مبارک باد!

با خود احساس آرامش داری و در دست هایت، ضرب آهنگ زندگی جاری است. مبادا چادر سیاه شب، برای همیشه بر چهره مادری کشیده شود. مبادا سرفه خش دار پدری، بند نیاید! مبادا پیشانی تب دار کودکی، بی حضور دست هایت، به درد بنشیند!

امروز به خاطر تمام خستگی هایت، زمین را به عطر نامت آذین بسته ایم؛ تو که ضرب آهنگ قدم هایت، آرامش را روی چشم های خستگان می پاشد و امید به زندگی را به رگ های بیماران تزریق می کند.

نسیم زندگی از دست هایت می وزد. دریچه های باغ بهار، در تراکم زمستان ها، با دست های توست که به سمت سلامتی باز می شود.

از صبح لبخند توست که دردمندان، امیدشان را به چشم های تو گره می زنند و به اعجاز دستان تو ایمان دارند.

تن خسته و گرفته، روبه روی آینه می ایستی؛ خستگی بر چهره ات چنگ می اندازد؛ چشم هایت آن قدر سنگین شده اند که گویی سال ها با خواب، کینه دیرینه داشته باشی!

خستگی هایت در آینه تکثیر می شود و تمام تنت را پر می کند. می خواهی لحظه ای بخوابی و آسودگی را به چشمانت هدیه کنی؛ به یاد ناله های بیمار اتاق چندم می افتی. خواب را فراموش می کنی و به چهره گرفته در آینه لبخند می زنی. لبخندهایت تکثیر می شود. برمی خیزی تا مبادا کسی دست های آرامش تو را طلب کند و نیابد! برمی خیزی و با سبیدی از گل های خنده، به سراغ بیماران می روی.

فرشته مهربانی، روزت مبارک!

خسته نباشی پرستار! ۱

خسته نباشی پرستار! (۲)

ص: ۱۵۱

لبخندهایتان، بوی گل های سرخ را در هوا می پراکند. همیشه چشمانی منتظر بر در خیره اند تا تو با لباسی سپید، از راه برسی و لبخندهایت را تعارفشان کنی. همیشه در دستانت دوا می آوری و بر لبانت ذکر شفا. آرامش، زیباترین هدیه ای است که به چشم های نگران دردمندان می دهی.

روز و شب را یکی کرده ای تا زخم های هم نوعانت را التیام ببخشی و مهربانی ات را مرهم زخم هایشان کنی. خواب را بر خویش حرام کرده ای تا بیمارانت آرام بخوابند. همیشه با چشم هایت حرف می زنی تا مبادا کلمات، آرامش دلخواه بیماران را به هم بزند. همیشه در صدای قدم هایت، موجی از شوق است که در چشم دل تنگ آنهایی که بر تخت های بیمارستان خوابیده اند، موج می زند. آرام و قرار نداری تا مبادا یکی از این همه عزیزانی که پرستاری شان می کنی، ناآرام شود!

صدای پایت، آشناترین صدایی است که بیماران می شناسند. راهروهای بیمارستان، بوی امیدواری تو را می فهمند؛ بوی امیدواری که در شتاب قدم هایت موج می زند. تمام پرنده های زخمی را مرهم می کنی تا آسمان، پرواز را فراموش نکند.

همیشه بر تمام زخم ها مرهم می شوی، با مردم همدم. هم بار غم مردم را می کشی و هم مرهم زخم هایشان می شوی و هم محرم اسرارشان.

زندگی و شادی را پیش کش تمام همراهان منتظری می کنی که در راهروی انتظار، با قلب هایی آکنده از امید، قدم می زنند.

خسته نباشی پرستار! خسته نباشی سنگ صبور! لبخندهای شفایافتگان، پیش کش زحمات بی پایانت! همیشه شاد باشی و خستگی ناپذیر!

سفیدپوش ۱

سفیدپوش (۱)

سفیدپوش و آرام، در لحظه های تب آلود بیماران ایستاده ای. نفست مهربان تر از

ص: ۱۵۲

همیشه، بوی یاس می پراکند. اطلسی های تازه کنار هر تخت، بوی عطوفت تو را گرفته اند. چه ساده و بی آرایش است ترنم نوازشت! دست هایت چون نسیمی بر پیشانی داغ پژمرده یاس ها می وزد.

چشم های صبورت، وام دار کلام عصمت کبراست!

آن روز، سبزتر از دیگران، تن پوش سفید پاکی را به تن کردی و خوب می دانستی از این پس عظیم ترین دردها از آن تو نیز هست و قلب وسیعت بی گمان، ژرف ترین عاطفه ها را نثار دل های نیازمند می کند.

تو آن فرشته ای که روی زمین خلق شدی.

صدها فرشته بوسه بر آن دست می زند

کز کار خلق یک گره بسته وا کند

روزها و شب هایت را بی وقفه نثار می کنی؛ بی هیچ چشم داشتی.

نفس های تو گرم می کند این نفس های رو به خاموشی را.

با کدام سپاس می توان این تلاش های همیشه را ارج نهاد؟

با کدام واژه اساطیری تو را باید خواند؟

تو آهنگ کدام موسیقی دل نوازی؟

به راستی چگونه است ضربان عاشقانه قلبت؟

این همه محبت را یک جا چگونه در قلبت جای داده اند، ای فرشته خوبی ها؟

بانوی سپیدپوش ۱

بانوی سپیدپوش (۱)

در نگاه تو خورشیدی می درخشد که جز مهر و ایثار، تابشی ندارد. آفتابی که گرمای بی مثالش چونان دمی مسیحایی جان می بخشد و صبحی بی بدیل را ظاهر می کند. کدام ارزش مادی برابر با شکوه رنج توست؟ کدام آینه تلاش و عشق، تو را می تواند متجلی کند؟ کدام نام ملکوتی، بیانگر همت بی منت توست، مگر واژه

چه نیکو تو را پیرو زینب کبرا علیهاالسلام دانستند که پا در مسیری گذاشتی که بانوی حماسه آفرین اسلام گذاشت و زیر بیرقی ایستادی که به دست او برافراشته شده است. با نگاهت، امید می رویانی در دل هایی که به خزان یأس مبتلاست و با صدایت، آهنگ عشق را زمزمه می کنی. کدام پنجره را نظاره کنم که طرحی از شکوه تو را قاب نگرفته باشد؟

بر قله های تحمل ایستاده ای و رنج ها را خود به دوش می کشی تا آسایشی ابدی را میهمان لحظه ها کنی.

سپیدتر از ردای بلندت نمی شناسم. پیراهنت تو را تا همیشه روسپید کرده است. لبخندت، صبحی است که تکاپوها را معنا می بخشد و احساس زندگی را منشوروار تکثیر می کند.

پیراهن سپید مهربان!

دردهای بی درمان را مرهم دستان مهربانت به فراموشی می سپارد و زخم های عمیق را لبخند تو درمان می بخشد. بر تمام آینه ها عطر عشق می پراکنی. گویا بهار را در قلب مهربانت تکثیر می کنی، ای بانوی لحظه های تشویش!

وام دار مهربانی ۱

وام دار مهربانی (۱)

بوی تو در تمام اتاق ها می پیچد. صدای قدم هایت را می شناسند این اهالی رنجور. طنین گام های تو ضرب آهنگ امیدواری است برای بیماران.

غیر از خدا و تو در دل این تاریکی شب، چه کسی به فکر رنج ها و دردهای آنهاست؟

به تمام اتاق ها سر می کشی و نگاه منتظر بیماران را به سلام های آسمانی و لبخندهای دل نشینت میهمان می کنی. خستگی در چشم هایت موج می زند، ولی لب هایت همیشه

ص: ۱۵۴

می خندد. شبیه نسیم، پاورچین پاورچین می وزی حتی در رؤیاهای بیمارانت.

تو از قرن ها پیش زاده شدی از یک مهربانی عمیق و در تمام روزگاران تکثیر شدی. تو را ساده می توان شناخت، نه از روپوش یک دست سفیدت؛ تو را از عاطفه سرشاری که از شانه هایت سرازیر است و از طعم دست هایت که نوازش های مادرانه ایثار می کند، می توان شناخت.

شب ها، تنها فانوس های روشن چشم های تو سوسو می زند. تو گل شب بویی هستی که شب ها، عطر آرامش می پراکنی.

ای کوهوار صبر در این عصر دل تنگی و غریبگی، چه قدر بوی آشنا می دهی! چه بسیار روزنه های امیدی که از نگاه تو، به دنیای ناامید بیماران گشوده شده است! هر شب، ستاره های روشن چشم هایت را بر در هر اتاق و راهرویی می آویزی و شب ها در خواب بیماران، زلال و آرام جاری می شوی. نبض حیات می گیری و نور در رگ هایشان جاری می کنی. تو که قدم می زنی، پلک ها، آسوده می خوابند.

باید تو را ستود؛ تو را که وام دار مهربانی زینبی علیهاالسلام.

دل تنگی هایت را به من ببخش؛ من قدردان لحظه های عمیق عشق توأم.

نبض «آرامش» ۱

نبض «آرامش» (۱)

هر لبخندی که به چشمان کودکان بیمار هدیه می کنی، عبادتی دیگر است. حضور تو، تسکین دل بیماران درمانده است. گیرم که «قرص های مسکن» زود اثر خویش را از دست بدهند. نگاه تو، پلک کودکان را سنگین می کند.

تو با نام «خدا»، نبض مضطرب بیماران را آرامش می بخشی. شب زنده داری تو عبادت است. تو زینب وار، پرستار دل کودکان بی مادری، در شام «غربت».

هنگامی که کپسول اکسیژن را به بیمار وصل می کنی؛ آسمان را در سینه اش جای می دهی؛ آن گونه که ستاره از پلکش می تراود.

آری! از بیماری که پلک فرو بسته، توقعی نیست؛

ص: ۱۵۵

تو پاداش محبت خویش را از خدا می خواهی.

تو پیام آور «سلامت» و «آرامش» هستی... .

بیرون از یارای کلمات ۱

بیرون از یارای کلمات (۱)

معنای دقیق مهربانی را از دست هایت بو می کشند. هوای مه آلود حوالی، تنها با بارش رقیق و فرشته وار تو فراموش خواهد شد. فواره های امید، در تمام پنجره ها شتاب گرفته است. عطری آشنا می آید.

سال هاست که بر شانه های جهان، مادرانه دست می کشی. نوازشگری ات را تمام ریشه ها لبخند زده اند. تمام ساقه ها برای دست تکان می دهند و تمام شاخه ها، باران زده مهر تو هستند. سال هاست صبورانه تنهایی آدم ها را دویده ای و پا به پای رنجوری ها آه کشیده ای.

آینه دار الهه های آرامش! کدام روزنه است که شعاع عطوفت تو در آن نریخته باشد؟

شکوه زینبی ات از یارای کلمات بیرون است. بلند و بشکوه بر دروازه های شوق می ایستی و شاخساران بلند عاطفه را بال می تکانی. رد سپید حضورت بوی تنهایی می دهد. وقتی پنجه هایت پوست هوا را می شکافد، حس می کنم که این پرتو بی دریغ آفتاب است که باید لاجرمه اش سر کشم. چه نبض هایی که با تلنگر تو دیگر باره تپیده اند!

از دامن حوا علیهاالسلام برخاستی. با مریم علیهاالسلام و آسیه علیهاالسلام به راه زدی و با اشاره زهرا علیهاالسلام و زینب علیهاالسلام مشکوه گرفتی.

خوشا قله هایی که تو چنگ می اندازی! چه ملایکی که تکاپوی روزان و شبانت را لبخند زنان بر الواح می نگارند! مرهم ها در دستانت شدت می گیرند. زخم ها هرچه عمیق تر، حریر پرستاری ات لطیف تر. درست از دامن تو بهاران

ص: ۱۵۶

شروع می شود. فانوسی فروزان در شب های تنهایی و درد، این مرام بی بدیل و آسمانی توست، چه حسرت انگیز است سرنوشت تو بر جاده های خاک! چشم های زیادی بر درگاه، تو را می جویند و لبان بسیاری چون ماهیان برون افتاده از آب، عطر فراگیر تو را دم گرفته اند.

باید بایستی و تمام این التماس های آشنا را مالمال فراوانی ات کنی. فراوانی دست هایت و صدایت فراوانی حضورت، فراوانی لبخندت از آن دورها. نامت قرین زینب علیهاالسلام است. شاید برای همین است که دلم می خواهد تمام واژه هایم را برایت قربانی کنم

گل های آبی

گل های آبی (۱)

در راهروی بیمارستان قدم می زنی. از مقابل در نیمه باز اتاق ها می گذری. گل ها در خواب بیماران، آبی است. ماهیان قرمز در رگ های بیماران می درخشند. پرستاران، شیشه های «سرم» نور را به دستان بیماران وصل کرده و رفته اند.

در خواب بیماران، یک صبح بهاری است.

آفتاب، در خواب بیماران، زرد و کم رنگ نیست. آفتاب، سالم است. فردا تمام آنان «سالم» از تخت هایشان برمی خیزند. فردا حیاط پر گل بیمارستان، باغی ابدی برای بیماران خواهد شد. آنان دیگر به تخت هایشان باز نمی گردند. آنان به دنبال «پرستار» هایشان می گردند.

پرستاران یادشان رفته که هنگام رفتن، «قلب» های آنان را سر جایشان بگذارند. «قلب» های بیماران در دست پرستاران می ماند. پرستاران، قلب های بیماران را در گلدان های خانه هایشان می کارند. لاله های آبی می روید. پرستاران با لاله های آبی، به بیمارستان باز می گردند.

آنان لاله های آبی را به بیماران دیگری هدیه می دهند. آنان هم با گل های آبی، به

ص: ۱۵۷

خواب می روند. و فردا به خانه هایشان باز می گردند. آنان می روند و «پرستار» همچنان «قلب» تپنده ای است که در شب های بیمارستان می درخشد و گل های آبی، در خواب بیماران می کارد.

اگر «پرستار» نبود، حیاط بیمارستان پاییز بود

و گل ها در خواب بیمارستان پرپر می شدند.

پرنده ایثار ۱

پرنده ایثار (۱)

در دست هایش، ودیعه خورشید است؛ گرمی و مهربانی؛ صمیمیت و اخلاص. در چشم هایش حس مادرانه زمین می درخشد و عطوفت می تاباند. بی خوابی و خستگی زانو می زند در برابر استقامت آسمانی اش. در چشمانش آرامش موج می زند و رنجوران را میهمان نوازشش می کند. او درد را خوب می شناسد و رنج تنهایی را حس می کند. همراهی و هم دردی پیشه همیشه اوست.

«پرستار» است و عشق را می پرستد و خدای عاشق را، خدای رؤوف را. پرستار است و از بزرگ پرستار تاریخ، «زینب» علیهاالسلام الهام می گیرد. آئینه و آفتاب در دل دارد؛ ایثار در عمق جاننش و گهواره یاری در دستش.

با ناله بیماران اشک می ریزد و آهش هم صدای آه دردمندان است، ولی چون کوه استوار و چون خورشید امیدوار ایستاده است و زندگی می پراکند. در سینه اش پرنده ای است که با آواز آسمانی اش خواب را از چشمش می گیرد و خستگی را از تنش؛ پرنده عشق، پرنده ایثار.

نسیمی یک دست ۱

نسیمی یک دست (۲)

ص: ۱۵۸

۱- داوود خان احمدی.

۲- اکرم کامرانی اقدام.

قطره قطره زندگی می چکد؛ قطره قطره صدای گام های نرم درها به گوش می رسد. تمام راهرو، پر می شود از نسیم بهشتی! تحمل هوای سنگین اتاق ها آسان تر می شود.

درها به معرفت گشوده می شوند. نسیمی یک دست می وزد. دریچه های امید، یکی یکی باز می شوند. چه هماهنگ می وزند ضربان ساعت، با نبضی که می تپد!

تو کیستی که از سرانگشتانت تکثیر می شود نور و روشنی؟ تو کیستی که در عمق چشمان تو می درخشد ایمان و امید و جوانه می زند زندگی، در پشت لبخندهای مهربانت.

شب است و شب بوها، از پشت دیوار مهربانی تو قد کشیده اند. مهربان سپیدپوش! نامت را می ستایم که نشان از نام پرستار گل های کربلا دارد.

فرشته صبورا

فرشته صبورا (۱)

آفتاب چشمت که بر اتاق می تابد، سلول های بیمار پنجره ها جان می گیرند. صدای گام هایت، سمفونی سلامت است. با نفس های مهربان تو است که ضربان عاصی این همه قلب مجروح، به آرامش می رسد. سرانگشتان سبزت، غرور باغ های زمین است. تو از عشیره همان زن بزرگی که اسیران داغ دیده دشت بلا را به پرستاری ایستاد. طنین آبی کلامت، مویرگ های دردمند را زندگی می بخشد.

ای فرشته صبورا! اگر تو نباشی، نوازش کدام دست، پیشانی های تب دارمان را با خنکای رودها آشتی می دهد؟ اگر تو نباشی، ترانه کدام رهگذر، کوچه غمگین زخم هامان را روشن می کند؟ بی تو این همه بغض مچاله، رهسپار کدام دریا، ناله هایش را مرور کند؟

روح وسیعت، آسمان ها را به تقدیس می خواند. خورشید، ادامه لبخند تو است که بر ابرهای کسالت پاشیده ای. راه می افتی سمت آوازهای رنگین کمان و آسمان را از هرچه بغض، خالی می کنی. شانه های خستگی ناپذیرت، آشیانه پرندگان پر شکسته است. شانه به شانه کوه، غم ناله های دردمندان را به دوش می کشی.

ص: ۱۵۹

شب های تار پراضطراب بیماران از فروغ چشمان همیشه بیدارت روشن است. عبور از این ثانیه های سخت، همت بی دریغ تو را می طلبد. تو آن ستاره ای که در مقابلت، شمشیر هرچه تاریکی، غلاف می شود. آینه ها به نام نامی ات سکه می زنند و زمستان از نفس های گرمت به زانو درمی آید. از راه می رسی، آغاز می شوی و به سلطنت ابرهای بیمار، با تقدیر روشن آفتاب پایان می دهی.

فرشته ۱

فرشته (۱)

دوباره بوی تو می آید؛ بوی آشنای تو. به گمانم نسیم حضورت می گذرد از مقابل در اتاقم و مثل همیشه، پروانه های دلواپس نگاهت را مأمور کرده ای برای احوال پرسسی از من. هر بار که رایحه بهشتی ات را می شنوم، چشم هایم مشتاق می شوند تماشايت را.

می دانی! همیشه دوست داشتم فرشته ای را از نزدیک ببینم؛ فرشته ای که دو بال بر شانه دارد. حالا من فرشته ای را می بینم که لباسی یک دست سپید پوشیده و همیشه لبخندی شیرین، گوشه لبش نقش بسته و خستگی عمیقی در چشم هایش جاری است.

تو را می گویم! تو را که امروز، روز توست؛ روز تبسم های روح نواز و مهربانی بی دریغت؛ تو که همیشه مراقب بیماران هستی! تو یک فرشته نگاهبانی که نسیم وار، پاورچین پاورچین سرک می کشی به دنیای رنج و تنهایی اهالی درد. می روی از این اتاق به آن اتاق و فضای دل تنگی بیماران را پر می کنی از رایحه «امید».

تو حتی شب ها فانوس چشم هایت را روشن نگاه می داری که مبادا کابوس «دردی»، خواب را بگیرد از چشم های بیماران! قدم می زنی نرم و سبک و به تمام اتاق ها پا می گذاری؛ شبیه رؤیایی دل نشین تا مبادا صدای ناله ای بلند و چشمی از رنج، بیدار باشد!

ص: ۱۶۰

امروز روز توست؛ تو که میراث دار مهربانی های پرستار بزرگ کربلایی، تو که رد قدم هایت، کشیده شده است تا خرابه های شام.

کجای تاریخ از حضورت خالی است؟! کدام دقیقه وام دار صبوری ات نیست؟!

کدام لحظه از جریان ایثار تو دست خالی برگشته است؛ وقتی ردپایت این قدر روشن کشیده می شود تا ساحت مقدس زینب علیهاالسلام؟!!

امروز روز توست که کوهوار شانه هایت را جان پناه دل تنگی بیماران کرده ای، که سپیدی پیراهنت، سپیده شب های ناامیدی بیماران است.

از نگاه تو هر بیمار، شاخه گلی است در احاطه پاییز و تو قطره قطره زندگی تزریق می کنی به رگ های خشکیده گل های پژمرده.

ای عابر همیشه کوچه های مهربانی! برای دل تنگی و ناامیدی بیماران، دریچه ای به سمت امید باز کن تا هوای رقیق عاطفه ات، مرهم زخم هاشان شود.

تو شمعی می شوی که آهسته می سوزد در خویش تا شب های اهالی رنجور این دیار، بی ستاره نباشد. چه قدر بی منت است باران محبت بر جان های تشنه! خنکای دستانت را آهسته می بخشی به لحظه های تب دار بیماران. نبض حیات زیر لطافت انگشتانت چه تند می زند فرشته! انگار خدا بیشترین سهم از عشق و محبت را به قلب مهربان تو بخشیده است!

ای فرشته! تو را می شناسم؛ نه از پیراهن یک دست سپیدت؛ تو را از خستگی و شوق توأمان که در کنج چشم هایت لانه دارد، می شناسم. تو را از عطوفت سرشاری که از بلوغ دستانت می وزد، می شناسم. امروز روز توست و هیچ گاه راهروهای ذهن من، از نسیم حضورت خالی نیست.

خسته، ولی سبزا

خسته، ولی سبز(۱)

ص: ۱۶۱

لبخندت خسته، ولی سبز است. نگاهت، خنکای نسیمی است که عطش تب را فرو می نشاند. کلامت از جنس زلال آب و آینه است و چشم هایت افق آبی طلوع محبت. از دست هایت، خوشه خوشه رنگین کمان عشق و احساس می بارد.

دلت پر از شکوفه های ترد بهارنارنج است و قامتت به استواری و سبزی سروی است که در هجوم تندباد خستگی از پای نمی افتد.

حضورت، ساغر ارغوانی آرامش است و وجودت، تسکین درد. تو الهه عافیتی که تعلق زمینی نداری؛ مقدس و پاکی. دستانت هنوز بوی سیب و رایحه بهشت می دهد. شمیم زینب و عطر گل صبر و رایحه شکوفه ایثار در وجودت خلاصه شده است.

تو هنوز تقدس نخستین شعر آفرینش را به یاد داری. پس آن را بر عقیق دلت حک کن و مگذار غبار خستگی بر نگین زلال دلت بنشیند و اهریمن سختی ها، فرشته خوبی ات را به تاراج ببرد!

به پاس تمام مهربانی هایت، ای فرشته مهربانی!

تنت به ناز طیبیان نیازمند مباد

وجود نازکت آزرده گزند مباد

صبورا

صبور(۱)

ای وسعت صبر و استقامت! در بزرگی می ستایمتان و در مهربانی سخن از شما می گویم؛ از شما که قطره های سرخ خون را همراه با سرخی عشقتان، به رگ های خشکیده بیماران تزریق می کنید و به رگ های پژمرده شان حیاتی تازه می بخشید.

از شما می گویم که ناله های شبانه کودکان بیمار را با تبسم بی ریاتان التیام می بخشید و بی قراری مادرانشان را با آرامش درونتان.

شما را در پس اتاق های انتظار باید جست و کنار تخت بیماران. چه قدر خسته اید و صبورا!

ص: ۱۶۲

خسته نباشید! از لبخندتان می گویم و از دل بزرگتان!

ارزش پرستاری ۱

ارزش پرستاری (۱)

لایه های سنگین حزن بر دل بیمار فرو می نشیند. چشم های بی رمق او درد را فریاد می کشد. توان از وجودش پر کشیده است و او با جسمی خسته، لحظات درد آفرین بیماری را به کندی سپری می کند. در این لحظات، تنها سایه پرستار است که بیمار را در مسیر پرفراز و نشیب بیماری قوت می بخشد. (۲) گرمای عشق آفرین خدمت گزاری را در تن رنجور بیمارش تزریق می کند و لبخند را بر لبانش مهمان می سازد. پرستار، حرفی از کلام خداوند است؛ شعاعی از ملکوت پر حشمت و تابشی از زیبایی انسان. پرستار، خلاصه عشق در کویر گداخته درد است. پرستار، گرمی دستی است که بر پیشانی تب داری می نشیند و امیدی است که از چشمان شفاف مهربانی در وجود پردرد لانه می کند.

در میان شغل های گوناگون، برخی شغل ها دارای ویژگی اخلاقی و انسانی است؛ زیرا افزون بر اینکه با امور روزانه افراد جامعه سر و کار دارد، تأثیر بسزایی در سلامت و تربیت جامعه نیز ایفا می کند. از جمله این مشاغل، می توان پرستاری را نام برد. پرستاری، از شریف ترین شغل هاست؛ زیرا خدمتی بزرگ به افراد هم نوع و بیماران به شمار می آید.

پرستار؛ یعنی بیماردار و پرستاری؛ یعنی مراقبت از فرد دیگر. (۳) پرستاری؛ یعنی همانند شمع، نورافشاندن و مهربانی و گرمای عشق را در تن های رنجور تزریق کردن. پرستاری، عشق است؛ عشق به خالق و مخلوقات. عشق به خالق است در رسیدگی به مخلوقات خدا و عشق به مخلوق است در اطاعت خالق و رسیدگی و اهتمام به دردهای هم نوعان و سلامت جامعه و با این هدف است که عمل پرستار، محبوب حضرت حق می گردد. پرستاری؛ یعنی با همه جسم و جان عاشق شدن و با تمام روح در خدمت گزاری دیگران

ص: ۱۶۳

۱- زهرا رضاییان.

۲- ماهنامه کوثر، سال اول، ش ۶، ص ۵۷.

۳- دانشنامه جهان اسلام، ج ۵، ص ۵۵۴.

برآمدن. یعنی شور زندگی را در جان های خسته از درد و رنج، افکندن!

گل واژه های مهربانی و ایثار در داستان مهربانت شکفته می شوند، آن گاه که بر بالین بیمار می آیی و دست نوازشت را بر چهره تب دارش می کشی. تو که زینب علیهاالسلام را الگوی خود قرار داده ای، در پرستاری از بیماران، عشق را معنا می کنی؛ آن گاه که خواب چشمانت را می زدایی و بر بالین بیمار می نشینی و تا سپیده صبح، نظاره گر وجود تب دارش هستی. خستگی در وجودت معنا ندارد و گرمی مهربانی و امید را در جان های خسته و فرسوده از درد و رنج بیماران تزریق می کنی. لبخند شورآفرین عشق به زندگی را بر لبان سردشان جاری می سازی. خداوند، پاداش زحمت ها و تلاش هایت را بدهد. روزت مبارک باد!

عاطفه الهی ۱

عاطفه الهی (۱)

آسوده بخواب خواهرم، آرام بیاسای برادرم که خورشیدی گرمابخش و سرشار از مهر، در آسمان ایمان من روشن است. خورشیدی درخشان که نه ابر خستگی بر او پرده می افکند و نه در مغرب غفلت و خواب فرومی رود. چشم های سرشار از عاطفه الهی من همواره بیدارند و نگران تویی که دل به مهر من بسته ای. چشمه عاطفه انسانی من به دریای ایمان به خدا راه دارد و همواره در جوشش است. پس آسوده بخواب.

بوی بهشت می دهی. زلال عفو و رحمت خدا بر چهره ات جاری است. عطر بخشش از ذره ذره وجود گرمی ات بر می خیزد. نه اینکه من به تخیلی شاعرانه، کلامی بگویم که رسول گرمی اسلام می فرماید: «عیادت کننده از بیمار در نخلستان بهشت است و هر گاه نزد بیمار بنشیند، رحمت خدا او را فرا می گیرد» (۲). باران رحمت خدا بر تو که لحظه لحظه ات را به عیادت بیماران می گذرانی، گوارا باد.

ص: ۱۶۴

۱- منیره زارعان.

۲- عائِدُ الْمَرِيضِ فِي مَحْرَفِهِ الْجَنَّةِ فَإِذَا جَلَسَ غَمَرَتْهُ الرَّحْمَةُ كُنْتَ الْعَمَلِ، ح ۲۵۱۲۷.

از جاری این دریای عاطفه در وجود من عجب مدارید. خورشیدی چنین روشن از ایمان را در آسمان وجودم به تحیر منگرید. وزش نسیم فداکاری و ایثارم بر تن هم نوعان، شما را متعجب نسازد که من از چشمه سار ایمان آسمانی زینب سیراب شده‌ام. از نور هدایت او، خورشید آسمانم را روشن کرده‌ام و نسیم فداکاری از کوی آن یگانه وادی ایثار به ارمغان آورده‌ام. من شاگرد مکتب زینبم. من پای درس دختر فاطمه علیهاالسلام الفاظ ایمان و عاطفه و ایثار را زمزمه کرده‌ام و عجب نیست اگر در تمام اینها سرآمدم.

پرستاری شغلی الهی است؛ اگر خورشید ایمان گرمابخش دل پرستار باشد؛ اگر عاطفه پرستار از سرچشمه عاطفه زینبی جاری شود و اگر جویبار رحمت و ایثار پرستار به چشمه تقوای الهی متصل باشد. پرستاری، بالی است برای پرواز در آسمان رضایت خدا. اگر دل پرستار لبریز از نور ایمان و معنویت باشد، اگر دستانش تنها به عشق خدا به کار آید، اگر گام هایش خالص و بی شایبه به امید نزدیک شدن به سوی او باشد و اگر تنها به خدا بیندیشد و رضایت او، پرستاری بالی است برای پرواز تا خدا.

چشم که گشودم، نگاه آسمانی و سرشار از مهر تو را دیدم. با نور خدایی سرشار از عاطفه ای که از چشمانت بر همه وجودم بارید، گویی درد از درونم رخت بریست و بیماری از آسمان وجودم پر کشید. در حیرتم که خدا از چشمه کدام عاطفه، تو را لبریز ساخته و ایمانت تا کدام آسمان بالا رفته است؟ سینه ات را وسعت کدام دریا، زلال مهر نوشانده است که چنین مهربان و صمیمی، خستگی ناپذیر و پرتلاش دست در یاری من آورده‌ای؟ در اندیشه این پرسش‌م که کدام بها می تواند مزد این مهربانی بی ریا و خالصانه تو را پردازد؟

نگاه عطشناک بیمار، تشنه زلال مهر توست. تن رنجور و خسته اش به مهربانی تو مرهم می گیرد و تو حتی با نگاهی مهربان که به کویر عطشناک بیماری بیاری، گرمای زندگی را در او خواهی اندوخت. امام صادق علیه السلام می فرماید: «بیمار با هر چه که برایش ببرند آرامش می یابد.»^(۱) خوشا به سعادت تو که لحظه لحظه زندگی ات، جاری کردن زلال

ص: ۱۶۵

۱- إِنَّ الْمَرِيضَ يَسْتَرِيحُ إِلَى كُلِّ مَا أُدْخِلَ بِهِ عَلَيْهِ كَافِي، ج ۳، ص ۱۱۸.

آرامش و آسایش بر وجود انسان های بیمار و رنجور است. گوارا باد بر تو آغوش گشوده بهشت خدا و رحمت بی نهایت او. چشم به آسودگی بر میند. خواب را بگو که به غفلت بر چشمت پانهد. خستگی را بگو که در تو راه نیابد که بیماران، دل به مهر و صبوری تو بسته اند و چشم های نگران بسیاری در انتظار بهبود، به دست های پرتلاش تو خیره مانده است. بیدار باش و صبور. دست به دعا بردار که او یاری ات کند. دستت را به مهر خودش زنده سازد و چشمت را از نور ایمانش لبریز کند. دل به اجابت او بسپار که او نیکوکاران را سخت دوست می دارد.

چه سخت بود اگر پایان دنیا، انتهای وجود بود برای تو که از دنیا هیچ برای خود نخواسته ای. چه دشوار بود اگر با این همه تلاش، فقط بهای ناچیز دنیایی ثمره دست های خسته ات بود. چه رنج آور بود اگر پایان این همه فداکاری تو چند سکه بی ارزش می بود. و چه زیان بزرگی خواهد بود اگر تو در پایان آن همه تلاش و فداکاری و صبر و ایثار، به دنیا و پاداش دنیایی دل ببندی و پاداش اخروی را نخواهی که درهای بهشت خدا بر روی تو گشوده است به یک تمنای خالصانه تو بر در خانه محبوب.

افتخار پرستاری ۱

افتخار پرستاری (۱)

پیراهنی سفید، ابزار پزشکی، دانستن نام داروها و بیماری ها و حاضر شدن در شیفت های پرستاری، تنها نشانه های پرستاران نیست. پرستار کسی است که چشم از خود فرو بسته، از خود و تمایلات خود گذشته، خواب راحت را ترک گفته، خستگی را بر آسودگی ترجیح داده، نگاه از خویش برگرفته و بر عزیزی که در رنج بیماری گرفتار آمده است، نگران گشته است. رنج بیمار را در خود حس می کند و این رنجوری را بین بیمار و خود تقسیم می کند تا از رنج بیمار بکاهد. پرستاری آن است که از خودخواهی تهی شوی و به عشق رضایت حق، خود را از نوع دوستی و احسان

ص: ۱۶۶

سرشار سازی و این می تواند من و تو را هم به شوق اندازد.

حس احسان و نوع دوستی فقط در شغل پرستاری خلاصه نیست. بانویی که به یاری همسر جانبازش کمر بندد، مادری که سال ها بار پرستاری از فرزند معلولش را بر دوش می کشد، نیکوکاری که به یاری معلولان و سالمندان رنجور شتافته است، همه نام پرافتخار پرستاری بر سینه دارند و بشارت پاداشی گران در آینده ای نه چندان دور. روز گرامی پرستار بر همه آنان مبارک باد.

در حیرتم که خدا با تو چه کرده است؛ تویی که شب ها از غم هم نوعان رنجورت، خواب بر چشم حرام می کنی و به خستگی درس استقامت و صبوری می دهی. در حیرتم که سینه تو از کدام دریای عشق به خدا پر شده که چنین در رضایت او موج می زنی و آسوده نمی نشینی. در حیرتم که از چشمه کدام ایمان و عاطفه سیراب گشته ای که درونت از هیچ احسان و از خود گذشتگی سیراب نمی شود و به هیچ خستگی رضایت نمی دهد. دست مریزاد، دست خدا یاورت، ای پرستار مهربانی ها.

روز میلاد دُرّ درخشان مهر و عاطفه، پرستار زخم های به خون نشسته صحنه کربلا و روز پرستار مبارک باد.

از دیار خوبی ها ۱

از دیار خوبی ها (۱)

چشم های مهربان و خسته ات بر کدام افق زرین دوخته شده که معنای خستگی و خواب را از قاموس خود محو کرده است؟ دست های پرتلاش تو به بهانه چه پاداشی به کار آمده که چنین خستگی ناپذیر و پرتوان در تاب و تب کار است؟ قلب مهربانت از سرچشمه کدام یقین سیراب شده که دل را به رضایت الهی سپردی و از هر چه دنیا و دنیانگری است، تهی داشته ای؟ تو اهل کدام دیاری که این گونه

ص: ۱۶۷

مهربان، پرتلاش، کم توقع و صبور به یاری بنی آدم همت بسته ای و از این یاری زلال سیراب نمی شوی؟ دلت همواره گرم و دست همیشه پرتلاش، ای پرستار خوبی ها!

راستی کدام پاداش می تواند بهای یک شب بیداری و مراقبت تو را پردازد؟ کدام مزد با یک روز تلاش بی انتها و صمیمانه تو برابری می کند؟ لحظه ای که چشم های پر محبت تو نگران حال بیمار است، درخشش کدام زر و زیور می تواند نگاه تو را به خود مشغول سازد؟ به راستی تنها خداست که می تواند پاداشی در خور به تو عطا کند. پس تو را بشارت باد بر رحمت خداوندی و باران غفران بی کرانش.

پرستاری، هنری است بی نظیر و تخصصی است بی همتا. پرستاری تنها مراقبت از علایم حیاتی بیمار نیست؛ فقط نگاهبانی از مرز حیات بیمار نیست، بلکه دمیدن روح زندگی است در تن رنجور بیمار. وزش نسیم محبت است و جاری کردن زلال امیدواری در بدن خسته بیمار. پرستاری حفظ جان بیمار است و تقویت روح او. درمان زخم های بیمار است و مرهم نهادن بر زخم های درون او. پرستاری آمیختن طبابت جسم است با طبابت روح؛ روشن نگه داشتن چراغ حیات بیمار است و درخشان کردن خورشید ایمان و اعتمادش به زندگی. برای همین است که پرستاری، هنر است و تخصص.

روز میلاد زینب کبرا علیهاالسلام، پرستار همه عاطفه ها و همه ستاره های درخشان ایمان و عفت و پرستار همه ارزش های زخم دیده در تاریخ شیعه را به همه منادیان انسانیت و ایمان به همه پرستارانی که از پس ابر حیا و عفت، باران عاطفه باریدند و به نور ایمان درونشان، گرمای زندگی در کالبد جامعه جاری کردند، تبریک می گوئیم.

سایه مهر

سایه مهر

تن رنجور من در سایه مهربانی های تو

سلامتی را سلام گفت

و نگاه روح پرور تو

جسم را در شفاخانه انس نشاند.

ص: ۱۶۸

رنج من، ویرانه ای بود که در آن گنج حضور تو نمایان شد

و تخت بیماری را به سریر مهربانی مبدل کرد.

رنج من پایان گرفت، ولی عطوفت تو هنوز موج می زند

و چه گوهرها که به ساحل مروت می ریزد.

هرگز تو را که پرستیدن خدای را در پرستاری از بیماران یافته ای فراموش نمی کنم.

تو هرگز از یادها نمی روی؛ چون زینب، تو را به یادها می آورد و تو، زینب را.

باغبان غنچه خشکیده ۱

باغبان غنچه خشکیده (۱)

شب، نشسته روی بام خانه ها

می دود باد از میان کوچه ها

هرکجا آرام و مستور و خموش

فارغ از هر صوت و هر شور و خروش

تو ولی بیدار ماندی باز هم

تا بشویی از نگاهی گردِ غم

تو پرستار دل غم دیده ای

باغبان غنچه خشکیده ای

شب، خودش را با تو قسمت می کند

عشق از مهر تو حیرت می کند

ای طنین گرم ایثار و خضوع

می تراود از نگاه تو خشوع

۱- اسمیه مشایخی، رد پای احساس، صص ۱۹۰ و ۱۹۱.

این همه عشق از کجا آورده ای

در کدامین مکتب، ایمان خوانده ای

نیک می دانم که استاد تو کیست

منبع مهر و تولای تو چیست

تو ز زینب، عشق را آموختی

بعد همچون شمع مجنون سوختی

سوختی تا این مکان گلشن شود

شب برای بی کسان روشن شود

ای پرستاری که غم را می خری

خسته را منزل به منزل می بری

تو به راه عشق پا بگذاشتی

در دلت نخل صبوری کاشتی

رهرو زینب شدی در کوی عشق

هم به خاک انداختی زانوی عشق

شاد باش از فیض این اجر عظیم

چون شدی در سفره زینب سهمیم

بخش چهارم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش چهارم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

ص: ۱۷۱

توصیه های کاربردی به برنامه سازان

توصیه های کاربردی به برنامه سازان

مسئولیت صدا و سیما فرهنگ سازی در مورد ارج نهادن به تلاش طاقت فرسای پرستاران و همچنین زمینه سازی برای عیادت از بیماران است. چه بسا مسائلی برای مردم در اولویت نیست، ولی بر اثر فرهنگ سازی به درجه اول اهمیت تبدیل می شود. این امر در مورد جشن عاطفه ها، طرح اکرام ایتمام، احسان و نیکوکاری، کمک به زندانیان و مانند آنها نمود عینی یافته است، به گونه ای که اینک مردم این زمان ها را می شناسند و برای آنها برنامه ریزی ویژه ای دارند.

یکی از مواردی که می تواند به وسیله صدا و سیما برجسته شود، مسئله عیادت از بیماران است. بیماری که در بیمارستان به سر می برد، دیدار اقوام، آشنایان و دوستان مایه دلگرمی و نشاط وی را فراهم می آورد و چه بسا در بهبودی او نقش بسزایی دارد. رسیدگی به بیماران در درجه اول بر عهده خویشان وی است، ولی صدا و سیما می تواند با پررنگ کردن این مسئله و نیز بیدار ساختن حس انسان دوستی و آگاه کردن افراد از سفارش اسلام در این باره به گونه ای زمینه سازی کند که مردم در شادی و غم، کنار هم باشند و به کمک یکدیگر بشتابند. چنانچه عیادت از بیماران را جزو حقوق خود بشماریم، هیچ گونه مسامحه و کوتاهی نخواهیم کرد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

هر مسلمانی نسبت به مسلمان دیگری حق دارد که باید آنها را انجام دهد و از این حقوق رهایی نخواهد یافت جز اینکه آنها را ادا کند یا آنکه برادر مسلمانش از او درگذرد. از جمله آنها این است که هنگام بیماری از او دیدن کند. (۱)

از فرمایش حضرت علی علیه السلام برمی آید عیادت از بیمار حقی است که وی بر گردن

ص: ۱۷۲

برادران دینی خود دارد. بنابراین، از باب «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» کوتاهی در ادای حقوق دیگران جایز نیست. اگر کسی از اطرافیان یا دیگر مسلمانان در بیمارستان منتظر شنیدن صدای پای عیادت کنندگان باشد، حق نداریم او را ناامید کنیم. چه بسا یک دیدار ساده یا رد و بدل کردن چند جمله کوتاه، روحیه بیمار را دگرگون کند و سبب تسریع در سلامتی او شود. مهم این است که چون این گونه کارها از حقوق مسلمانان شمرده شده است، باید با نهایت اخلاص، بدون منت گذاری و با قصد قربت انجام گیرد.

در تبیین وظایف صدا و سیما در این زمینه، می توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. رسانه باید به گونه ای فرهنگ سازی کند که مردم این مسئولیت مهم را به عنوان پاسخ دادن به عیادتی که دیگران درباره آنها یا نزدیکانشان انجام داده اند، در نظر نگیرند. چه بسا چنین اتفاقی برای کسی نیفتاده باشد. با این حال، مسئولیت مسلمانی ایجاب می کند او بدون حسابگری و تنها برای خشنودی پروردگار به عیادت بیماران برود و بداند هر گامی که در این مسیر برمی دارد، باعث آمرزش گناهان و نزدیک شدن وی به رضوان الهی و بهشت جاویدان است.

۲. هنگام عیادت از بیمار، اگر کسی در تنگناها و مشکلات زندگی دچار خستگی روحی است، باید تمام این مشکلات را برای محیط بیرون از بیمارستان قرار دهد و با چهره ای گشاده و بانشاط وارد بیمارستان شود. این گشاده رویی می تواند آرامش خاصی به بیماران ببخشد. صدا و سیما می تواند دستورالعمل های دینی را در قالب برنامه های مختلف به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در فیلم ها، سریال ها و نمایش نامه های رادیویی به کار گیرد. اگر در فیلمی که حتی موضوع آن بیماری نیست، صحنه ای برای نمایش سنت حسنه و دیرپای عیادت از بیماران قرار داده شود، به خوبی می تواند بیننده را تحت

تأثیر قرار دهد و در ناخودآگاه او جای بگیرد. بنابراین، می توان این آموزش ها را در برنامه هایی رادیو و تلویزیونی گنجاند. احادیث اخلاقی و پیام های مجری هرچند به روش مستقیم، به طور حتم با تکرار و تعمق، اثربخش خواهد بود؛ چون گوینده این روایت ها یعنی ائمه معصومین علیهم السلام مورد احترام هستند.

۳. یکی دیگر از دستوره های اسلامی این است که بر بالین بیماران نباید زیاد سخن گفت؛ چون سبب خستگی و ملال بیماران می شود. از آن گذشته چه بسا در بیمارستان های دولتی و عمومی، چند بیمار در یک اتاق باشند که در این حال، رعایت حال بیماران دیگر بسیار ضروری است. هنگام برنامه سازی و پخش فیلم و سریال، رعایت این مسئله می تواند آموزش خوبی برای دیگران باشد.

۴. چه بسا بیمارانی به بیماری های سخت مبتلا هستند. در این حال، ملاقات کنندگان هنگام ملاقات باید از درگوشی صحبت کردن با یکدیگر پرهیزند و در حضور بیمار، از مرگ و بیماری های خطرناک سخن نگویند. حتی اخبار بیرون از بیمارستان را چنانچه ناراحت کننده است، نزد او بازگو نکنند. به طور کلی، باید به بیمار و اطرافیان او آرامش و امید داد؛ چه بسا همین امیدوار کردن در سلامتی او مؤثر باشد.

۵. در آموزه های روایی، به خرید هدیه مناسب برای بیمار بسیار سفارش شده است. این هدایا می تواند شامل گل، خوردنی ها و میوه های فصلی و کمپوت باشد، ولی از سلامتی کالا باید اطمینان یافت. هرگونه شتاب در خرید چنین کالاهایی به ویژه از دست فروش های اطراف بیمارستان، ممکن است مشکل بیماران را دوچندان سازد. صدا و سیما می تواند با انجام گفت و گو با ملاقات کنندگان و دست فروشان این نکته را به آنها گوشزد کند که آیا این اجناس از سلامت کامل برخوردارند یا خیر. همچنین از گران فروشی و کم فروشی پرده بردارد تا مسئولان مربوط چاره جویی کنند. برای مثال، وظیفه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، حفظ سلامتی این خوراکی هاست.

شهرداری ها نیز باید با دایرکردن فروشگاه های کنترل شده، از اجحاف در حق ملاقات کنندگان پیش گیری کنند و اجناس را به قیمت مناسب در اختیار ملاقات کنندگان قرار دهند.

۶. از نظر اخلاقی، بسیار شایسته است که انسان علاوه بر عیادت از بیمار منسوب به خود، از بیماران هم اتاقی او هم دیدن کند. چه بسا بیمارانی که از شهرستان آمده اند یا ملاقات کننده ای ندارند و چشم به راه محبت ما و شماینند. این کار سبب می شود انس و الفت میان بیماران افزایش یابد و بیماران در زمان های لازم به کمک یکدیگر بشتابند و نسبت به هم احساس مسئولیت بیشتری کنند.

۷. افزون بر اینکه خود بیمار از باب «من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق» باید از پزشک و پرستاران تشکر کند، اطرافیان و ملاقات کنندگان نیز می توانند با زبان ساده از گروه پزشکی سپاس گزاری کنند. بدین ترتیب؛ خستگی کارهای طاقت فرسا از تن پرستاران به در می رود و آنان نسبت به کار و تلاش بیشتر تشویق می شوند.

۸. یکی دیگر از مقوله هایی که برنامه سازان صدا و سیما باید به آن توجه کنند، پاسداری از جایگاه شغلی پرستاران است. آنان باید کوشش های چشم گیر و پرزحمت آنان را در برنامه های خویش به درستی به تصویر کشند تا نوع برخورد بیماران و اطرافیان و افراد جامعه با آنها از روی احترام و عزت باشد. این گونه پاسداشت ها، آنها را نسبت به کارشان باانگیزه تر خواهد کرد.

۹. پرستاران در برخورد با بیماران از خوش رفتاری و خوش خلقی به هیچ وجه کوتاهی نخواهند کرد. نمایش درددل های دوستانه میان پرستاران و بیماران، خوش خلقی و بذله گویی پرستاران برای ایجاد نشاط در محیط سرد و خاموش بیمارستان ها، رعایت احترام و ادب پرستاران در گفتار و کردار، نرم خوئی آنان، خدمت گزاری بدون منت و شکیبایی آنان در برابر سختی ها و احیانا

خرده گیری های بیماران، می تواند در گسترش و نهادینه کردن اخلاق پرستاری بسیار اثرگذار باشد.

۱۰. یکی از مواردی که از پرستاران بیشتر انتظار می رود، احترام به سالمندان و بزرگ سالان و فروتنی در برابر آنان است. این فروتنی باید با قاطعیت همراه باشد تا بیمار از پرستار، حرف شنوی داشته باشد و با همکاری لازم و اجرای دستورهای پزشک، زمینه بهبودی فراهم شود. پی گیری کارها، جدیت، استقامت و زمان بندی مناسب، اولویت بندی در کارها و توکل به خداوند از دیگر صفات شغل پرستاری است که باید در برنامه هایی که برای این گروه تدوین می شود، بر آنها تأکید شود.

۱۱. یکی از نکته های مهم در ارتباط پرستاران با بیماران، شیوه ملاقات با آنهاست. باید تسهیلات لازم برای دیدار با بیماران فراهم آید. سخت گیری های بی اساس که متأسفانه به نارضایتی از نگهبانان بیمارستان ها منجر می شود، باید اصلاح گردد. به راستی اگر ملاقات با بیماران در غیر روزهای مقرر ممنوع است، چگونه است که با اجازه نگهبان تمام این تنگناها از بین می رود و حتی در بخش ها نیز پرستاران و دیگر کارکنان بخش چیزی به مراجعه کنندگان به اصطلاح غیرقانونی نمی گویند. بنابراین، اگر امکان دیدار برای بعضی از بیماران وجود دارد، باید از راه درست و با برنامه ریزی مناسب انجام گیرد. برای مثال، روزهای ملاقات افزایش یابد یا تنها با هماهنگی با سرپرستاران بخش، این ملاقات ها انجام شود.

۱۲. پرستاری شغل بسیار شریف و ارزشمندی است. در سیره پیشوایان دینی، کمک به بیماران و پرستاری از آنان، فراوان دیده می شود. برای آنان رسیدگی به بیمار ثروتمند و بی چیز یکسان بود و به بیماران برای خشنودی خدا و از روی اخلاص رسیدگی می کردند. بنابراین، بر پرستاران واجب است

در برخورد با بیماران فقیر و ثروتمند، انصاف و عدالت را رعایت کنند و دارایی و ناداری ملاک برخورد با آنها نباشد. از سوی دیگر، یک پرستار متعهد دین دار و مسئولیت پذیر، کار خود را برای خدا انجام می دهد و برایش فرقی نمی کند که در بیمارستان های دولتی یا غیردولتی باشد. او همواره به شغل مقدس و وظیفه انسانی خود فارغ از افراد و مکان ها می نگرد و در راه به دست آوردن رضایت الهی گام برمی دارد. هرچند کار در بیمارستان های دولتی به علت تعداد زیاد بیماران دشوارتر است، ولی پرستاری که با عشق و علاقه به انجام وظیفه می پردازد، به سختی و مشکلات کارها با دید برخورداری از پاداش بیشتر نمی نگرد. البته همه می دانیم که اجر و مزد چنین کسی نزد خداوند به مراتب افزون است.

۱۳. در کنار در نظر گرفتن نیت خالصانه برای شغل پرستاری و انجام وظیفه برای خشنودی خدا، برنامه ریزان و دولتمردان باید رسیدگی مادی به پرستاران را نیز در نظر داشته باشند. اگر پرستاران از امکانات مالی متناسب با منزلت خویش برخوردار باشند، می توانند با آرامش و دقت بیشتری به انجام مسئولیت های خویش همت گمارند. هرگونه دغدغه مالی می تواند بر کیفیت کار پرستاران اثر منفی بگذارد. البته این به آن معنا نیست که تقاضای زیاده طلبی داشته باشند، بلکه متناسب با جایگاه اجتماعی خود از ضروریات مادی بی بهره نمانند. جا دارد صدا و سیما با نشست های صمیمانه ای که با پرستاران انجام می دهد، مشکلات و خواسته های آنان را به گوش مسئولان برساند.

۱۴. شایسته است انسان، یاران دوران دشواری را فراموش نکند. اگر در زمان بیماری به خدمات پرستاران نیاز دارد، محبت های انسانی آنها را از یاد نبرد و در روز پرستار با شاخه گل به محل کار آنها برود و از تلاش آنها سپاس گزاری کند. بی شک، چنین

کارهایی می تواند انگیزه پرستاران را در خدمت رسانی بهتر به بیماران تقویت کند. برنامه های صدا و سیما نیز در این ایام باید جلوه و رونقی خاص داشته باشد. تهیه نماآهنگ های مناسب از ایثارگری و امدادهای صادقانه پرستاران و نمایش فیلم ها و سریال ها بسیار اثرگذار خواهد بود.

زیرنویس ها

زیرنویس ها

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

هر کس یک شبانه روز، بیماری را پرستاری کند، خداوند او را همراه با ابراهیم خلیل برمی انگیزد و به سان برقی پردرخشش، از صراط می گذرد. (۱)

هر کس، غذایی را که بیمار هوس کرده است، به او برساند، خداوند از میوه های بهشتی به او خواهد خوراند. (۲)

عیادت، سنت است. (۳)

عیادت بیمار، پاداشی بزرگ تر از تشییع جنازه دارد. (۴)

عیادت کننده بیمار، در راه بهشت گام برمی دارد. (۵)

گام هایی که عیادت کننده بیمار از خانه خود تا نزد او برمی دارد، در باغ های بهشت برداشته می شود. (۶)

چون بر بیماری وارد شدی، از او بخواه برایت دعا کند؛ چون دعای او به سان دعای فرشتگان است. (۷)

ص: ۱۷۸

۱- ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲- المعجم الکبیر، ج ۶، ح ۶۱۰۷، ص ۲۴۱.

۳- الفردوس، ج ۳، ح ۴۲۲۶، ص ۸۱.

۴- همان، ح ۴۱۱۱، ص ۴۴.

۵- المجازات النبویه، ح ۸۰، ص ۱۱۳.

۶- الفردوس، ج ۲، ح ۲۹۶۲، ص ۱۹۳.

۷- سنن ابن ماجه، ج ۱، ح ۱۴۴۱، ص ۴۶۳.

امام علی علیه السلام:

عیادت بیمار، یکی از پسندیده ترین کارهای نیک است. (۱)

امام صادق علیه السلام:

هر کس بیماری را برای خدا عیادت کند، آن بیمار برای عیادت کننده، از خدا چیزی نخواهد مگر آنکه خداوند دعایش را استجابت کند. (۲)

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. بیمار چه انتظاری از اطرافیانش دارد؟
۲. برخورد پزشک یا پرستاران را با بیمار و اطرافیانش چه طور دیده اید؟
۳. مردم چه انتظاری از پرستاران دارند؟
۴. فکر می کنید پرستاری چه قدر سخت است؟
۵. مردم چگونه می توانند پاسخ گوی زحمات پرستاران باشند؟
۶. یک پرستار خوب دارای چه صفاتی است؟
۷. از نوع برخورد پرستاران با خود یا اطرافیانتان چه خاطره ای دارید؟
۸. گشاده رویی و شکیبایی پرستاران تا چه اندازه در بهبودی بیمار مؤثر است؟
۹. بهترین کمک به بیماران در شرایط بیماری چیست؟
۱۰. چگونه می توان انگیزه یک پرستار را نسبت به کار و مسئولیت خویش بالا برد؟
۱۱. اگر در میان اطرافیانتان، کسی پرستار است، آیا دریافته اید که مشکلات و سختی کار او بر محیط خانوادگی اش اثر گذاشته است یا نه؟
۱۲. پرستاران معمولاً از بیماری های جسمی بیماران آگاه می شوند. در این موارد، رازداری آنان تا چه اندازه باعث حفظ حرمت بیماران خواهد شد؟

١- الجعفریات، ص ٢٤٠.

٢- ثواب الاعمال، ح ٣، ص ٢٣٠.

۱۳. آیا تا به حال برای دیدن بیماران غیر آشنا و فامیل به بیمارستان رفته اید؟
۱۴. فکر می کنید ملاقات کردن بیماران چه قدر در تندرستی آنان مؤثر باشد؟
۱۵. هنگام ملاقات با بیماران، چه نکاتی باید رعایت شود؟
۱۶. هنگام ملاقات با بیماران، معمولاً چه چیزهایی را تهیه می کنید؟
۱۷. فکر می کنید خرید کردن از دست فروشی های اطراف بیمارستان چه آسیب هایی داشته باشد؟
۱۸. اگر به جز بیمار شما، چند بیمار دیگر با او هم اتاقی باشند، چه می کنید؟
۱۹. آیا تعداد و زمان روزهای ملاقات برای بیماران در بیمارستان ها مناسب است؟
۲۰. برای ورود به بیمارستان برای ملاقات با بیمارانتان با چه مشکلاتی روبه رو شده اید؟
۲۱. پس از مراجعه به بیمارستان معمولاً چه اندازه در کنار بیمارتان می مانید و اصولاً چه مدت زمانی برای ملاقات بهتر است؟
۲۲. فکر می کنید چند درصد از عیادت کنندگان برای رضایت الهی این کار را می کنند؟
۲۳. بعضی ها فکر می کنند ملاقات کردن از بیماران در خانه آنان سبب زحمت آنان است. نظر شما در این باره چیست؟
۲۴. اگر بیماری کسی را خطرناک دیدید و احساس کردید که شفا یافتن او دشوار است، در برابر او چگونه رفتار می کنید؟
۲۵. فکر می کنید کارکنان بیمارستان ها در پذیرش بیماران و شیوه برخورد با اطرافیان بیمار چگونه باید رفتار کنند؟
۲۶. آیا میان شیوه برخورد گروه پزشکی در بیمارستان های دولتی و غیردولتی تفاوتی می بینید؟
۲۷. به مناسبت روز پرستار، بهترین کاری که می توان برای این تلاشگران انجام داد،

۲۸. چرا روز تولد حضرت زینب به عنوان روز پرستار نام گذاری شده است؟
۲۹. در مورد پرستاری حضرت زینب علیهاالسلام از فرزندان و بازماندگان کاروان امام حسین علیه السلام چه می دانید؟
۳۰. یک پرستار نمونه چگونه می تواند رهرو شایسته ای برای حضرت زینب علیهاالسلام باشد؟
۳۱. آیا تا به حال در روز پرستار، با شاخه ای گل در دست برای قدردانی از تلاش پرستاران به بیمارستان مراجعه کرده اید؟
۳۲. چند فیلم یا سریال را پس از انقلاب دیده اید که درباره خدمات صادقانه پرستاران تهیه شده باشد؟

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. انتظار بجا و نابجای بیمار از اطرافیان و گروه درمانی را در چه چیزهایی می بینید؟
۲. برخورد سالم و سازنده گروه پزشکی با بیماران چگونه برخوردی است؟
۳. به نظر شما سختی رفتار با بیماران بیشتر از نظر جسمی است یا روحی و عاطفی؟
۴. چگونه برخوردی از بیماران و اطرافیان آنان می تواند به نوعی تشکر از تلاش پرستاران هم باشد؟
۵. مهم ترین مشکلات فراروی پرستاران چیست؟
۶. بهترین صفات نیکویی که یک پرستار می تواند داشته باشد، کدامند؟
۷. چگونه می توان انگیزش و کارآیی پرستاران را بیشتر کرد؟
۸. همان طور که می دانید، برای پرستاران افزون بر سختی های جسمی، تنش های عاطفی در برخورد با بیماران به وجود می آید. چگونه می توان از پی آمدهای منفی آن به حریم خانوادگی پرستاران جلوگیری کرد؟

۹. معمولاً پزشکان و پرستاران به اقتضای شغل خود از عیب جسمی بیماران آگاه می شوند. در این موارد چه سفارشی به آنها دارید؟

۱۰. بیماران هنگام مراجعه به بیمارستان ها با چه مشکلاتی روبه رو می شوند؟

۱۱. چرا فرهنگ عیادت از بیماران در کشور ما نهادینه نشده است؟

۱۲. رسانه اسلامی چگونه می تواند در این راستا فرهنگ سازی کند؟

۱۳. هنگام عیادت از بیمار، چه نکاتی را باید رعایت کرد؟

۱۴. معمولاً چه هدایایی برای بیماران مناسب تر به نظر می آید؟

۱۵. از جهت زمان بندی برای ملاقات کنندگان، چه نکته های مثبت یا منفی وجود دارد؟ چگونه می توان ملاقات در غیر روزهای مقرر آن هم با اجازه نگهبان بیمارستان را توجیه کرد؟

۱۶. پرستاران از جامعه (به ویژه در روز پرستار) چه انتظاری دارند؟

۱۷. فکر می کنید چند درصد از برنامه های صدا و سیما بعد از انقلاب در راستای معرفی خدمات صادقانه پرستاران در فیلم ها بوده است؟ چگونه می توان این رویکردها را تقویت کرد؟

فرشتگان مهر! زحماتتان را پاس می داریم و دعای خیرمان را بدرقه راهتان می سازیم.

ایام عزت و شادمانی مستدام

ص: ۱۸۲

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، منشورات مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۳. ابن شعبه حرانی، ابن محمد الحسن بن الحسین، تحف العقول عن آل الرسول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
۴. ابن عبدربه، العقد الفريد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۱ ق.
۵. ابن قتیبه، عیون الاخبار، قم، انتشارات الشریف الرضی، ۱۳۷۳.
۶. ابن هشام، سیره ابن هشام، مصر، مکتبه محمدعلی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ ه. ق.
۷. استشاره، فاطمه، احکام پرستاری، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
۸. اسدی، اکبر، فرهنگ پرستاری، مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۸ ه. ق.
۱۰. حر عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه، تهران، اسلامی، ۱۳۶۷.
۱۱. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۲. رضایی، مهدی و علی اکبر مظاهری، زیارت خدا، مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان.
۱۳. رضوان فر، احمد، فرهنگ اخلاقی _ تربیتی معصومین (حرف پ)، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴.
۱۴. سعدی، شیخ مصلح الدین، کلیات سعدی، بر اساس تصحیح و طبع: محمدعلی فروغی، تصحیح، مقدمه، تعلیقات و فهارس: بهاءالدین خرمشاهی، تهران، انتشارات ناهید، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۵. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه و شرح: فیض الاسلام، تهران، فقیه، ۱۳۶۷.
۱۶. شیخ مفید، الاختصاص، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ه. ق.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، انتشارات رضی، ۱۴۱۲ ه. ق.

۱۸. فیض کاشانی، ملامحسن، المحجّه البیضاء، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم، بی تا.

۱۹. قمی، عباس، سفینه البحار، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۲.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ، اهل بیت، بی تا.

۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دارالرضا، ۱۳۷۰.

۲۲. محمدی ری شهری، محمد، دانش نامه احادیث پزشکی، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۲۳. _____، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۴.

۲۴. مطهری، مرتضی، ده گفتار، تهران، صدرا، ۱۳۷۳.

ص: ۱۸۳

۲۵. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارك فرهنگي انقلاب اسلامي، وزارت ارشاد، ۱۳۶۴ _ ۱۳۶۸.

۲۶. نوری طبرسی، میرزا حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۷ ه. ق.

۲۷. نیلی پور، مهدی، فرهنگ فاطمیه، اصفهان، مرکز فرهنگي شهید مدرس، ۱۳۸۰.

۲۸. واقدی، محمد بن عمر، المغازی للواقدي، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۶۷.

۲۹. ورام، ابن ابی فراس، ابوالحسن، تنبيه الخواطر و نزهه النواظر، قم، مکتبه الفقیه.

۳۰. هندی، علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۵ ه. ق.

ص: ۱۸۴

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

